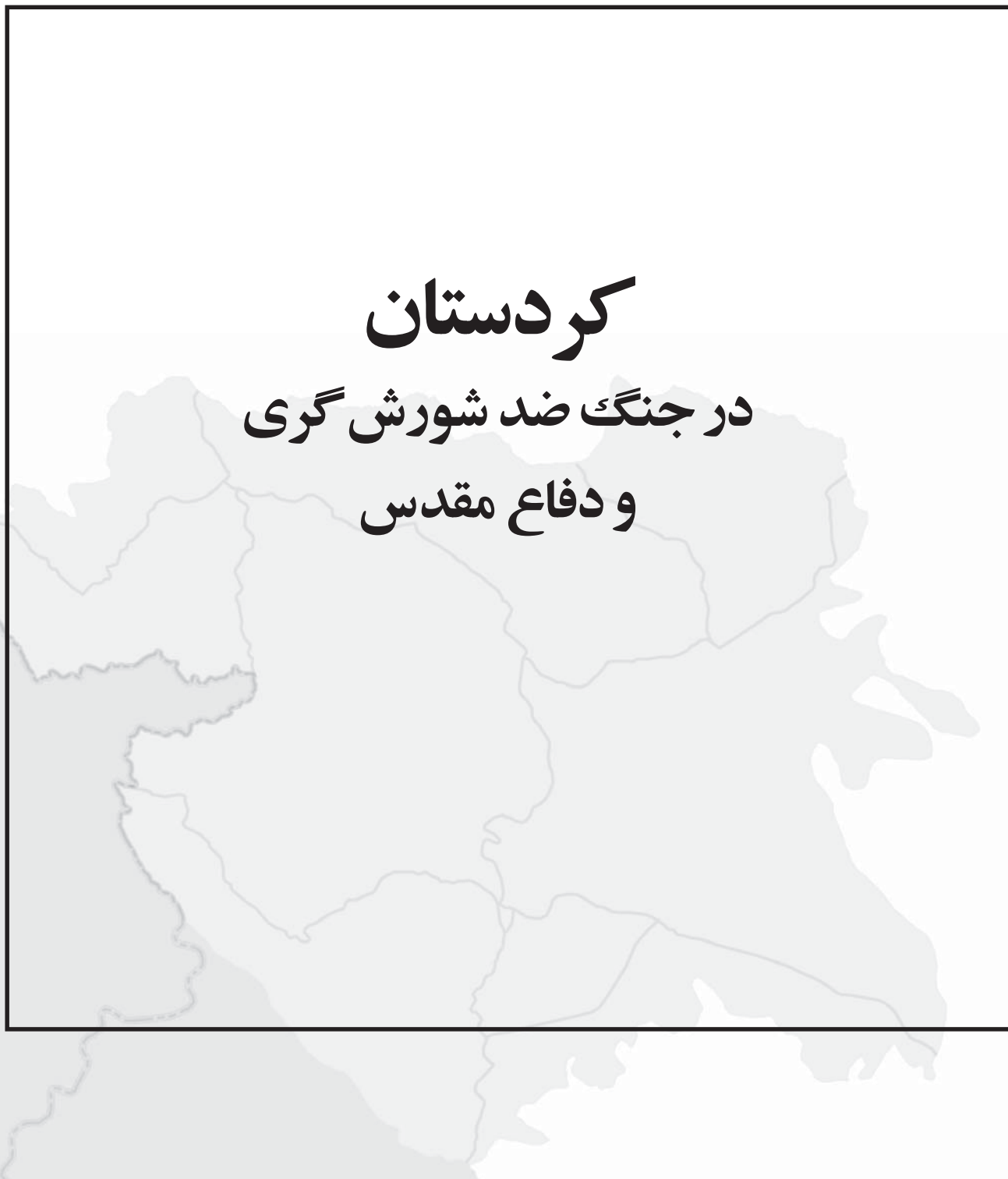


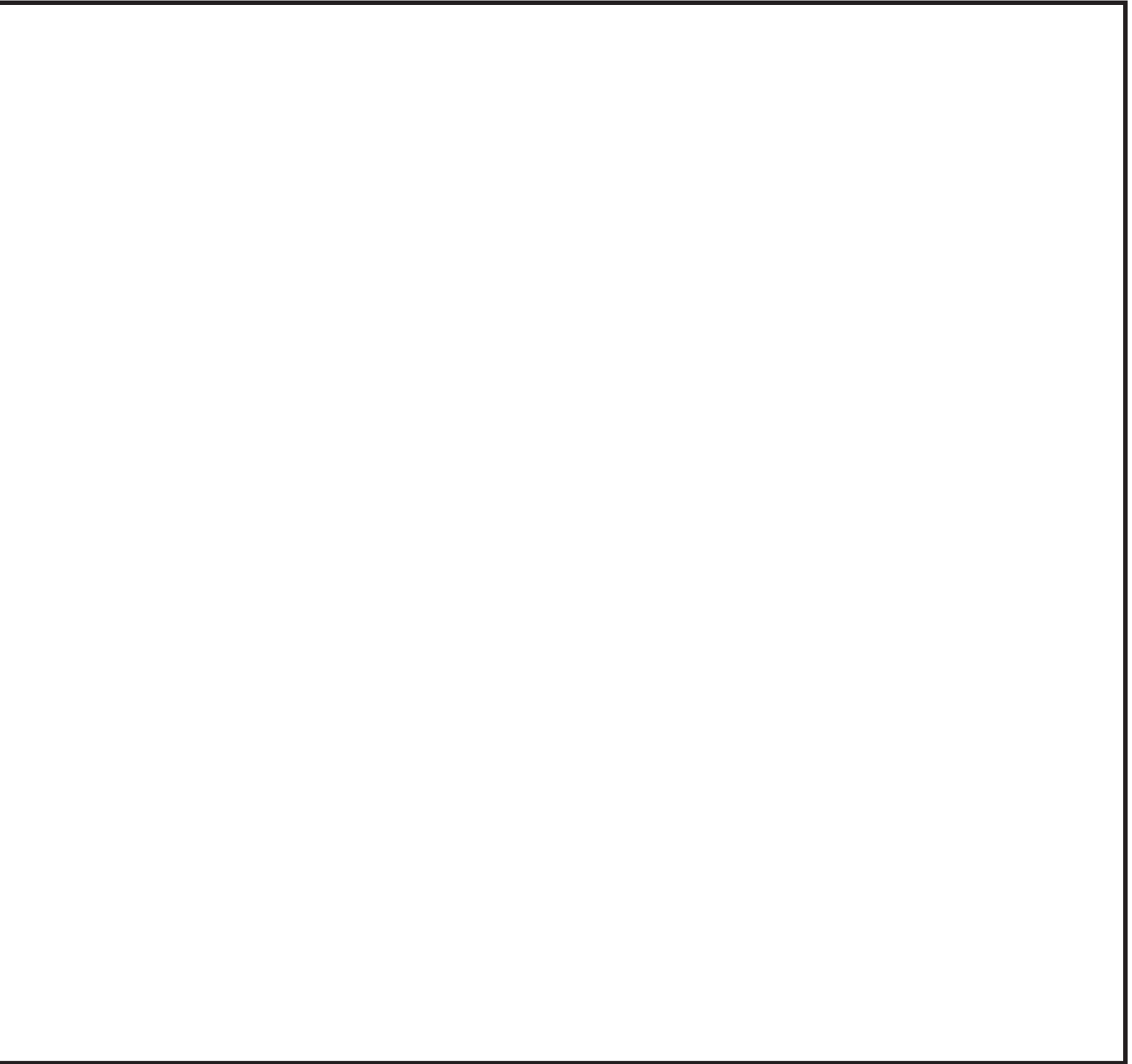
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

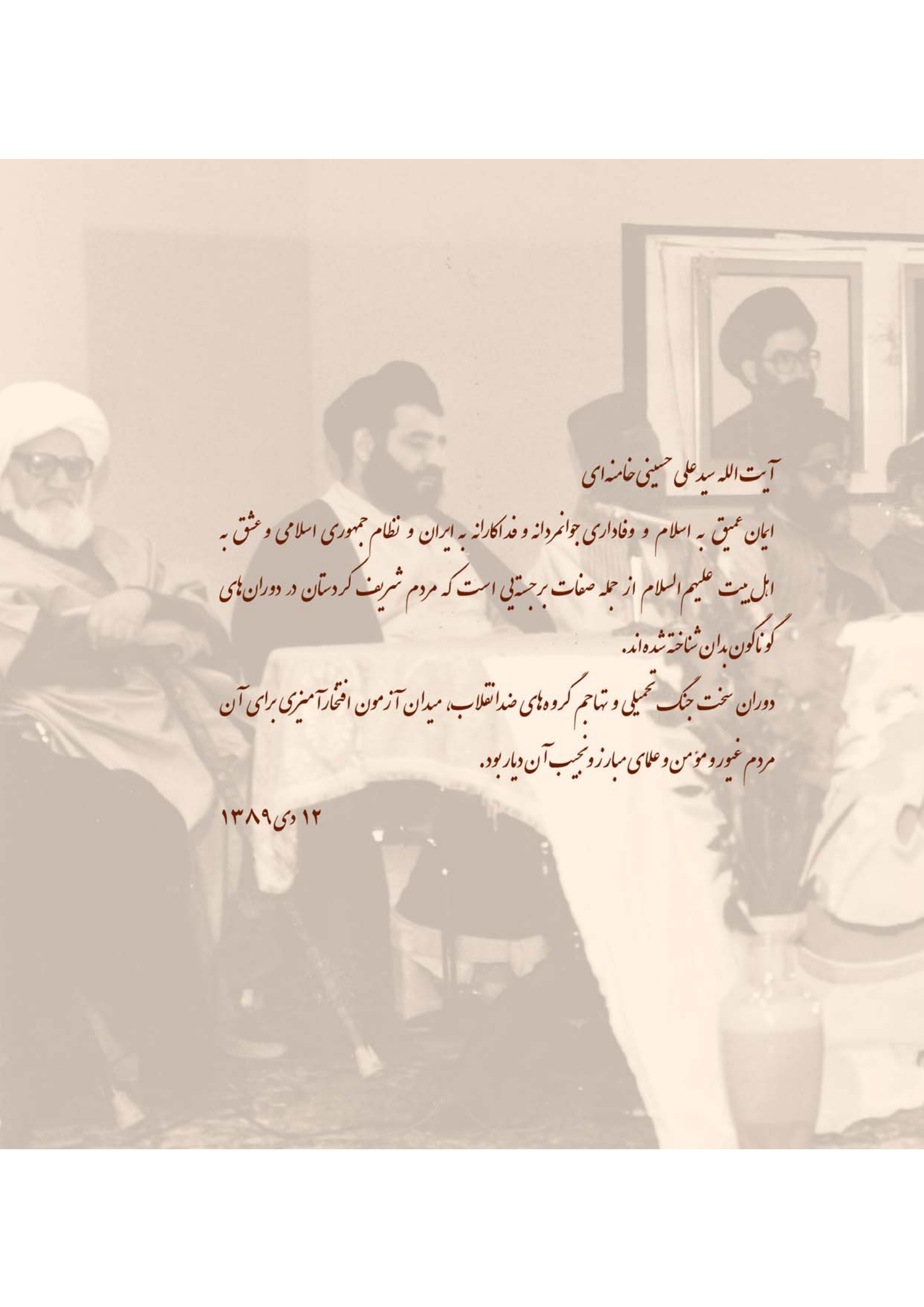
کردستان

در جنگ ضد شورش گری

و دفاع مقدس







آیت الله سید علی حسینی خامنه ای

ایمان عمیق به اسلام و وفاداری جوانمردانه و فداکارانه به ایران و نظام جمهوری اسلامی و عشق به اهل بیت علیهم السلام از جمله صفات برجسته ای است که مردم شریف کردستان در دوران های کوناگون بدان شناخته شده اند.

دوران سخت جنگ تحمیلی و تهاجم گروه های ضد انقلاب، میدان آزمون افتخار آمیزی برای آن مردم غیور و مؤمن و علمای مبارز و نجیب آن دیار بود.

۱۲ دی ۱۳۸۹



کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی

تقدیم ۲۵، ۲۶

فهرست مطالب

<p>۷۶..... آزادسازی جاده‌ی کامیاران - روانسر</p> <p>۷۸..... آزادسازی جاده‌ی بانه - سردشت</p> <p>۸۱..... فصل پنجم: آزادسازی مناطق بینابینی</p> <p>۸۲..... آزادسازی مناطق بینابینی</p> <p>۸۴..... آزادسازی دزلی</p> <p>۸۶..... آزادسازی منطقه‌ی موجش</p> <p>۸۸..... آزادسازی روستاهای کامیاران - سنقر</p> <p>۹۰..... آزادسازی زاوه رود غربی</p> <p>۹۲..... آزادسازی منطقه‌ی کامیاران - سروآباد</p> <p>۹۴..... آزادسازی منطقه‌ی بینابینی سقز - دیواندره - تکاب</p> <p>۹۶..... عملیات شهید ناصر کاظمی</p> <p>۹۸..... عملیات شهید حسینی</p> <p>۱۰۰..... عملیات قائم</p> <p>۱۰۲..... عملیات انصارالله</p> <p>۱۰۵..... فصل ششم: تأمین مرز</p> <p>۱۰۶..... تأمین مرز</p> <p>۱۰۸..... عملیات اورامان تخت</p> <p>۱۱۰..... عملیات بعثت</p> <p>۱۱۲..... عملیات وحدت</p> <p>۱۱۴..... عملیات شهید هادوی</p> <p>۱۱۶..... عملیات غدیر خم</p> <p>۱۱۹..... فصل هفتم: تعقیب ارتش متجاوز عراق</p> <p>۱۲۰..... جنگ در استان کردستان</p> <p>۱۲۲..... هجوم سراسری عراق</p> <p>۱۲۴..... تجاوز زمینی به کردستان</p> <p>۱۲۶..... آزادسازی ارتفاعات دالانی و دزلی</p> <p>۱۲۸..... آزادسازی قوچ سلطان</p> <p>۱۳۰..... آزادسازی ارتفاعات تنه و ژالانه</p> <p>۱۳۲..... تصرف ارتفاعات لانون و آسون</p> <p>۱۳۴..... تصرف پادگان بانی بنوک عراق</p> <p>۱۳۶..... عملیات سلمان</p> <p>۱۳۸..... عملیات والفجر ۴</p> <p>۱۴۰..... عملیات والفجر ۹</p> <p>۱۴۲..... عملیات کربلای ۱۰</p> <p>۱۴۴..... عملیات نصر ۴</p> <p>۱۴۶..... سرزمین‌های آزادشده</p> <p>۱۴۸..... فهرست منابع</p>	<p>۹..... پیش‌گفتار</p> <p>۱۰..... مقدمه</p> <p>۱۳..... فصل اول: وضعیت عمومی</p> <p>۱۴..... تاریخ کردستان</p> <p>۱۶..... جغرافیای کردستان</p> <p>۱۸..... انقلاب اسلامی در کردستان</p> <p>۲۰..... حزب دمکرات کردستان</p> <p>۲۲..... کومه‌له</p> <p>۲۴..... گروه خیاب</p> <p>۲۵..... سپاه رزگاری (رستگاری)</p> <p>۲۷..... فصل دوم: بحران در کردستان</p> <p>۲۸..... بحران در کردستان</p> <p>۳۰..... تداوم آشوب</p> <p>۳۲..... آزادسازی شهرها - دور اول</p> <p>۳۴..... هیئت حسن نیت</p> <p>۳۶..... کنترل بحران</p> <p>۳۹..... فصل سوم: آزادی شهرها</p> <p>۴۰..... آزادسازی شهرها - دور دوم</p> <p>۴۲..... آزادسازی کامیاران</p> <p>۴۴..... آزادسازی سنندج</p> <p>۴۶..... شرح عملیات</p> <p>۴۸..... آزادسازی دیواندره</p> <p>۵۰..... آزادسازی سقز</p> <p>۵۲..... آزادسازی بانه</p> <p>۵۴..... آزادسازی مریوان</p> <p>۵۷..... فصل چهارم: آزادسازی جاده‌های ارتباطی</p> <p>۵۸..... آزادسازی محورهای مواصلاتی</p> <p>۶۰..... آزادسازی جاده‌ی سنندج - دهگلان</p> <p>۶۲..... آزادسازی جاده‌ی سقز - بانه</p> <p>۶۴..... آزادسازی جاده‌ی سنندج - دیواندره</p> <p>۶۶..... آزادسازی جاده‌ی سنندج - کامیاران</p> <p>۶۸..... آزادسازی جاده‌ی سنندج - مریوان</p> <p>۷۰..... آزادسازی جاده‌ی دیواندره - سقز</p> <p>۷۲..... آزادسازی جاده‌ی سقز - یوکان</p> <p>۷۴..... آزادسازی جاده‌ی سقز - مریوان</p>
--	--



دوران هشت ساله‌ی دفاع و مقاومت در برابر تجاوز ارتش عراق و ایستادگی در مقابل زورگویی همه‌ی قدرت‌های نظامی و اقتصادی منطقه‌ی و جهانی - که با پشتیبانی از حکومت عراق، برای حفظ این حکومت و براندازی یا به تسلیم واداشتن نظام جمهوری اسلامی کوشیدند - دورانی پر عظمت، پر حماسه، تاریخی و فراموش نشدنی است. دورانی که با همت جانانه‌ی مردم و رزمندگان و تدابیر امام خمینی، مطامع دشمنان با ناکامی مواجه شد. دورانی که هر مقطع آن از ویژگی‌های مهمی برخوردار است و دقت در وقایع و حقایق آن نتایج و درس‌هایی آموختنی دارد. هر آنچه در این دوران گذشت نه می‌توان به تفصیل بیان کرد و نه می‌توان کاملاً به تصویر کشید، اما مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در تلاش برای تدوین گوشه‌هایی از وقایع و حقایق این دوران، مجموعه‌های متعددی را طراحی و آماده کرده که از جمله‌ی آن‌ها مجموعه‌ی اطلس‌های راهنما است و مخاطب آن عموم مردم ایران هستند.

این اطلس نهمین کتاب از این مجموعه است که به فعالیت‌های گسترده‌ی گروه‌های ضد انقلاب در استان کردستان برای تجزیه‌ی کشور؛ اقدامات تروریستی و نظامی گروه‌های تجزیه طلب؛ تلاش امام، مسئولان، فرماندهان و رزمندگان برای حفظ امنیت مردم این منطقه و جلوگیری از درگیری و جنگ در آن و عملیات‌های پاک‌سازی و کنترل بحران که به همت رزمندگان انجام شده، اختصاص یافته است.

در این اطلس در قالب متن‌های فشرده، نقشه‌ها، عکس‌ها، نمودارها و جدول‌ها تلاش شده است تا چگونگی بروز بحران در کردستان و حوادث حاصل از آن، اقدامات شورش‌گرانه‌ی گروه‌های تجزیه طلب، تسامح ناکارآمد دولت مرکزی در برابر بحران آفرینان، سرکوب شورش‌گران، آزادسازی مناطق مختلف استان از سلطه‌ی شورش‌گران، تأمین مرز بین‌المللی، دفع تجاوز ارتش بعثی عراق از مناطق مرزی ایران و آزادسازی مناطقی از استان سلیمانیه‌ی عراق بیان و به تصویر کشیده شود. اطلس کردستان، در جنگ ضد شورش‌گری و دفاع مقدس در هفت فصل تدوین شده است: فصل اول کتاب با نام وضعیت عمومی، به تاریخ و جغرافیای استان کردستان و معرفی اجمالی گروه‌های شورش‌گر پرداخته است. فصل دوم بروز بحران در کردستان، تلاش دولت برای کنترل بحران توأم با تسامح و ناکارآمدی آن را بیان کرده است. فصل سوم، چهارم و پنجم به ترتیب آزادسازی شهرها، جاده‌های ارتباطی و مناطق بینابینی را به تصویر کشیده‌اند. فصل‌های ششم و هفتم به ترتیب به عملیات‌هایی که با هدف تأمین مرز انجام شده و نبردهایی که با هدف تعقیب ارتش تجاوزگر عراق به اجرا درآمده و به آزادسازی نوار غربی استان سلیمانیه‌ی عراق انجامیده است، اشاره دارند.

در این جا از آقای رضا صادقی، پژوهش‌گر و نویسنده‌ی کتاب و همه‌ی کسانی که به انحاء مختلف در تولید و آماده‌سازی این کتاب کوشیده‌اند سپاس‌گزاری می‌شود.



بنابراین، بار دیگر پاسداران با هم‌راهی افراد متدین و متعهد ارتش ابتکار عمل را به دست گرفتند و بحران کردستان را به تدریج کنترل و مهار کردند.

با بازگشت امنیت نسبی به منطقه، گروه‌های ضد انقلاب به کشور عراق گریختند و هم‌کاری نزدیک‌تر با حکومت و ارتش عراق را آغاز کردند. نیروهای خودی نیز پایگاه‌ها و محل‌های استقرار آن‌ها در خاک عراق را شناسایی کردند و با اجرای عملیات‌های نامنظم برون‌مرزی، افراد، تجهیزات و سلاح‌های آنان را هدف قرار دادند تا امنیت کردستان تثبیت شود.

هم‌زمان با برقراری امنیت در کردستان، تأمین مناطق مرزی کشور که ارتش متجاوز عراق آن‌جا را اشغال کرده بود، در دستور کار قرار گرفت و پس از اجرای چند عملیات، مرزهای کردستان تأمین و ارتش متجاوز عراق تعقیب شد.



پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن بیستم، رخداد بزرگی در نظام بین‌الملل بود که تحول عظیمی در منطقه‌ی خاور میانه ایجاد کرد. انقلاب اسلامی با حضور گسترده‌ی مردم و رهبری امام خمینی، توانست مسلمانان را فراتر از گرایش‌های سرمایه‌داری غربی یا کمونیسم شرقی، با خط مشی جدیدی آشنا کند که در سطره‌ی دین و بلوک حاکم بر جهان و ایادی داخلی آن‌ها در کشورها نبود. بنابراین، انقلاب اسلامی بلافاصله بعد از پیروزی با دو طیف از دشمنان مواجه شد:

طیف اول، دشمنان داخلی بودند که تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی دو بلوک شرق و غرب قرار داشتند، همواره خود را مستحق رهبری مردم می‌دانستند و برای تحقق خواسته‌های‌شان اقدامات فراوانی انجام می‌دادند، اما به دلیل شکاف‌های عمیقی که بین مردم و اندیشه و عمل آن‌ها وجود داشت، هیچ‌گاه نقش مؤثری در این زمینه نداشتند.

طیف دوم، دشمنان خارجی بودند که با پیروزی انقلاب اسلامی، از یک سو، منافع آنان به خطر افتاده بود و از سوی دیگر، با معرفی چهره‌ی جدیدی از اسلام، ایدئولوژی آنان متزلزل شده بود و شعارهای‌شان دیگر نزد ملت‌ها جذابیت نداشت.

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، این دو طیف نقش مؤثری در بی‌ثبات جلوه دادن نظام ایفا کردند. طیف دشمنان داخلی، با تهدید وحدت ملی و استقلال کشور، خواستار استقلال اقلیت‌های ایرانی و تجزیه‌ی سرزمین‌های آنان، از جمله تجزیه‌ی مناطق کردنشین بودند تا با حمایت قدرت‌های بزرگ زمینه‌ی تشکیل کشور مستقل کردستان را فراهم کنند.

طیف دشمنان خارجی نیز با حضور در کشورهای عراق و ترکیه، در عمل صحنه‌گردان بحران‌های سیاسی و امنیتی داخل ایران بودند و کشورهایمانند شوروی، آمریکا، فرانسه و حکومت صهیونیستی با حمایت‌های خود از گروه‌های ضد انقلاب، بحران‌های داخلی را تشدید و نظام تازه‌تأسیس جمهوری اسلامی ایران را تضعیف می‌کردند. آن‌ها با راه انداختن جنگ داخلی می‌کوشیدند از قوام دولت مرکزی و استقرار ثبات سیاسی در کشور جلوگیری کنند.

در چنین اوضاعی، جمهوری اسلامی برای مقابله با این نابه‌سامانی‌ها، وضعیت مناسبی نداشت. دولت موقت در یک دوره‌ی پر آشوب داخلی به حاکمیت رسیده بود و در دوره‌ی تغییر نظام سلطنتی به نظام جدید، با انواع ناآرامی‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی رو به رو بود. علاوه بر این، دولت موقت به دلیل نداشتن تجربه در اداره‌ی امور کشوری که تازه انقلاب کرده بود، درایت و قاطعیت لازم و کافی را نداشت و برای حفظ هم‌بستگی ملی، مهم‌ترین راه چاره در برابر این مشکلات را مذاکره می‌دانست.

نیروهای مسلح کشور نیز به دلیل پاک‌سازی فرماندهان و سران وابسته، وضعیت نامناسب روحی - روانی کارکنان و برخی تدابیر نادرست اجتماعی - نظامی مبنی بر کاهش مدت خدمت سربازی و انتقال کارکنان رسمی به زادگاه‌شان، توانایی و اقتدار لازم را برای مقابله با این‌گونه بحران‌ها نداشتند. افزون بر این، ارتش ایران برای جنگ‌های کلاسیک تربیت شده بود و به همین دلیل، تدبیر و آمادگی لازم را برای مقابله با چنین وضعیتی نداشت.

در این میان، نیروهای جوان کشور که با اتکا به شعور و شور انقلابی جذب نهادهایی همچون سپاه، کمیته و جهاد سازندگی شده بودند، نقش مهمی در مهار این بحران داشتند. آن‌ها معتقد بودند، چنانچه این بحران‌ها مهار نشوند، یکی پس از دیگری نظام تازه‌تأسیس ملت ایران را تضعیف می‌کنند و در نهایت آن را متزلزل خواهند کرد.

امام خمینی در مقام رهبری فراگیر، در چارچوب مکتب مرفعی اسلام و منافع ملی، راه‌های گفت و گو با گروه‌های مخالف و ابراز نظر آنان را نمی‌بست، اما اقدام نظامی مخالفان و محاصره‌ی پاوه موجب صدور فرمان تاریخی امام در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ شد که اولین واکنش جدی جمهوری اسلامی علیه مخالفان شورش‌گر بود.

امام خمینی سه روز پس از محاصره‌ی پاوه، از جایگاه فرماندهی کل قوا، ارتش و سپاه پاسداران و دولت را به مقابله با نیروهای ضد انقلاب موظف کرد. در پی این فرمان، پاسداران سپاه و کمیته، نیروهای مردمی و یگان‌های ارتشی با هم‌کاری دکتر چمران - که آن موقع در شهر پاوه محاصره شده بود - ضمن شکستن محاصره‌ی پاوه، امنیت را در شهر برقرار کردند و سپس به تدریج آرامش را به شهرهای کردنشین بازگرداندند.

در پی بازگشت امنیت به شهرهای کردنشین، باب گفت و گو با مخالفان گشوده شد. اما به دلیل فرصت‌طلبی آن‌ها نتیجه‌ی جز تسلط مجدد گروه‌های تجزیه‌طلب بر استان کردستان حاصل نشد. به دلیل خواسته‌های نامحدود و غیرمنطقی گروه‌های ضد انقلاب، شیوه‌ی مذاکره دیگر مؤثر نبود و راه گفت و گو دولت مردان با سران گروه‌های شورش‌گر برای همیشه بسته شد.

فصلا

وضعیٲ عمومی



نقاط سیاحتی کردستان





تاریخ کردستان



اکراد بخشی از قوم بزرگ آریایی هستند که در هزاره های گذشته در مناطق کوهستانی شمال غرب ایران که امروز کردستان نامیده می شود، ساکن شده و در گذر زمان با فراز و نشیب های بسیاری رو به رو بوده اند.

کردستان از دو واژه ی "کرد" و "پسوند" ستان به معنی "محل" تشکیل شده است. کلمه ی کردستان، برای نخستین بار در دوره ی سلجوقیان متداول و به طور رسمی در دفاتر دیوانی ثبت شده است.

مناطق کردنشین ایران، همواره در حاکمیت دولت های ایرانی بوده و اکراد بیش تر با هم کاری دولت مرکزی از سرحدات کشور در برابر تجاوز بیگانگان دفاع کرده اند. در اواخر جنگ جهانی اول، قرارداد سایکس - پیکو، مناطق کردنشین را بین فرانسه و انگلستان تقسیم کرد. از همین زمان، نفوذ کشورهای اروپایی در این منطقه برای تضعیف دولت های منطقه آغاز شد و جنبش های متعددی در مناطق کردنشین برای تشکیل

دولت خودمختار کردستان به وجود آمدند. با انعقاد پیمان "لوزان" در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م) مناطق کردنشین بین کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شد و از این پس، علاوه بر تحریکاتی که دولت های اروپایی در مناطق کردنشین ایجاد می کردند، کشورهای منطقه نیز برای تضعیف رقیب، جنبش های تجزیه طلبانه در کشور هم جوار را سازمان دهی و حمایت می کردند. استان کردستان آثار باستانی متعددی دارد

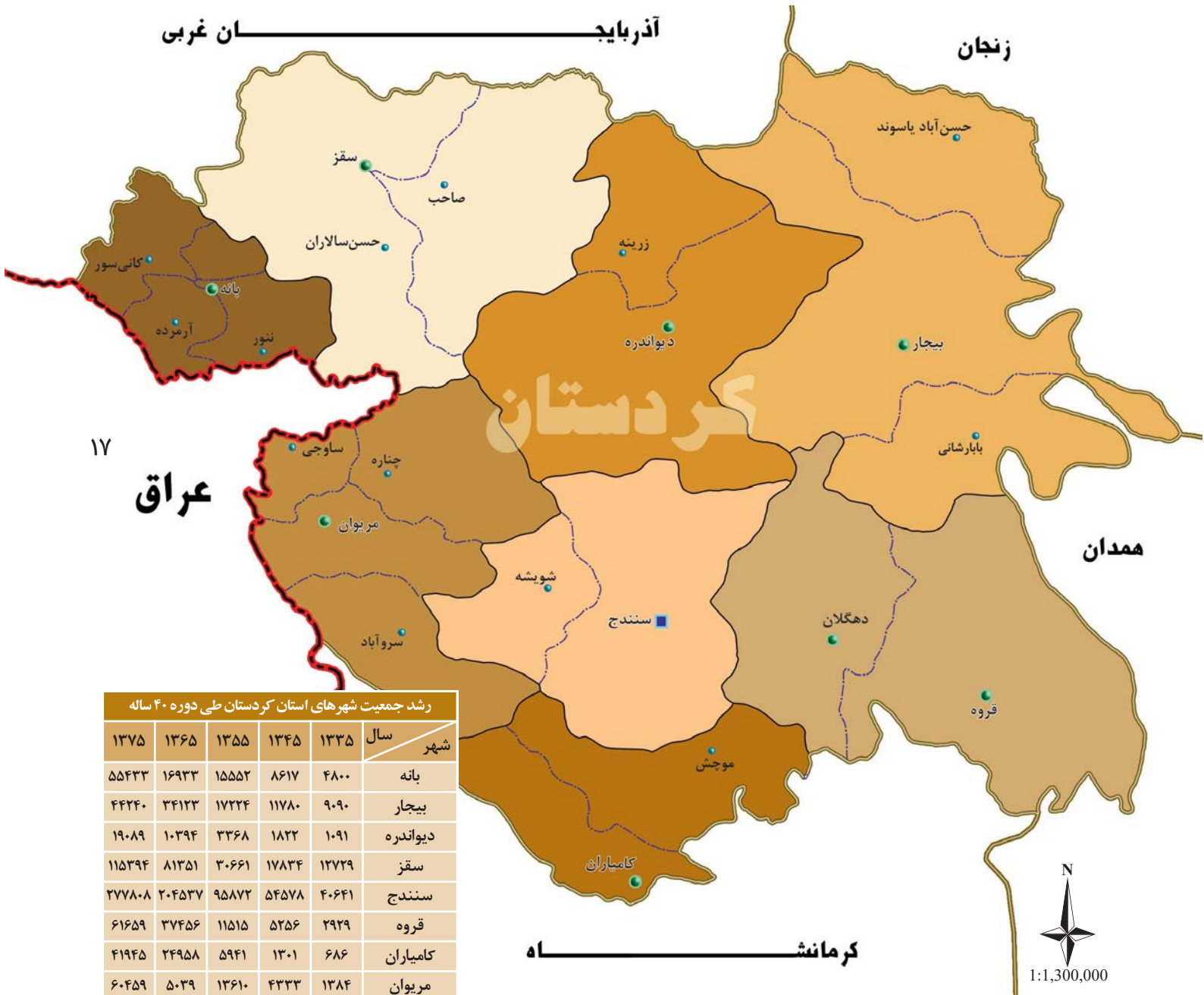
که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

- قلعه ی پالنگان در ۱۵ کیلومتری غرب کامیاران، مربوط به دوران پیش از اسلام
- چنگیز قلعه در ۲۰ کیلومتری غرب بیجار، از آثار دوره ی ساسانیان
- قلعه ی حسن آباد در ۵ کیلومتری جنوب سنندج، از آثار باستانی قرن دهم هجری
- قلعه ی سنندج (دژ سنه) در شهر سنندج، مربوط به دوره ی صفویه (در حال حاضر اثری از آن باقی نیست).
- قلعه ی قم چقایی در ۴۵ کیلومتری بیجار، از آثار باستانی دوره ی ساسانیان
- قلعه ی مریوان در ۳ کیلومتری جنوب شرقی مریوان، مربوط به قرن دهم هجری
- تپه ی باستانی زیویه در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی سقز، از آثار باستانی دوره ی مادها
- غار باستانی کرفتو در ۷۲ کیلومتری شمال شرقی دیواندره که در دوره ی اشکانیان محل سکونت مردم بوده و در چهار طبقه در دل کوه ایجاد شده است.

تقسیمات کشوری کردستان

ان غربی ————— آذربایج

زنجان



رشد جمعیت شهرهای استان کردستان طی دوره ۴۰ ساله

شهر	سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
بانه	۴۸۰۰	۸۶۱۷	۱۵۵۵۲	۱۶۹۳۳	۵۵۴۳۳	
بیجار	۹۰۹۰	۱۱۷۸۰	۱۷۲۲۴	۳۴۱۲۳	۴۴۲۴۰	
دیواندره	۱۰۹۱	۱۸۲۲	۳۳۶۸	۱۰۳۹۴	۱۹۰۸۹	
سقز	۱۲۷۲۹	۱۷۸۳۴	۳۰۶۶۱	۸۱۳۵۱	۱۱۵۳۹۴	
سنندج	۴۰۶۴۱	۵۴۵۷۸	۹۵۸۱۲	۲۰۴۵۲۷	۲۷۷۸۰۸	
قروه	۲۹۲۹	۵۲۵۶	۱۱۵۱۵	۳۷۴۵۶	۶۱۶۵۹	
کامیاران	۶۸۶	۱۳۰۱	۵۹۴۱	۲۴۹۵۸	۴۱۹۴۵	
مریوان	۱۳۸۴	۴۳۳۳	۱۳۶۱۰	۵۰۳۹	۶۰۴۵۹	

کرمانشاه





بر اساس نتایج آخرین سرشماری عمومی در سال ۱۳۷۵، جمعیت استان کردستان ۱,۳۴۶,۳۸۳ نفر بود که طبق برآورد انجام شده، جمعیت این استان در سال ۱۳۸۵، به ۱,۴۴۰,۱۵۶ نفر رسید. از این تعداد ۵۹۷/۴۳ درصد ساکن شهرها و ۴۰/۵۷ درصد ساکن روستاها هستند. ۹۹/۴ درصد مردم کردستان مسلمان اند که بیش تر آن‌ها پیرو مذهب شافعی و دیگران شیعه‌ی دوازده امامی هستند. اندکی از مردم نیز پیرو مذاهب حنفی، مالکی و حنبلی هستند.

استان کردستان یکی از قطب‌های دام‌داری، کشاورزی و زنبورداری در کشور محسوب می‌شود و مهم‌ترین تولیدات کشاورزی آن گندم، جو و حبوبات است. در این استان، صنایع ماشینی شامل گروه‌های صنایع کانی غیر فلزی، شیمیایی، سلولزی، نساجی، چرم، مواد غذایی و همچنین صنایع دستی متنوع نظیر فرش، گلیم، نازک‌کاری چوب، گیوه‌دوزی، سوزن‌دوزی، قلاب‌دوزی و ... رونق دارد.

بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ نزدیک به ۲۵/۸ درصد از افراد شاغل این استان در بخش صنعت، ۲۹/۳ درصد در بخش کشاورزی و ۴۳/۹ درصد در بخش خدمات فعالیت می‌کنند.

تقسیمات استان کردستان

دهستان	بخش	شهر	شهرستان	سال
۴۹	۱۶	۱۰	۶	۱۳۶۵
۷۶	۱۹	۱۰	۶	۱۳۷۰
۷۸	۲۱	۱۲	۸	۱۳۷۵

کردستان ایران در اولین تقسیمات کشوری، بخشی از استان پنجم به مرکزیت کرمانشاهان بوده است. در سال ۱۳۳۷ با تجزیه‌ی استان پنجم در غرب ایران، استان کردستان فعلی به وجود آمد.

این استان با ۲۹,۱۳۷ کیلومتر مربع وسعت، در غرب ایران واقع شده است و از شمال به استان آذربایجان غربی، از شرق به استان‌های زنجان و همدان و از جنوب به استان کرمانشاه محدود می‌شود. همچنین، از غرب با کشور عراق هم‌مرز است. استان کردستان یکی از مناطق کوهستانی و سردسیر ایران است و دو نوع آب و هوای متفاوت دارد: دشت‌های مرتفع با آب و هوای معتدل بری و زمستان‌های بسیار سرد، دره‌ها با آب و هوایی معتدل.

وجود بخشی از سلسله ارتفاعات زاگرس در این منطقه، سبب شده است تا این استان پستی و بلندی‌های بی‌شمار و دره‌ها و دشت‌های متعددی داشته باشد. از ارتفاعات کردستان رودخانه‌های بزرگی جاری است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: قزل‌اوزون، زرینه‌رود، تلوار، سیروان و چومان.

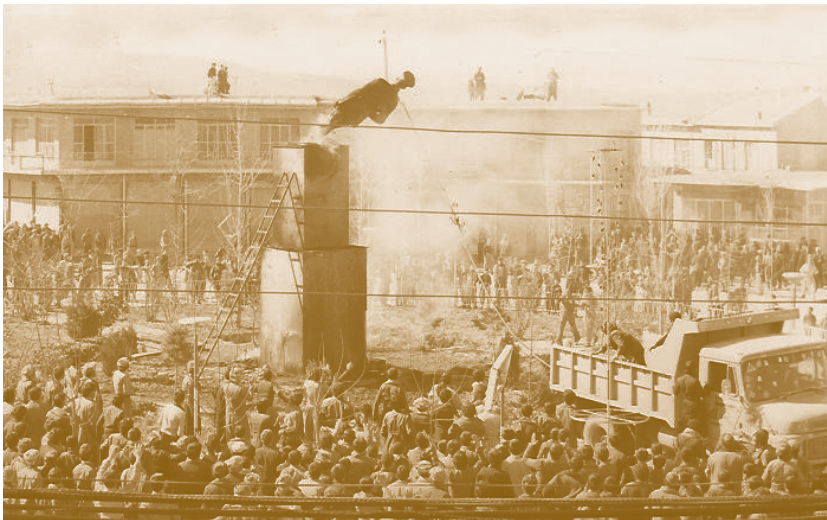


مشارکت مردم کردستان در پیروزی انقلاب اسلامی ایران - سال ۱۳۵۷ شمسی





به زیر کشیدن مجسمه رضا پهلوی در پناه - سال ۱۳۵۷



تندیس پادشاه پهلوی انقلاب اسلامی - میدان آزادی سنندج



سیاسی جدید با ملاک‌های دینی و اخلاقی، شکل جدیدی از اقتدار ملی و روش تازه‌یی در مدیریت کشور ایجاد شد که ماهیتی مردمی و اخلاقی داشت و به فروپاشی مناسبات گذشته انجامید. از بین رفتن نظم و انضباط سیستم مدیریتی گذشته که مبتنی بر زور و وحشت بود، در نظام مدیریتی کشور مشکلاتی ایجاد کرد و موجب سوء استفاده‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی فراوانی شد. این امر در نهادهای نظامی و امنیتی بیش تر نمایان بود و به نظر می‌رسید که اقتدار همه‌ی دستگاه‌های دولتی، به ویژه نهادهای امنیتی، نظامی و انتظامی از بین رفته است. به همین دلیل، برخی سازمان‌ها، تا مدت‌ها غیر فعال بودند یا کارایی لازم را نداشتند. استان کردستان نیز از این وضعیت مستثنا نبود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و آزادی زندانیان سیاسی این استان که بیش تر غیر مذهبی بودند و مشی کمونیستی داشتند و نیز پس از بازگشت برخی افراد سابقه‌دار تشکیلاتی و حزبی از اروپا به ایران، در همان روزهای اول انقلاب چند حزب و گروه در مناطق کردنشین فعال شدند و با طرح شعار خودمختاری برای کردستان ایران، ضمن آن که دولت جدید ایران را در همان ابتدای تشکیل دچار بحران تجزیه طلبی کردند، در مناطق کردنشین جنگی را به راه انداختند که تا سال‌ها امنیت و آسایش مردم منطقه را سلب کرد.

در جریان قیام همگانی مردم ایران علیه حکومت پهلوی، حرکت مردم استان کردستان با اعتراض‌های مردم سنندج در ۱۵ مرداد ۱۳۵۷، در حمایت از اعتصاب غذای ۲۴ روزه‌ی زندانیان سیاسی این شهر آغاز شد که این اقدام جلوه‌ی چندانی نداشت، ولی به دنبال اوج‌گیری قیام مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷، مردم کردستان نیز با شور و حال بیش تری در عرصه‌ی انقلاب حضور یافتند و با برگزاری راه‌پیمایی، تظاهرات و تحصن در نقاط گوناگون استان، در فروپاشی پایه‌های حکومت پهلوی سهیم شدند.

در پی قیام عمومی مردم ایران برای براندازی نظام شاهنشاهی و تأسیس نظام

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قاسملو و تعدادی از افراد کادر این حزب به ایران آمدند و در فضای باز سیاسی ایجاد شده، حزب را دوباره سازمان دهی کردند و تشکیلات آن را در کردستان ایران گسترش دادند. آن‌ها با بهره‌گیری از خلأ قدرت در کشور، به مراکز نظامی حمله و با غارت سلاح و تجهیزات پادگان‌ها و مراکز ژاندارمری، نیروهای حزب را مجهز کردند. حزب دمکرات با شعار "دمکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان" جنگی را آغاز کرد که به تضعیف نیروهای نظامی در سال‌های اولیه انقلاب انجامید و حمله‌ی سراسری ارتش عراق به سرزمین ایران اسلامی در شهریور ۱۳۵۹ را آسان کرد.

حزب دمکرات برخلاف شعارهای استقلال طلبانه‌اش، در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روابط سیاسی نزدیک خود را با صدام نشان داد و با دامن زدن به بحران و جنگ در مناطق کردنشین و درگیر کردن حدود صد هزار رزمنده‌ی ایرانی، خدمت بزرگی به حزب بعث عراق کرد. این در حالی بود که ارتش عراق بارها در طول جنگ، مناطق کردنشین را هدف گلوله و بمب باران قرار داد و در حادثه‌ی فجیع، سردشت را بمب باران شیمیایی کرد.

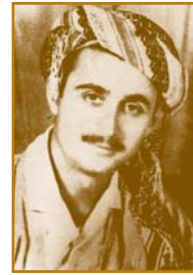
با پایان جنگ تحمیلی، سران حزب دمکرات همچنان می‌کوشیدند به جنگ با رزمندگان اسلام در کردستان ادامه دهند، اما زمانی که با توان نظامی متمرکز نیروهای سپاه مواجه شدند، به شمال عراق گریختند و سپس به مرور زمان، کادرهای اصلی را به اروپا منتقل کردند و اعضا و عناصر سطح پایین را نیز در شمال عراق اسکان دادند.

کنگره‌های حزب دمکرات کردستان ایران

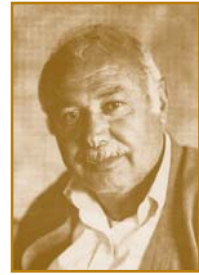
کنگره	سال	محل برگزاری	دبیرکل
اول	۱۳۳۴	-	-
دوم	۱۳۴۳	عراق، کوی سنجق	احمدتوفیق (عبد... اسحاقی)
سوم	۱۳۵۲	عراق، قلعه دیزه	عبدالرحمن قاسملو
چهارم	۱۳۵۸	ایران، اشنویه، نالوس	عبدالرحمن قاسملو
پنجم	۱۳۶۰	ایران، سردشت	عبدالرحمن قاسملو
ششم	۱۳۶۲	عراق، گلاله	عبدالرحمن قاسملو
هفتم	۱۳۶۴	عراق، گورده	عبدالرحمن قاسملو
هشتم	۱۳۶۶	عراق، قلعه دیزه	عبدالرحمن قاسملو
نهم	۱۳۷۰	عراق، زارگلی	صادق شرفکنندی



هسته‌ی اولیه‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در ۲۵ مرداد ۱۳۲۱، با حضور ۲۸ نفر مهابادی و ۲ نفر کرد عراقی، تحت عنوان 'کومه‌له ژبانی کوردستانی' (جمعیت رستاخیز کردستان) شکل گرفت. این حزب پس از بازگشت قاضی محمد از شوروی در سال ۱۳۲۴، به حزب دمکرات تغییر نام یافت و به دنبال آن، جمهوری خودمختار مهاباد تشکیل شد. با سقوط جمهوری مهاباد در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، دولت مرکزی ایران، انحلال حزب دمکرات را اعلام کرد. در دوران حکومت پهلوی و در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷، دو تن از افراد کادر این حزب به نام‌های اسماعیل شریف‌زاده و سلیمان معینی با تشکیل تیم‌های عملیاتی، چند عملیات نظامی در مناطق کردنشین اجرا کردند. عوامل امنیتی و نظامی حکومت پهلوی این اقدامات را به سرعت سرکوب کردند و ملامصطفی بارزانی این افراد را که به عراق فرار کرده بودند، دست‌گیر کرد و به دولت ایران تحویل داد. بدین ترتیب، فعالیت حزب دمکرات متوقف و پس از یک رکود چند ساله در سال ۱۳۵۲، با برگزاری کنگره‌ی سوم حزب در قلعه دیزه‌ی عراق، فعالیت آن بار دیگر آغاز شد. در این کنگره، اولین اساس‌نامه و مرام‌نامه‌ی حزب را اعضا تصویب کردند و قاسملو که در وزارت برنامه و بودجه‌ی عراق خدمت می‌کرد، به دبیر کلی حزب انتخاب شد. در این دوران روابط عراق و حزب دمکرات بسیار نزدیک بود، طوری که این حزب ماه‌نامه‌ی کردستان را به عنوان ارگان حزب در عراق منتشر کرد، اما مسئولان آن در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷، نتوانستند حرکت مؤثری در کردستان ایران انجام دهند.



سلیمان معینی



صادق شرفندی



عبدالرحمان قاسملو (نفر وسط) در کنار دوستانش



شیخ عزالدین حسینی در میان محافظان

خط مشی گروه، اختلافاتی ایجاد شد و گروه کومه‌له که در این دوره با حزب دمکرات نیز درگیر شده بود، بیش از پیش تضعیف شد. پس از برقراری آتش‌بس در جنگ ایران و عراق، نیروهای کومه‌له مدت زیادی در ایران نماندند و به شمال عراق و برخی کشورهای اروپایی گریختند تا در آن‌جا به بحث‌های ماتریالیستی برای تعیین سرنوشت خلق کرد ادامه دهند.

عزالدین حسینی هم که در ابتدای تأسیس گروه کومه‌له از مهم‌ترین حامیان این گروه محسوب می‌شد، در ۲۱ بهمن ۱۳۸۹ در ۸۹ سالگی در کشور سوئد فوت کرد.

افراد این گروه برای به دست آوردن پایگاه در بین مردم مسلمان کردستان، تا مدت‌ها عقاید خود را پنهان و با جلب حمایت شیخ عزالدین حسینی (امام جمعه‌ی مهاباد)، تعدادی از جوانان منطقه را جذب و سازمان‌دهی کردند.

در دومین کنگره‌ی کومه‌له در سال ۱۳۶۰، عبدالله مهتدی به دبیر کلی انتخاب و بر تداوم مبارزه‌ی مسلحانه تا براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید شد. در شهریور ۱۳۶۲، گروه کومه‌له با تشکیلات «اتحاد مبارزان کمونیست» ادغام شد و سازمان جدیدی به نام «حزب کمونیست ایران» به وجود آمد. از این پس، گروه کومه‌له به منزله‌ی شاخه‌ی این حزب در کردستان، به فعالیت‌های خود ادامه داد.

حزب کمونیست ایران و گروه کومه‌له در طول سال‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در مناطق کردستان به فعالیت‌های خود ادامه دادند و علاوه بر حمله به مراکز جمعیتی، به مین‌گذاری و اجرای کمین در جاده‌ها پرداختند و کوشیدند با درگیر کردن رزمندگان اسلام در کردستان، آنان را از شرکت در جنگ با ارتش متجاوز عراق بازدارند.

در اواخر سال ۱۳۶۴، بین اعضای حزب کمونیست ایران و افراد گروه کومه‌له درباره‌ی



تشکیلات کومه له در سال ۱۳۴۸، در محفل کوچکی از دانشجویان کرد که در دانشگاه های تهران و تبریز در حال تحصیل بودند، شکل گرفت. در آن محفل دلایل شکست جنبش های کردی بررسی شدند. همچنین، دلیل شکست های گذشته ی جنبش کردی، اتکای رهبران کرد، از جمله قاضی محمد به خان ها و سران عشایر و اتکا نکردن آنان به مردم شناخته شد. این نگاه انتقادی، دست مایه یی برای تأسیس تشکیلاتی متفاوت با حزب دمکرات کردستان شد؛ اما ساواک حکومت پهلوی تعدادی از افراد گروه کومه له را که جمعیت شان ۲۰ نفر بود، در سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ قبل از این که به هرگونه اقدام نظامی پردازند، دست گیر کرد. برخی از آنان نیز گریختند و مخفی شدند.

افراد دست گیر شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مانند سایر زندانیان سیاسی آزاد شدند و با افرادی که از خارج بازگشته بودند، جلساتی تشکیل دادند که آن را کنگره ی اول نامیدند. در این جلسات، حاضران ایدئولوژی مائوئیسم را برگزیدند و گروه "اتحادیه ی کشاورزان" (یکتی جوتیاران) را به دبیر کلی فواد مصطفی سلطانی تأسیس کردند. پس از چندی، دبیر کل این گروه کشته شد و گروه اتحادیه ی کشاورزان با تغییر عقیده به مارکسیسم لنینیسم، نام "سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان ایران" را برگزید که به اختصار "کومه له" نامیده می شد.



برگزاری کنگره ی پنجم کومه له - اسفند ۱۳۶۴ در کشور عراق

کنگره های سازمان انقلابی زحمت کشان ایران (کومه له)

کنگره	سال	محل برگزاری	دبیرکل
اول	۱۳۵۷	-	فواد مصطفی سلطانی
دوم	۱۳۶۰	ایران، بوکان، خانقاه	عبدا... مهتدی
سوم	۱۳۶۱	ایران، سردشت، برده سور	عبدا... مهتدی
چهارم	۱۳۶۲	-	ابراهیم علیزاده
پنجم	۱۳۶۴	عراق	ابراهیم علیزاده
ششم	۱۳۶۷	عراق	ابراهیم علیزاده
هفتم	۱۳۷۱	عراق	ابراهیم علیزاده

سپاه رزگاری (رستگاری)



با افزایش عملیات‌های برون مرزی نیروهای ایران علیه متجاوزان بعثی، شیخ عثمان به آلمان رفت و افراد سپاه رزگاری به تدریج پراکنده شدند. عده‌ی دیگری از این گروه در عملیات والفجر ۱۰ در اسفند ۱۳۶۶، کشته شدند و برخی نیز به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. در پی این حوادث، گروه رستگاری به طور کامل متلاشی شد.

شیخ عثمان نقشبندی رهبر طریقت نقشبندی، از اتباع کشور عراق بود که در دوران حکومت پهلوی به ایران آمد و با حمایت ساواک در روستای دورود از بخش سروآباد مریوان مستقر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، "سپاه رزگاری" (رستگاری) را تشکیل داد و حدود ۲,۰۰۰ نفر را جذب و سازمان دهی کرد، اما گروه کومه‌له که با فعالیت این گروه در مناطق کردنشین موافق نبود، در بهمن ۱۳۵۸ به مقرهای سپاه رزگاری حمله و عناصر آن را خلع سلاح کرد. بعد از این حادثه، اعضای سپاه رزگاری که به حدود ۲۰۰ تن کاهش یافته بودند، به عراق رفتند. این وضعیت هنگامی رخ داد که شیخ عثمان به دلیل کهولت سن، فرزندش دکتر ماح نقشبندی را مسئول گروه کرده بود. وی با هم کاری استخبارات عراق، تیم‌های عملیاتی سپاه رزگاری را به پشت جبهه‌های ایران در منطقه‌ی مریوان و پاوه اعزام می‌کرد و آن‌ها با جمع‌آوری اطلاعات، گرفتن اسیر و انتقال آن‌ها به عراق و بعضاً اقدامات ایدایی، به جاسوسی و شرارت می‌پرداختند.

شیخ عثمان نقشبندی در حضور فرح پهلوی و علم وزیر دربار شاه





ملاخدر عباسی

شیخ جلال حسینی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روحانی مشهور بانه، شیخ جلال حسینی (برادر امام جمعه‌ی مهاباد) با دریافت حدود ۴۰۰ قبضه اسلحه از دولت موقت، کمیته‌ی انقلاب اسلامی بانه را تأسیس کرد. بعد از ایجاد بحران در مناطق کردنشین، داریوش فروهر که به نمایندگی از دولت موقت در ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ برای مذاکره با متنفذین محلی و سران گروه‌ها به بانه رفت، با شیخ جلال حسینی ملاقات نکرد و وی از این رفتار رنجیده شد. به همین دلیل، شیخ جلال در اوایل شهریور ۱۳۵۸، به نیروهایش دستور داد تا گروهان ژاندارمری بانه را خلع سلاح کنند، اما دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۵۸، هم‌زمان با ورود رزمندگان اسلام به شهر بانه، شیخ جلال با نیروهایش از شهر گریختند و در اطراف بانه مستقر شدند. این اقدامات شورش‌گرانه مقدمه‌ی تأسیس سازمان خبات ملی و اسلامی کردستان ایران شد که در ۵ شهریور ۱۳۵۹ اعلام موجودیت کرد و به اختصار به سازمان خبات مشهور شد.

شیخ جلال که به تبعیت از برادرش (شیخ عزالدین حسینی) با گروه مارکسیستی کومه‌له هم‌کاری می‌کرد، پس از مدتی به



تجهیزات غارت شده از ژاندارمری

عقاید و رفتار این گروه معترض شد و در سال ۱۳۶۱، با جدا کردن نیروهایش از کومه‌له، گروه خبات را با ۱۵۰ عضو تشکیل داد. این گروه در دوران جنگ تحمیلی از حمایت‌های حکومت بعثی عراق برخوردار بود، اما محدوده‌ی فعالیتش از نوار مرزی بانه و شرق سردشت فراتر نرفت و فعالیت‌های عمده‌ی آن، اقداماتی نظیر اجرای کمین، مین‌گذاری، حمله به پایگاه‌ها، جمع‌آوری اطلاعات و اسیر کردن رزمندگان ایرانی برای انتقال به عراق بود.

مهدی زین‌الدین فرمانده لشکر ۱۷ علی‌بن ابیطالب^۱ و برادرش مجید زین‌الدین در ۲۷ آبان ۱۳۶۳ در برخورد با یکی از مهم‌ترین کمین‌های گروه خبات در جاده‌ی بانه به سردشت به شهادت رسیدند. با اجرای عملیات‌های پی‌در پی رزمندگان اسلام علیه این گروه، نیروهای ضد انقلابی خبات به عراق گریختند و پس از مدتی دچار اختلاف شدند. در پی ایجاد اختلاف میان سران این گروه، در ۳ خرداد ۱۳۶۶ ملاخدر عباسی که از اعضای کادر مرکزی سازمان خبات بود، انشعاب و سازمانی را با عنوان سازمان خبات انقلابی کردستان ایران تأسیس کرد.

به دنبال این انشعاب و حملات مستمر نیروهای خودی، گروه خبات بیش از پیش تضعیف شد و عناصر باقی‌مانده‌ی دو جناح، اغلب به جاسوسی از تحرکات رزمندگان اسلام و گزارش آن به استخبارات عراق می‌پرداختند.

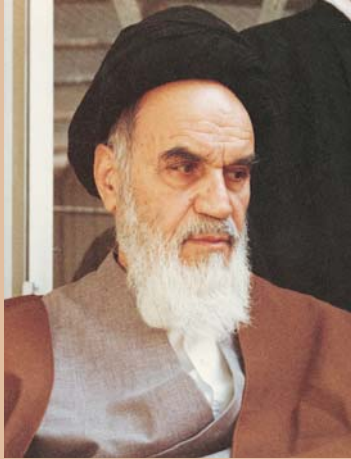
شیخ جلال حسینی در ۳۰ تیر ۱۳۸۹ در ۸۲ سالگی در اربیل عراق فوت کرد.

فصل ۲

بحران در کردستان







بسم الله الرحمن الرحيم

به اهالی محترم مسلمان کردستان، شنیده شده که عده‌یی وضع کردستان عزیز را مغشوش کرده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و برخلاف اسلام عمل می‌کنند. این عده به ارتش که اکنون به سوی ملت مسلمان برگشته و از آن تبعیت می‌کنند، حمله می‌برند و آن‌ها را مورد توهین قرار می‌دهند. این قبیل کارها برخلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است. مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم. همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم. ارتش و ژاندارمری و پلیس نیز باید بدانند که از این به بعد آن‌ها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمان‌اند و اگر کسی به آن‌ها حمله کند، از مردم مسلمان نیست و از اعمال اجانب است و باید نیروهای مسلح با قدرت از منافع و مصالح ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله‌یی را به خود و به نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند.

روح‌الله الموسوی الخمینی، ۲۸ اسفند ۱۳۵۷

صدا و سیما، کمیته‌ی انقلاب اسلامی و سایر مراکز دولتی حمله کنند. این غائله که در پی انتشار خبری دروغ برپا شد، پنج روز طول کشید و در آن ۹۹ نفر از مردم و نیروهای نظامی کشته و حدود ۲۰۰ تن مجروح شدند.

در میان شهیدان این درگیری، شاطر محمد و فرزندش حشمت - که از شیعیان، فعالان انقلابی و مقلد حضرت امام بودند - دیده می‌شدند.

در پی این حادثه، امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با صدور پیامی در ۲۸ اسفند ۱۳۵۷ خطاب به مردم کردستان، با تذکر نکاتی مهم، حمله به نیروهای مسلح را توطئه‌ی اجانب اعلام کرد.

بدین ترتیب، بحرانی که شورش‌گران با محاصره‌ی پادگان لشکر ۲۸ سنندج و نفوذ به داخل آن و کشتار ۲۱ سرباز ایجاد کرده بودند و دامنه‌اش به شهر نیز کشیده شد، کنترل گردید. این آشوب که از ساعت ۲۳ تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ آغاز شده بود تا ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ ادامه یافت.

از سویی هم‌زمان با ایجاد بحران، ستاد فرماندهی ارتش به فرماندهی سرلشکر (شهید) ولی‌الله قرنی با به‌کارگیری نیروی هوایی و هوانیروز به محاصره شدگان کمک کرد و پاسداران کرمانشاه برای جلوگیری از سقوط پادگان، به کمک هوانیروز وارد پادگان محاصره شده شدند و از سوی دیگر، امام خمینی ضمن ارسال پیام برای مردم کردستان، هیئتی نیز برای گفت‌وگو با دو طرف حادثه به کردستان اعزام کرد تا آرامش پس از بحران برقرار شود.

گوناگون کشور از جمله کردستان بودند. آن‌ها با چنین انگیزه‌یی از تمایل مردم به ضرورت حفظ و نگه‌داری منطقه‌ی خویش سوء استفاده می‌کردند و آن‌ها را رو در روی حکومت جدید قرار می‌دادند.

سران گروه‌ها و جریان‌های سیاسی فعال در کردستان، بعد از پیروزی انقلاب، مردم را به تصرف پادگان لشکر ۲۸ و ژاندارمری تحریک کردند تا با در اختیار گرفتن سلاح‌ها و تجهیزات نیروهای نظامی، تسلط بیش‌تری بر منطقه داشته باشند. در پی این اقدام، اوضاع شهر سنندج متشنج شد و در حالی که بیش از چند روز از پیروزی انقلاب نمی‌گذشت، گروه‌های ضد انقلاب در سطح شهر شایع کردند که مسئولان جمهوری اسلامی قصد دارند گندم سیلوی سنندج را به قم و تهران منتقل کنند. آن‌ها از مردم خواستند برای جلوگیری از این اقدام به استان‌داری، پادگان،



سرلشکر ولی‌الله قرنی
اولین رئیس ستاد مشترک ارتش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی



بحران در کردستان



دکتر مصطفی چمران - وزیر مشاور دولت موقت در امور انقلاب

فضای باز سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سبب شد تا تعدادی از فعالان سیاسی، سران احزاب و محفل‌های کردی که در حکومت گذشته یا در زندان بودند یا به خارج از کشور پناه برده بودند، به کشور بازگردند و بدون توجه به عوامل به وجود آورنده‌ی انقلاب و خواست عمومی مردم ایران، در پوشش شعار "خودمختاری برای کردستان" به فعالیت‌های مسلحانه، عضوگیری و گسترش تشکیلات بپردازند. شهید دکتر مصطفی چمران در یادداشت‌های شخصی خود درباره‌ی وضعیت کردستان چنین نوشته است:

بعد از پیروزی انقلاب، ارتش، ژاندارمری و شهربانی در کردستان وجود نداشتند. حتی صریح‌تر بگویم، دولت هم حضور نداشت. هیچ نیروی دولتی نبود که جلو کسی را بگیرد و یا فعالیت حزبی را سد کند. همه آزاد بودند که هر چه بخواهند انجام دهند، بدون آن که کسی مانع فعالیت آن‌ها شود.

در شرایطی که انقلاب پیروز شده بود و مردم و مسئولین در بی سامان دادن به وضعیت عمومی کشور بودند، برخی افراد و جریان‌های سیاسی که درک درستی از اوضاع نداشتند و به برکت انقلاب از زندان آزاد شده و یا از خارج کشور بازگشته بودند، نمی‌توانستند انعطاف لازم را در برابر حوادث پیش آمده نشان دهند.

افزون بر این، این افراد و جریان‌های سیاسی که داعیه‌ی رهبری بر مردم را نیز داشتند، با نادیده گرفتن اصول اسلامی و انقلابی و برای تحقق خواسته‌های خود، به دنبال ایجاد بحران و آشوب در مناطق

آشوب های جدید

هنوز اقدامات هیئت اعزامی به سنندج برای گنجاندن متن توافقات انجام شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پایان نرسیده بود که گروه های شورشی از ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ به مدت چهار روز نقده را به آشوب کشیدند و در ۲۳ تیر ۱۳۵۸، آشوب جدیدی در مریوان ایجاد کردند. شورش گران با حمله به ساختمان سپاه پاسداران مریوان، ۱۷ نفر از پاسداران بومی را شهید و ۸ نفر را مجروح کردند. همچنین، یک پاسدار مجروح را با موزاییک سر بردند و بدنش را این سو و آن سو کشاندند و بدین ترتیب، ساختمان سپاه تازه تأسیس مریوان را تصرف کردند. همچنین گروه های تجزیه طلب پس از این اقدام، در ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ به شهر پاوه حمله کردند و در طول چند روز درگیری،

۴۰ نفر از جمله گروهی از پاسداران بومی و اعزامی را به شهادت رساندند. آن ها ۱۸ نفر از رزمندگان را سر بردند، در حالی که تعدادی از آن ها مجروح و در بیمارستان بستری بودند.

واکنش نظام

امام خمینی که در ماه های اولیه ی پس از پیروزی انقلاب با وجود شناخت ماهیت شورش گران، به دلیل وضعیت خاص انقلاب و نظام با آنان مدارا می کرد، با حمله ی نیروهای ضد انقلاب به پاوه، درنگ را جایز ندانست و ضمن صدور فرمانی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، از مردم و نیروهای مسلح خواست به سرعت به طرف پاوه حرکت کنند و نیروهای محاصره شده را نجات دهند. در مقابل، گروه های تجزیه طلب برای جلوگیری از موفقیت نیروهای مسلح، دامنه ی آشوب را به سنندج و سقز کشاندند و با محاصره ی پادگان های ارتش در این دو شهر، یک واحد از ارتش را در سنندج خلع سلاح کردند و عده یی از زنان مسلمان را در مسجدی در سنندج به گروگان گرفتند. با گسترش آشوب، امام خمینی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، پیام دیگری صادر کرد و به نیروهای مسلح دستور داد با همه ی قدرت و توان، هر چه سریع تر مناطق کردستان را پاک سازی کنند تا امنیت در این بخش از ایران اسلامی برقرار شود.



بسم الله الرحمن الرحيم

الساعة خير رسيد که در سنندج، حزب دمکرات، ارتشی ها و سازمان های آنان را محاصره کرده اند و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد اسلحه ها را می برند. و از مسجد سنندج به ما اطلاع داده اند که حزب دمکرات زن های ما را به گروگان برده اند. اکیداً به کلیه ی قوای انتظامی دستور می دهم که به پادگان های مراکز ابلاغ کنند که به قدر کافی به طرف سنندج حرکت کنند و با شدت اشرار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محلی هستند به مقدار کافی به طرف سنندج و تمام کردستان با پل هوایی بسیج شوند و با شدت تمام اشرار را سرکوب نمایند. تأخیر ولو به قدر یک ساعت، تخلف از وظیفه و به شدت تعقیب می شود. از ملت ایران می خواهیم که مراقب باشند هر یک از مأمورین تخلف کردند فوراً اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد.

روح الله الموسوی الخمينی، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸



هیئت مذاکره کننده به سرپرستی آیت الله طالقانی در سنندج

مدارا با آشوب گران

امام خمینی، چهارشنبه اول فروردین ۱۳۵۸، هیئتی را به سرپرستی آیت الله طالقانی و عضویت آیت الله بهشتی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و آقایان علی اصغر حاج سید جوادی، داریوش فروهر، هاشم صباغیان، عزت الله سبحانی، کریم سنجابی و ابوالحسن بنی صدر برای ملاقات با مردم کردستان به سنندج فرستاد. در این سفر، اعضای هیئت با روحانیون، مردم، سران گروه ها و متنفذین محلی ملاقات کردند، سپس به پادگان رفتند و بر اساس توافقات انجام شده، اطلاعیه‌یی را در هفت ماده برای تحقق خواسته‌های مردم کردستان، به این شرح صادر کردند:

۱. در تدوین و تصویب قانون اساسی ایران شما نیز شریک و سهیم خواهید بود و در این قانون حقوق همه‌ی مردم ایران از جمله مردم شریف کردستان تأمین خواهد شد.
۲. مردم کردستان برای اشاعه‌ی فرهنگ اصیل کردی آزادی کامل دارند و زبان کردی در کنار زبان فارسی در مناطق کردنشین رسمیت خواهد یافت.
۳. در کردستان همچون استان‌های دیگر امور منطقه با اراده و انتخاب مردم اداره خواهد شد و هیچ مقام اداری به آنان تحمیل نخواهد شد.

۴. به مردم کردستان همه گونه امکان داده می‌شود تا منابع اقتصادی منطقه را در راه رفاه خود بدون هیچ گونه استثمار به کار گیرند.
۵. برای مردم کردستان همچون مردم سراسر کشور، حق دخالت در سیاست عمومی و تصمیم‌گیری در سرنوشت مملکت، بدون هیچ گونه تبعیض رعایت می‌گردد.
۶. دولت اسلامی مرکزی حمایت بی‌دریغ اقتصادی و اجتماعی از مردم محروم و مستضعف کردستان را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد و برای جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته‌ی آنان کوشش به عمل خواهد آورد.
۷. به آزادی مردم کردستان در استفاده از لباس و انجام [دادن] سنت‌های خاص کردی کم‌ترین خدشه و خللی وارد نخواهد آمد.

عملیات آزدسازی شهرها - دور اول



آزادسازی شهرها - دور اول



گروهی از پاسداران - دور اول آزادسازی شهرها

درآوردند، سپس در ۱۵ شهریور ۱۳۵۸ از بانه عازم سردشت شدند و شهر مرزی سردشت را نیز آزاد کردند.

در محور دوم، واحدهایی از سپاه پاسداران، ارتش و ژاندارمری با نیروهای مردمی اعزامی از کرمانشاه، به طرف کامیاران حرکت و پس از پاک سازی شهر در ۱ شهریور ۱۳۵۸، حدود ۳ هزار اسلحه از مردم جمع آوری کردند، سپس سنندج را در ۲ شهریور ۱۳۵۸ در کنترل خود درآوردند. این نیروها در اقدام بعدی با کمک نیروهای اعزامی از سپاه پاسداران زنجان و تکاب در ۳ شهریور ۱۳۵۸ دیواندره و سقز را پاک سازی کردند، سپس از سقز به شهرهای شمال کردستان رفتند و در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ بوکان را آزاد کردند.

نیروهای انقلابی در این بسیج همگانی موفق شدند در مدت پانزده روز همه ی شهرهای استان کردستان را در کنترل خود درآوردند و امنیت و آرامش نسبی را به استان بازگردانند. در این اقدام، بخشی از نیروهای ضد انقلاب کشته شدند و جمعی دیگر به عراق گریختند.

اندکی پس از برقراری آرامش نسبی در استان، به دستور فرماندهی ارتش، نیروهای ارتشی به یادگان ها بازگشتند و ادامه ی مأموریت پاک سازی روستاها و مناطق مرزی به ژاندارمری محول شد. این در حالی بود که ژاندارمری به طور مستقل توانایی اجرای این مأموریت را نداشت. به همین دلیل، بعد از مدتی، اعضای گروه ها و احزاب تجزیه طلب با استفاده از فرصت، بار دیگر مخفیانه به شهرها بازگشتند تا مرحله ی جدیدی از ناامنی را آغاز کنند.

پیام هایی که امام خمینی صادر کردند، شور و حرکت ویژه یی در مردم، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سایر نهادهای انقلابی و افراد متعهد و انقلابی ارتش و ژاندارمری ایجاد کرد و بسیاری از آن ها به طرف استان کردستان حرکت کردند تا ضمن سرکوب نیروهای ضد انقلاب، آرامش را به منطقه و مردم بازگردانند. واحدهای سپاه پاسداران، نیروهای نظامی، انتظامی و مردمی، عملیات پاک سازی منطقه را در دو محور اصلی آغاز کردند:

در محور اول، واحدهایی از سپاه پاسداران و یگان های ارتش و ژاندارمری با فرماندهی (شهید) دکتر مصطفی چمران، پاوه را در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ از کنترل گروه های ضد انقلاب خارج کردند و در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، برای پاک سازی نوسود، به طرف این شهر مرزی حرکت کردند. آن ها در ۳۱ مرداد ۱۳۵۸، با عبور از گردنه ی شمشعی عازم مریوان شدند و پس از پاک سازی این شهر در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸، از طریق جاده ی مریوان - بسطام، به بانه رفتند و آن شهر را نیز در کنترل خود

پاک سازی اول شهرها

ردیف	محور	سازمان عمل کننده	شهر	تاریخ عملیات
۱	کرمانشاه - پاوه	ارتش و سپاه	پاوه	۱۳۵۸/۵/۲۸
۲	پاوه - نوسود	ارتش و سپاه	نوسود	۱۳۵۸/۵/۲۹
۳	پاوه - مریوان	ارتش و سپاه	مریوان	۱۳۵۸/۵/۳۱
۴	کرمانشاه - کامیاران	ارتش و سپاه	کامیاران	۱۳۵۸/۶/۱
۵	کامیاران - سنندج	ارتش و سپاه	سنندج	۱۳۵۸/۶/۲
۶	زنجان - دیواندره	ارتش و سپاه	دیواندره	۱۳۵۸/۶/۳
۷	دیواندره - سقز	ارتش و سپاه	سقز	۱۳۵۸/۶/۳
۸	سقز - بوکان	ارتش و سپاه	بوکان	۱۳۵۸/۶/۱۰
۹	مریوان - بانه	ارتش و سپاه	بانه	۱۳۵۸/۶/۱۲
۱۰	بانه - سردشت	ارتش و سپاه	سردشت	۱۳۵۸/۶/۱۵



منتشر کرد و سپس برای فشار به دولت، خواستار خروج پاسداران مستقر در سنندج در مدت ۴۸ ساعت شد.

در پی این اقدام، آقای فروهر در ۱۱ دی ۱۳۵۸، در مصاحبه‌ی اعلام کرد طرح هیئت نمایندگی خلق کرد پذیرفته نیست و از اصرار هیئت نمایندگی خلق کرد برای به کار بردن کلمه‌ی خودمختاری به جای خودگردانی ابراز تعجب کرد. بعد از این مصاحبه، حزب دمکرات کردستان با انتشار اطلاعیه‌ی بی در ۱۴ دی ۱۳۵۸، اعلام کرد مذاکرات در نتیجه‌ی بی توجهی هیئت حسن نیت به راه حل‌های سیاسی و جدی نبودن در مذاکرات، به بن‌بست رسیده است و احتمال آغاز جنگ در کردستان وجود دارد، جنگی که می‌تواند عواقب وخیمی برای انقلاب در سراسر کشور داشته باشد.

نتیجه‌ی گفت‌وگوها را گزارش دادند. بعد از آن امام پیامی در ۲۶ آبان ۱۳۵۸، برای مردم منطقه صادر و در آن بر حق اداره‌ی امور داخلی کردستان برای برادران کرد و سایر اقوام تأکید کرد. همچنین، از مسئولان خواست در اسرع وقت قوانین و مقررات مربوط به آن را تدوین کنند. حمایت امام از موارد پیشنهادی هیئت حسن نیت موجب خرسندی فراوان مردم کردستان شد و به همین منظور، جشن بزرگی برپا گردید، اما شادی مردم به دلیل زیاده‌خواهی و پیمان شکنی سران شورش گروام نداشت.

اخلال در روند مذاکرات

جشن یک هفته‌ی مردم کردستان هنوز پایان نیافته بود که گروه‌های ضد انقلاب از حسن نظر امام و هیئت اعزامی سوء استفاده کردند و به توافقات قبلی خود با این هیئت وفادار نماندند و خواستار امتیازات جدیدی شدند. سران گروه‌های ضد انقلاب جمعی را با عنوان هیئت نمایندگی خلق کرد برگزیدند و خواسته‌های جدید خود را در هشت ماده اعلام کردند. هیئت حسن نیت در ۷ آذر ۱۳۵۸، ضمن رد محتوای طرح هشت ماده‌ی بی، به ترکیب اعضای هیئت نمایندگی خلق کرد اعتراض کرد و سپس در ۲۹ آذر ۱۳۵۸ طرح خودگردانی استان‌ها را پس از تأیید امام منتشر کرد. در این طرح از مردم، گروه‌ها و احزاب سراسر کشور خواسته شده بود تا نظرهای خود را درباره‌ی آن مطرح کنند.

هیئت نمایندگی خلق کرد با رد مفاد این طرح، طرح دیگری را در ۲۶ ماده در ۸ دی ۱۳۵۸،



هیئت حسن نیت به سرپرستی داریوش فروهر در مذاکره با هیئت کردی به سرپرستی عزالدین حسینی

منطقه در اختیار دولت اسلامی درنیايد از پای نخواهم نشست و اگر خود شخصاً باید حرکتی بکنم، به کردستان خواهم رفت و غائله را خواهم خوابانید.

در پی این سخنان، دولت موقت موضوع را مدتی مسکوت گذاشت و سپس در ۲۳ مهر ۱۳۵۸، داریوش فروهر را برای مذاکره با گروه‌های ضد انقلاب و احزاب به کردستان فرستاد. وی پس از مذاکره با سران احزاب و گروه‌ها، نتایج گفت‌وگوهای خود را به امام اعلام کرد. امام نیز با وجود شناخت ماهیت شورش گران، برای مسدود نشدن مسیر تلاش‌ها و فعالیت‌های دولت موقت، با ادامه‌ی مذاکرات موافقت کرد.

دولت موقت به منظور فراهم کردن زمینه‌ی مساعد برای مذاکره، ابتدا دستور داد همه‌ی عملیات‌های نظامی در مناطق کردنشین متوقف شوند، سپس هیئتی را به نام «حسن نیت» برای مذاکره به کردستان فرستاد. اعضای این هیئت عبارت بودند از: دکتر مصطفی چمران (وزیر دفاع)، مهندس هاشم صباغیان (وزیر کشور)، مهندس عزت‌الله سبحانی (وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه) و داریوش فروهر (وزیر مشاور).

اولین سفر هیئت حسن نیت به منطقه در حالی انجام شد که دکتر چمران به دلیل مخالفت با مذاکره‌ی سیاسی، هیئت را همراهی نکرد. همچنین این سفر با استعفای مهندس بازرگان از ریاست دولت موقت هم‌زمان شد که با استعفای وی مأموریت هیئت حسن نیت پایان نیافت، بلکه به دستور امام خمینی مقرر شد ادامه‌ی مأموریت این هیئت زیر نظر شورای انقلاب انجام شود. پس از پایان دور اول مذاکرات، اعضای هیئت حسن نیت با امام خمینی ملاقات کردند و

گروه‌های ضد انقلاب که نمی‌پنداشتند با دو پیام امام خمینی و حضور فراوان نیروهای انقلابی و مردم منطقه، در مدت پانزده روز تار و مار شوند، بعد از بازگشت به شهرها، بار دیگر روش سیاسی را برگزیدند و خواستار مذاکره با دولت موقت شدند.

دولت موقت که همواره می‌کوشید باب گفت‌وگو با شورش گران را باز نگه دارد، قبل از موفقیت کامل رزمندگان در پاک‌سازی مناطق آلوده از وجود عناصر ضد انقلاب، به آیت‌الله طالقانی و مهندس هاشم صباغیان وزیر کشور، مأموریت داده بود تا دیدگاه‌های خود را درباره‌ی درخواست مذاکره‌ی گروه‌های ضد انقلاب و احزاب کردستان در ملاقاتی با امام خمینی مطرح کنند. در این ملاقات که پنجشنبه ۸ شهریور ۱۳۵۸، انجام شد، امام خمینی با وجود تمایل به تداوم گفت‌وگوی نمایندگان دولت با مردم کردستان، از سوء نیت سران گروه‌های شورش گران‌نگران بود. بنابراین، نظرهای خود را چنین اعلام کرد:

به خدا قسم شما را اغفال می‌کنند، آن‌ها دروغ می‌گویند، می‌خواهند از شما مهلت بگیرند تا تهیه و تدارک ببینند و بیش‌تر مجهز شوند. اگر به اشخاص خدانشناس و یاغی مهلت بدهید و با آن‌ها مذاکره کنید و یک طوری کنار بیایید، به خدا قسم شما را اغفال می‌کنند. مقصود آن‌ها این است ما را آرام کنند و آخرین ضربه‌ی خود را به ما بزنند، اما من تا اوضاع کردستان آرام نشود، آرام نخواهم نشست و تا تمام گوشه و کنار این

بر اساس راهبردی که محمد بروجردی فرمانده سپاه غرب کشور اتخاذ کرد، نیروهای خودی متشکل از یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری و پیش‌مرگان مسلمان کرد، در پنج مرحله کردستان را از اشغال گروه‌های ضد انقلاب خارج و ضمن برقراری امنیت در منطقه، از تمامیت ارضی ایران اسلامی نیز دفاع کردند. این مراحل عبارت بودند از:

۱. پاک‌سازی و برقراری امنیت شهرها.
۲. پاک‌سازی و برقراری امنیت محورهای مواصلاتی.
۳. پاک‌سازی و برقراری امنیت مناطق روستایی.
۴. پاک‌سازی و برقراری امنیت مرزهای کردستان.
۵. مشارکت در جنگ علیه متجاوزان بعثی.



فرماندهان سپاه غرب کشور (از راست به چپ): شهید محمدعلی گنجی‌زاده، شهید ناصر کاظمی، جواد استکی، شهید محمد بروجردی

این واقعیت هنگامی آشکارتر شد که با به بن بست رسیدن مذاکرات و تداوم شرارت گروه‌های تجزیه طلب، نیروهای خودی تصمیم گرفتند مرحله‌ی جدیدی از پاک‌سازی را در کردستان آغاز کنند که در این مرحله تنها پاک‌سازی سنندج بیست روز طول کشید، در حالی که نیروهای انقلابی در مرحله‌ی اول پاک‌سازی توانسته بودند در مدت پانزده روز همه‌ی شهرهای کردستان را در کنترل خود درآورند.

در مرحله‌ی جدید درگیری، گروه‌های ضد انقلاب با برخورداری از حمایت‌های خارجی، به ویژه عراق مجهزتر و آماده‌تر از گذشته بودند، هماهنگی آنان افزایش یافته بود و اصول و قواعد جنگ چریکی را نیز آموخته بودند. آن‌ها در درگیری با نیروهای انقلابی، از هر هدف یا منطقه‌ی بی‌به شدت دفاع می‌کردند. به همین دلیل، زمان درگیری‌ها بسیار طولانی‌تر از قبل شده بود و رزمندگان در مرحله‌ی جدید پاک‌سازی، با مشکلات و موانع متعددی برای برقراری امنیت در کردستان مواجه شدند.



پاسداران (گروه چمران) در آزادسازی شهر بانه

راهبردهای کنترل بحران

در جریان مذاکرات و به ویژه پس از این که گفت و گوها به بن بست قطعی رسید، گروه‌های شورشی انواع فشارها را به مردم مسلمان منطقه و نیروهای انقلابی وارد می‌کردند. واداشتن طرف‌داران نظام به مهاجرت از شهرها، حملات متعدد به مراکز دولتی، تهاجم به پادگان‌ها و پایگاه‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری، دست‌گیری و محاکمه‌ی مردم بی‌گناه و گروگان‌گیری مقامات محلی - در دوره‌ی که مذاکرات نمایندگان دولت با سران گروه‌های تجزیه‌طلب و متنفذین محلی ادامه داشت - مؤید صحت پیش‌بینی امام از اوضاع بود. همان گونه که امام خمینی در گذشته متذکر شده بود، سران گروه‌ها خواهان مذاکره و حل مسالمت‌آمیز بحران کردستان نبودند، بلکه آن‌ها به دنبال تحقق اهداف گروهی خود بودند و می‌خواستند با استفاده از فرصت، گروه خود را بیش‌تر تقویت و تجهیز کنند تا در صورت وقوع مرحله‌ی بعدی درگیری مسلحانه، به سرعت متلاشی و مضمحل نشوند.

در همان دوره‌ی که به درخواست سران گروه‌های ضد انقلاب مبنی بر حل مسالمت‌آمیز بحران کردستان، مذاکرات سیاسی ادامه یافت و عملیات نظامی نیروهای خودی در کردستان به دستور هیئت دولت در ۷ آبان ۱۳۵۸، متوقف شد، احزاب و گروه‌های شورشی، به ویژه دو گروه مارکسیستی کومه‌له و چریک‌های فدایی خلق، لحظه‌ی از شرارت و ایجاد غائله در کردستان دست نکشیدند و پی در پی به مراکز جمعیتی، پادگان‌ها و ستون‌های در حال حرکت ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری حمله کردند و با گروگان‌گیری مردم و سایر نیروها، به ناآرامی و آشوب دامن زدند. برخی از اقدامات آن‌ها عبارت بودند از:

- حمله به ستون نیروهای ارتش در ورودی شهر بانه در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ که در نتیجه‌ی آن ۳۳ نفر شهید، ۷۰ نفر مجروح و ۶۰ نفر مفقود شدند.
- حمله به بال‌گرد حامل داریوش فروهر در سردشت در ۱۳ آبان ۱۳۵۸.
- ربودن رئیس گمرک مریوان در ۲۳ آبان ۱۳۵۸.
- حمله به دو خودرو سپاه در سنندج در ۲۵ آذر ۱۳۵۸ که بر اثر آن ۲ پاسدار شهید و ۳ پاسدار دیگر مجروح شدند.
- گروگان‌گیری رئیس شهربانی بانه در ۷ دی ۱۳۵۸.

فصل ۳

آزادسازی شهرها



عملیات آزادسازی شهرها - دور دوم



آزادسازی کامیاران دور دوم



نقشه‌ی کامیاران
(سال ۱۳۷۵ شمسی)



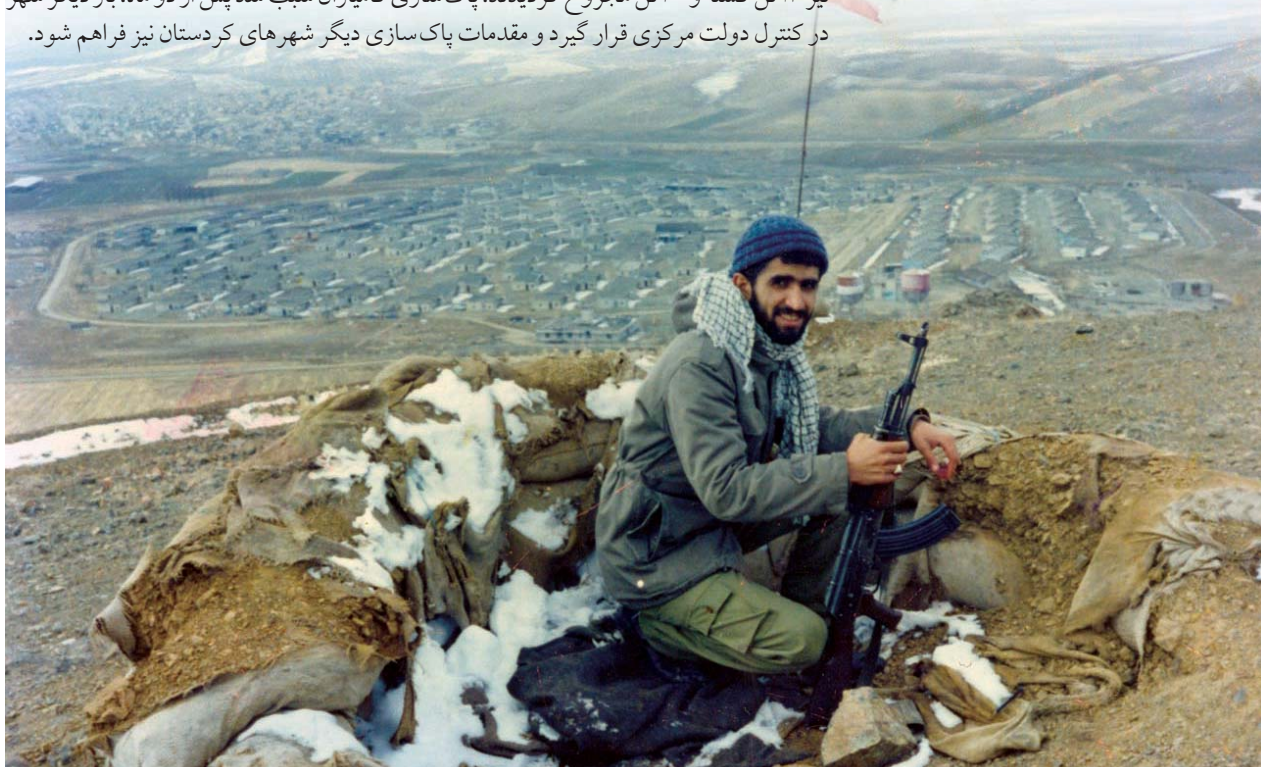
در ۹ بهمن ۱۳۵۷، ۱۴ تن از نیروهای گروه ضربت سپاه و پیش مرگان مسلمان کرد به فرماندهی محمد فدایی با دو خودرو سیمرخ و لندرور به طرف کامیاران حرکت کردند و شبانه از مقر نگهبانی سپاه در قلعه‌ی شاخانی گذشتند و در ساعت ۰۳:۴۵ بامداد به ورودی شهر رسیدند. این افراد، در ورودی شهر با یک خودرو گشت کومه‌له که ۵ سرنشین داشت، درگیر شدند. در این درگیری ۲ تن از نیروهای این گشت کشته شدند و ۳ تن دیگر گریختند. پس از این درگیری، نیروهای خودی به دو دسته تقسیم شدند:

دسته‌ی اول ۶ تن به فرماندهی پیش مرگ مسلمان (شهید) محمد رضایی بودند که از درون رودخانه واقع در شرق کامیاران به طرف تپه‌ی مزار شهدا حرکت کردند و روی تپه مستقر شدند. دسته‌ی دوم ۸ تن به فرماندهی محمد فدایی بودند که پیاده وارد شهر شدند و با عبور از میدان امام خمینی و مسجد امام حسین^(ع) به طرف محله‌ی قدیمی کامیاران رفتند و در آن جا با عناصر دمکرات، کومه‌له و رزگاری درگیر شدند. در این درگیری پاسدار محمد فدایی و پیش مرگ مسلمان سعید آزادی به شهادت رسیدند.

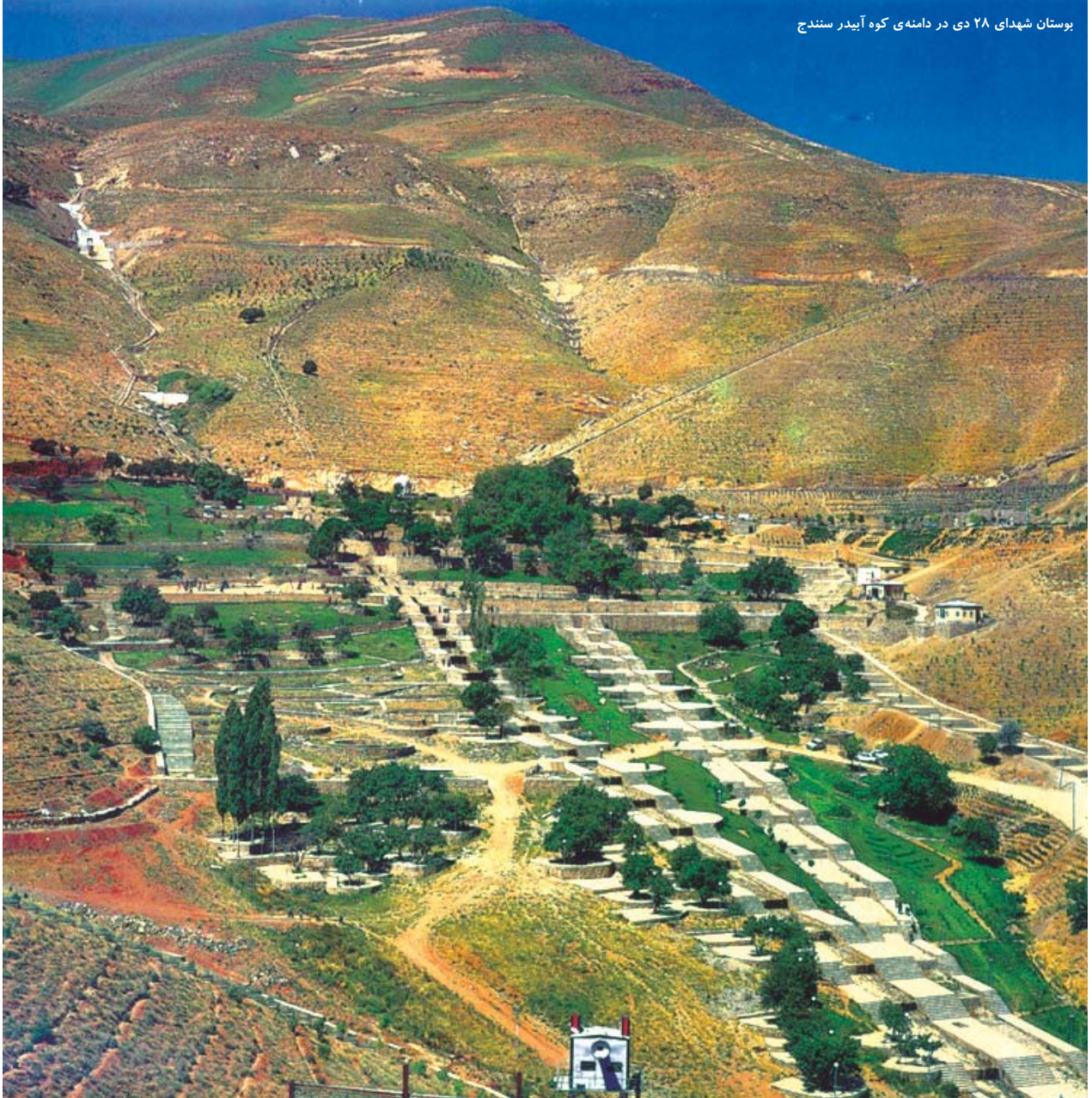
باقی مانده‌ی نیروها به درگیری ادامه دادند تا این که در ساعت ۶ بامداد ۱۱ بهمن ۱۳۸۵، ۱۴ تن از پیش مرگان مسلمان کرد به فرماندهی داریوش چاپاری و ۸ تن از گروه ضربت کرمانشاه که بعداً به آن‌ها ملحق شدند، با پشتیبانی یک بال گرد کبرا به خلبانی (شهید) علی اکبر شیرودی بخش‌های دیگر شهر را پاک‌سازی کردند.

در این عملیات ۱۱ تن از نیروهای خودی شهید و ۷ تن مجروح شدند. از نیروهای ضد انقلاب نیز ۱۳ تن کشته و ۳۰ تن مجروح گردیدند. پاک‌سازی کامیاران سبب شد پس از دو ماه، بار دیگر شهر در کنترل دولت مرکزی قرار گیرد و مقدمات پاک‌سازی دیگر شهرهای کردستان نیز فراهم شود.

شهرستان کامیاران در ۷۰ کیلومتری جنوب سنندج در مسیر کرمانشاه - سنندج قرار دارد. این شهرستان که ۲,۰۸۲ کیلومتر مربع مساحت دارد، در سال ۱۳۵۵، ۵,۹۴۱ نفر جمعیت داشت. در ۴۰ کیلومتری شمال غربی این شهرستان و بر سینه‌ی کوهی در روستای تنگی‌ور، سنگ نوشته‌ی بزرگی از دوره‌ی آشوریان باقی مانده که نقشی از نیم‌رخ و بدن انسانی روی آن حک شده و به کتیبه‌ی اورامان معروف است. کامیاران نخستین شهر استان کردستان بود که در پی یک سال آشوب‌های نیروهای ضد انقلاب در این منطقه، با تلاش پیش مرگان مسلمان کرد و طرح ریزی و پشتیبانی سپاه غرب کشور طی عملیاتی در ۱۰ بهمن ۱۳۵۸، پاک‌سازی شد و نیروهای ضد انقلاب از این شهر به مناطق روستایی و کوهستان‌های اطراف گریختند. مردم کامیاران با اهدای ۳۸۲ شهید در انقلاب و جنگ، در برابر گروه‌های ضد انقلاب داخلی و متجاوزان خارجی ایستادگی کردند. کامیاران ۷ بار هدف حملات حملاتی عراق قرار گرفت، از جمله در ۲۴ آبان ۱۳۶۶ هواپیماهای عراقی شهرک امام و ورمهنگ را بمب باران خوشه‌یی کردند که بر اثر آن ۷ تن شهید و ۲۱ تن مجروح شدند.



بوستان شهدای ۲۸ دی در دامنه‌ی کوه آیدر سنندج





در پی توافق هیئت حسن نیت و عناصر گروه‌های مخالف درباره‌ی خارج شدن نیروهای سپاه پاسداران از سنندج، گروه‌های گوناگون به دلیل غیبت چند ماهه‌ی این نیروها، به رعایت مسائل امنیتی پای بند نماندند و آشوب و بلوای آنان همچنان ادامه یافت. بنابراین، در پی نقض مکرر توافقات انجام شده، به ویژه پس از حمله‌ی گروه‌های شورشی به ستون خودروهایی ارتش که عازم مرز بودند، ضرورت پاک‌سازی سنندج قطعی شد. بر این اساس، پس از هماهنگی‌های لازم، در ساعت ۱۱ پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹، عملیات پاک‌سازی از پادگان لشکر ۲۸ آغاز شد.

موقعیت گروه‌های شورشی

گروه‌های شورشی با آمادگی قبلی مسیرهای ورود به شهر را سنگر بندی کرده بودند و با استفاده از بشکه، آهن‌آلات و تجهیزات غارت شده‌ی اداره‌ها - که در خیابان‌ها پخش بودند - و موضع‌گیری در ساختمان‌های مشرف بر خیابان‌های اصلی، میدان دید و تیر مناسبی داشتند.

طرح مانور

محور اول عملیات از پادگان لشکر ۲۸ آغاز می‌شد و با عبور از استانداری و باشگاه افسران به میدان انقلاب می‌رسید.

محور دوم از فرودگاه آغاز می‌شد، به تپه‌ی دیدگاه و صدا و سیما می‌رسید و از آن‌جا در دو محور فرعی از سمت چپ به تپه‌ی غفور و تپه‌ی حسن آباد پیش می‌رفت و از سمت راست به منبع آب و بیمارستان توحید ختم می‌شد.

محور سوم از گردنه‌ی صلوات آباد واقع در جاده‌ی دهگلان آغاز می‌شد و در ادامه از یک سو، به طرف تپه‌ی عباس آباد و از سوی دیگر، به طرف سیلو و پل قشلاق می‌رسید.

محور چهارم از پادگان لشکر ۲۸ آغاز و به ارتفاعات مشرف به جاده‌ی دیواندره ختم می‌شد. محور پنجم با اجرای عملیات هلی‌برن رزمندگان از پادگان سنندج به روی تپه‌ی آبیدر آغاز می‌شد، سپس عملیات در دو محور فرعی به سمت تپه‌ی حسن آباد و صدا و سیما پیش می‌رفت.

شهر سنندج، مرکز استان کردستان در ۵۱۲ کیلومتری غرب تهران قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱,۴۸۰ متر است. شهرستان سنندج ۲,۹۶۱ کیلومتر مربع مساحت دارد و در سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت آن ۹۵,۸۷۲ نفر بود.

مردم مسلمان شهر سنندج با برپایی تظاهرات در اواخر سال ۱۳۵۷، نقش مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه داشتند. آن‌ها همواره در طول انقلاب با تأکید بر اسلامی بودن انقلاب و رهبری امام خمینی، مردم سایر مناطق کشور را هم‌راهی می‌کردند. با وجود این، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سنندج روزهای پرحادثه‌یی را سپری کرد.

نخستین حادثه در این شهر، ۳۵ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ تا ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ رخ داد.

حادثه‌ی دیگر در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ اتفاق افتاد که نیروهای ضد انقلاب به ستون نیروهای ارتشی که در حال گذر از سنندج به سمت سقز و منطقه‌ی مرزی بانه بودند، حمله کردند.

در اردیبهشت ۱۳۵۹، پس از ۱۴ ماه ناامنی در سنندج، امنیت نسبی برقرار شد، اما افراد ضد انقلاب به گروگان‌گیری، شکنجه، ترور و بمب‌گذاری روی آوردند و افراد شایسته‌یی، از جمله برادران خانواده‌ی شبلی و نمکی را به شهادت رساندند.

نیروهای خودی با تلاش‌های مداوم برای برقراری امنیت داخلی، دامنه‌ی فعالیت‌های تروریستی را بسیار محدود کردند و به مرور شهر امنیت یافت. مدتی پس از برقراری امنیت کامل در سنندج، نیروی هوایی ارتش عراق حمله به این شهر را آغاز کرد؛ از ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ تا پایان جنگ سنندج ۶۰ بار بمب‌باران شد که در نتیجه‌ی آن ۴۲۶ تن از مردم این شهر شهید و حدود ۱۰۰۰ تن مجروح شدند.

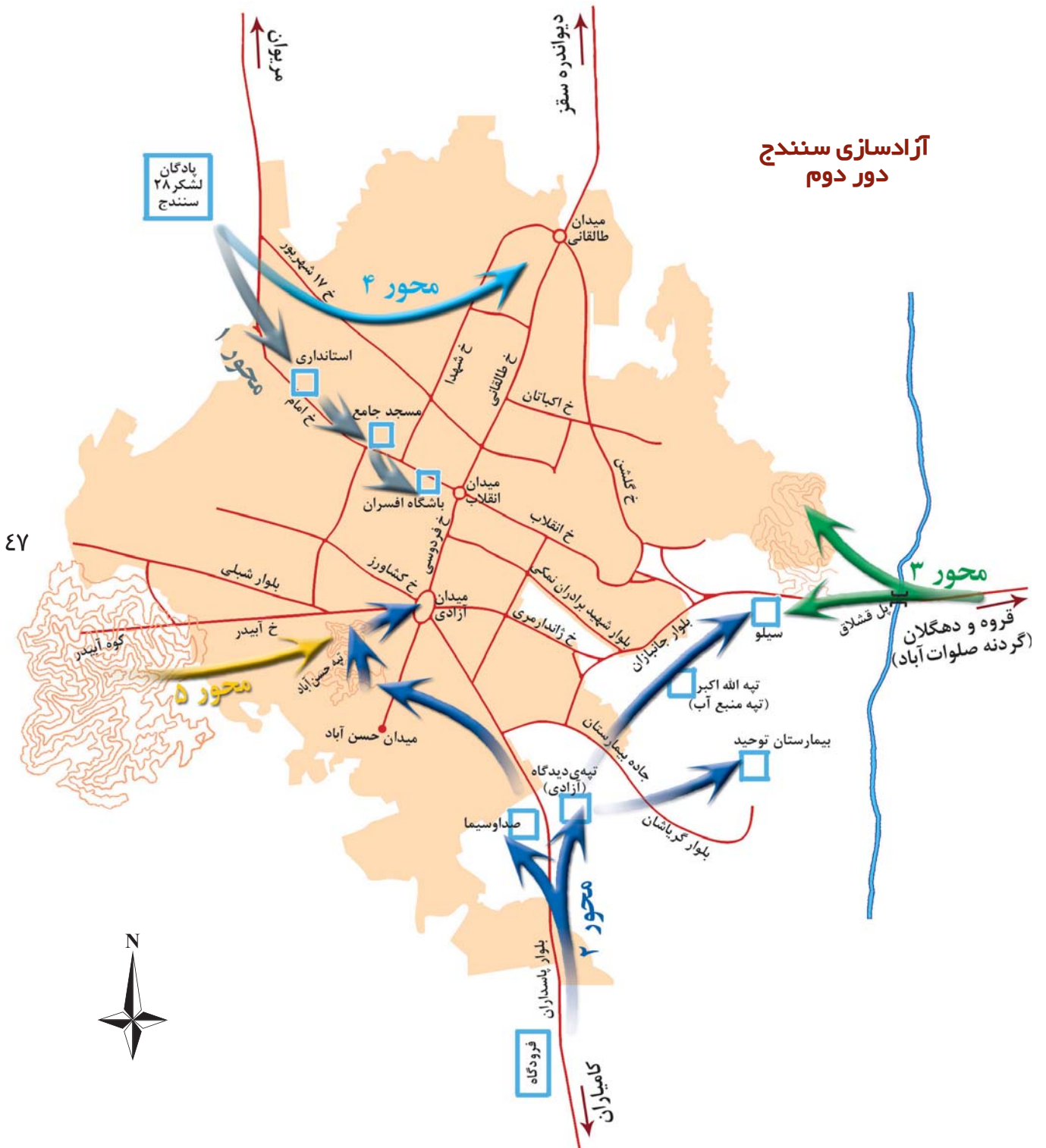
یکی از جان‌خراش‌ترین حوادث سنندج، حمله‌ی هواپیماهای عراقی به پایانه‌ی مسافربری این شهر در ۲ مرداد ۱۳۶۵ بود. در این بمب‌باران ۲۳ تن شهید و ۷۰ تن از جمله یک خانواده‌ی ۱۱ نفری مجروح شدند. همچنین، ۳۵ واحد مسکونی و تجاری تخریب شد و ۶ مینی‌بوس در آتش سوخت.

در ۲۸ دی ۱۳۶۵ نیز ۸ هواپیمای عراقی، هجومی بسیار سهمگین به سنندج کردند که بر اثر آن ۲۲۰ تن شهید و ۱۲۳ تن مجروح شدند.

در پی این حادثه و به پاس یادبود شهدای آن روز، بوستان بزرگی به نام باغ شهدای ۲۸ دی در دامنه‌ی کوه آبیدر ساخته شد.



آر ادسازی سنندج دور دوم



شرح عملیات

محور اول

در محور اول، ۱۰۰ نفر از پاسداران تهران، قم، گیلان، مازندران، ۵۰ نفر از نیروهای داوطلب لشکر ۲۸ و ۵۰ نفر از پیش مرگان مسلمان کرد به فرماندهی محمد بروجردی، در ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ عملیات پاک سازی را آغاز کردند. با این که موانع بسیاری در خیابان امام خمینی ایجاد شده بود، نیروها ساختمان استانداری را به سرعت تصرف و به طرف سه راه مردوخ حرکت کردند. در مسیر پیشروی، یک پیش مرگ کرد، تک تیراندازی را که از مناره‌ی مسجد به طرف رزمندگان تیر می انداخت، هدف قرار داد. بدین ترتیب، تعدادی از رزمندگان با یک خودرو تا باشگاه افسران پیش رفتند، اما شورشیان با تیراندازی مداوم از دو طرف خیابان، مانع رسیدن دیگر نیروها به باشگاه افسران شدند. در این محور یک بال گرد کبرا که پشتیبانی نیروها را به عهده داشت، هدف گلوله‌ی شورشیان قرار گرفت و سرنگون شد.

محور دوم

عملیات در محور دوم بعد از پیشروی از فرودگاه به تپه‌ی دیدگاه، با سه روز تأخیر در ۷ اردیبهشت ۱۳۵۹، به فرماندهی سید رحیم صفوی از تپه‌ی دیدگاه آغاز شد و نیروها از این نقطه به دو گروه تقسیم شدند و در دو جهت غربی و شرقی شهر حرکت کردند. گروه اول مرکب از گردان ۲ پاسداران تهران به سمت تپه‌های حسن آباد، میدان حسن آباد و ساختمان ژاندارمری پیش رفتند که با واکنش شدید شورشیان روبه رو شدند، طوری که پس از سه روز تنها ۳۰۰ متر پیشروی کردند.

گروه دوم شامل یک گردان از پاسداران اصفهان و تعدادی از پیش مرگان مسلمان کرد، از دیدگاه به طرف تپه‌ی الله اکبر (تپه‌ی منبع آب) واقع در قسمت شرقی شهر حرکت کردند که پس از چند روز درگیری شدید و چند بار دست به دست شدن تپه، در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۹ تپه‌ی الله اکبر و بیمارستان توحید را تصرف کردند و بر مناطق جنوب شرقی سنندج مسلط شدند. چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ جلسه‌ی بی برای هماهنگی محورها، با حضور فرماندهان سپاه و ارتش در یادگان لشکر ۲۸ تشکیل و مقرر شد برای محاصره‌ی کامل شهر، عملیات در محورهای سوم، چهارم و پنجم آغاز شود. گروه‌های شورشی نیز به منظور انجام دادن هماهنگی‌های لازم برای مقابله با پیشروی رزمندگان اسلام، ستاد مشترکی را در سنندج تشکیل دادند.

محور سوم

در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ دو گردان از تیپ ۳ زرهی همدان از لشکر ۱۶ قزوین، حدود ۱۰۰ نفر از پاسداران همدان، قروه و دهگلان و حدود ۶۰ نفر از پیش مرگان مسلمان کرد به فرماندهی سرگرد علی صیاد شیرازی پاک سازی جاده‌ی دهگلان - سنندج را آغاز کردند تا پس از نزدیک شدن به شهر، محور سوم عملیات را برای پاک سازی سنندج باز کنند. این نیروها در روز بعد با اجرای عملیات هلی برن، گردنه‌ی صلوات آباد را تصرف کردند و در همان روز (۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۹) به سیلو و پل قشلاق سنندج رسیدند و شهر را که پیش از این از شمال و جنوب محاصره شده بود، از سمت شرق نیز محاصره کردند.

محور چهارم

نیروهای سپاه و پیش مرگان مسلمان کرد در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ عملیات در محور چهارم را آغاز کردند. این نیروها به فرماندهی محمد بروجردی از یادگان لشکر ۲۸ تا ارتفاعات شمالی شهر پیش رفتند و ارتفاعات نزدیک به جاده‌ی سنندج - دیواندره را تأمین کردند.

محور پنجم

عملیات در این محور، یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ با اجرای عملیات هلی برن از یادگان سنندج به سمت دامنه‌ی ارتفاع آیدر آغاز شد. در این عملیات نیروهای هواورد ارتش به فرماندهی سرگرد علی صیاد شیرازی در منطقه‌ی غربی سنندج پیاده شدند و با استقرار یک گردان از پاسداران در این منطقه، حلقه‌ی محاصره‌ی شهر تنگ تر شد.

در حالی که نیروهای پاسدار مستقر در باشگاه افسران، در محاصره‌ی گروه‌های شورشی بودند، سرانجام با مقاومت پاسداران محاصره شده در باشگاه و همت سایر رزمندگان در تنگ کردن حلقه‌ی محاصره‌ی شهر، فعالیت شورش گران متوقف شد و آنان از رخنه‌ی موجود در شمال شرقی شهر، به طرف سقز گریختند.

بدین ترتیب، شهر سنندج از وجود شورشیان تخلیه شد و رزمندگان، سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ وارد شهر شدند و در مدت سه روز آن جا را به طور کامل پاک سازی کردند.

آزادسازی دیواندره - دور دوم



نقشه‌ی دیواندره (سال ۱۳۷۵ شمسی)



دیواندره در ۹۷ کیلومتری شمال شهر سنندج و در مسیر جاده‌ی اصلی سنندج به ارومیه قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸۵۰ متر است. این شهرستان ۴۰۳۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت آن ۳,۳۶۸ نفر بود. دیواندره در آغاز بحران تجزیه‌طلبی در مناطق کردنشین ایران، شهری کوچک و از بخش‌های سنندج محسوب می‌شد، اما به دلیل قرار گرفتن بین سنندج و سقز و نزدیک بودن به مرز عراق در محدوده‌ی شرق دره‌ی شیلر، همواره در معرض تهاجم و ناامنی ضد انقلاب قرار داشت، طوری که نیروهای ضد انقلاب تا سالیان متمادی در مناطق دورافتاده‌ی این شهرستان، مقرهای ثابت داشتند. آن‌ها مردم و نیروهای انقلابی را پس از دست‌گیری، به زندانی واقع در روستای بست می‌بردند و به شکنجه و آزار و اذیت آنان می‌پرداختند.

کوچک و کم‌جمعیت بودن دیواندره، فعالیت گروه‌های دمکرات و کومله را محدود کرده بود. همین موضوع سبب شد دیواندره در مرحله‌ی دوم پاک‌سازی شهرهای کردستان، همانند مرحله‌ی اول، به سرعت پاک‌سازی شود.

مردم دیواندره در دوران مبارزه با نیروهای ضد انقلاب فداکاری‌های بسیاری کردند و ۲۱۱ تن از آنان به شهادت رسیدند.

پس از پاک‌سازی سنندج، دیواندره نیز با هماهنگی قرارگاه مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در سنندج، بی‌درنگ پاک‌سازی شد.

در اواخر اردیبهشت ۱۳۵۹، یک تیپ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یک گردان ضربت از نیروهای سپاه پاسداران، برای اجرای عملیات پاک‌سازی به سمت دیواندره و سقز حرکت کردند و در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ دیواندره در عملیاتی برق‌آسا پاک‌سازی شد. گروه‌های تجزیه‌طلب که از سرعت عمل رزمندگان اسلام غافل‌گیر شده بودند، کوشیدند در گردنه‌ی ایرانشاه مسیر عبور نیروهای سپاهی و ارتشی را - که به سوی سقز در حرکت بودند - سد کنند، اما با تعقیب نیروهای ضد انقلاب، ۶ نفر از آنان کشته، ۹ نفر مجروح و ۹ نفر دیگر دست‌گیر شدند و ستون نیروها با موفقیت به طرف سقز حرکت کرد.

جاده‌ی دیواندره - کرفتنو



آزادسازی شهر سقز - دور دوم





در اواخر فروردین ۱۳۵۹، گروه‌های دمکرات، کومه‌له و چریک‌های فدایی خلق، پادگان تیپ ۲ سقز را محاصره کردند و با سنگ‌رندی در اطراف آن، مانع تردد نیروهای ارتش به داخل و خارج پادگان شدند. با گذشت زمان حلقه‌ی محاصره تنگ‌تر و فشار روانی به افراد داخل پادگان برای تسلیم شدن به گروه‌های ضد انقلاب، بیش‌تر می‌شد.

قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش در اواخر اردیبهشت ۱۳۵۹، یک تیپ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یک گردان ضربت از نیروهای سپاه پاسداران را برای شکستن محاصره‌ی پادگان سقز و اجرای عملیات پاک‌سازی، به این شهر اعزام کرد. این ستون در ۲ خرداد ۱۳۵۹، به سقز رسید و با صدور اطلاعیه‌ی از شورشیان خواست تا سلاح‌های شان را تحویل دهند و مورد عفو قرار گیرند، اما گروه‌های تجزیه‌طلب با حمله به ستون اعزامی، درصدد مقاومت برآمدند. بدین ترتیب، درگیری آغاز شد و عملیات پاک‌سازی تا ۷ خرداد ادامه یافت. در این درگیری‌ها ۳۰ نفر از شورشیان کشته شدند. همچنین ۱۲ نفر از مردم مظلوم سقز و ۳۸ نفر از نیروهای خودی شهید و ۱۱ نفر مجروح گردیدند.



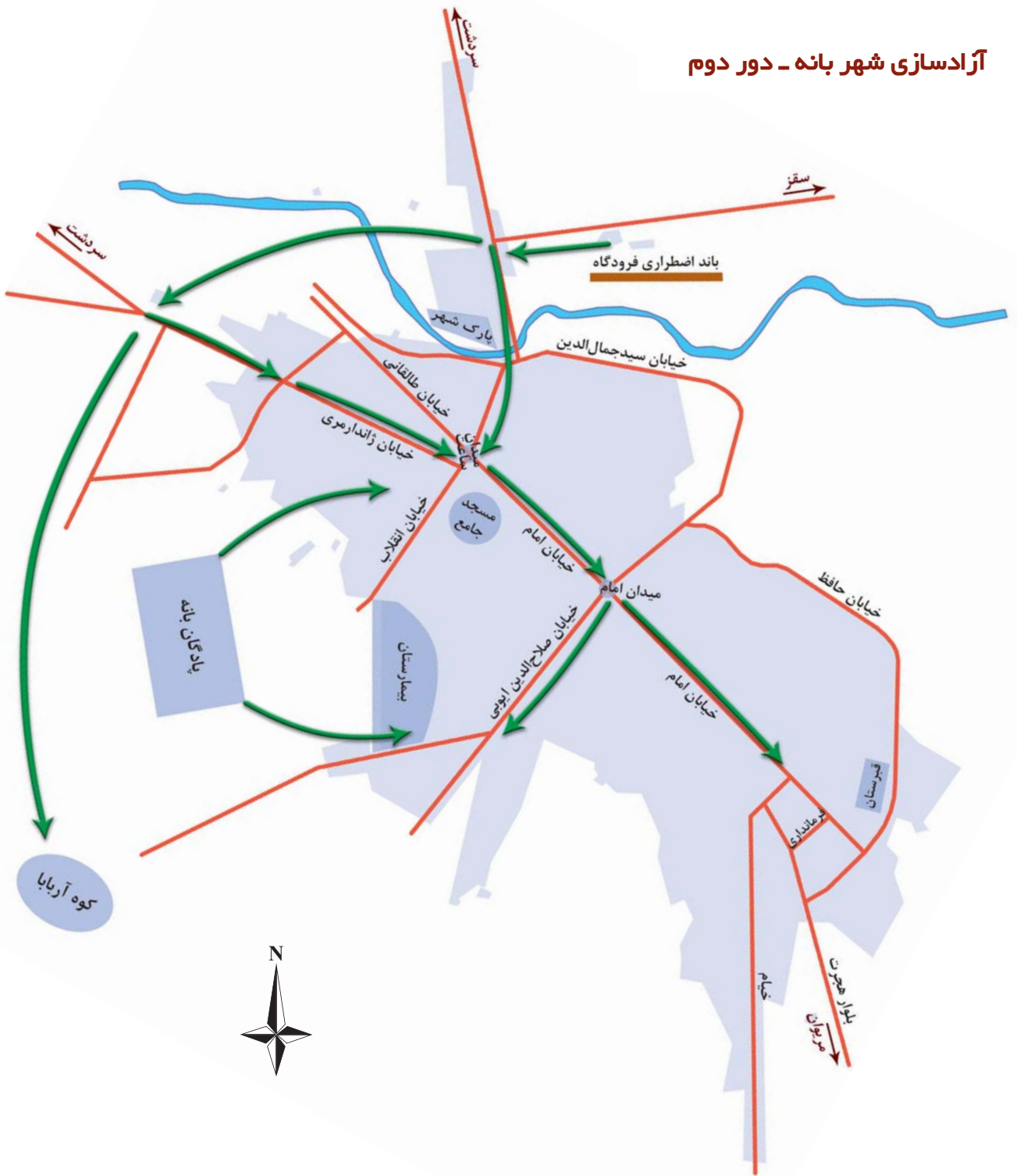
عکس هوایی شهر سقز

شهر سقز در ۱۸۷ کیلومتری شمال غربی سنندج و در مسیر جاده‌ی اصلی سنندج به ارومیه قرار دارد. مساحت این شهرستان ۴,۴۴۴ کیلومتر مربع است و در سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت آن ۳۰,۶۶۱ نفر بود. تپه‌ی باستانی زیویه در ۵۵ کیلومتری شرق سقز قرار دارد.

روحانیان و مردم انقلابی سقز با حمایت از امام در ابتدای پیروزی انقلاب، وفاداری خود را به انقلاب اسلامی و شعار استقلال و آزادی نشان دادند، اما گروه‌های مسلح مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، هم‌زمان با دیگر شهرهای مناطق کردنشین، در سقز نیز که یکی از شهرهای مهم کردستان است، آشوب و بلوا به پا کردند. آن‌ها در روز برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، نیمی از صندوق‌های رأی را به آتش کشیدند و تعدادی را نیز به سرقت بردند. همچنین، چندین بار به پادگان تیپ ارتش مستقر در سقز حمله و تعدادی از نیروهای آن را شهید کردند. ناراضی‌ت‌های مردم و روحانیان کرد انقلابی این شهر از اقدامات گروه‌های سوسیالیست و مارکسیست و بی‌نتیجه بودن مذاکرات هیئت حسن نیت، سبب شد رزمندگان سپاه، ارتش و سازمان پیش‌مرگان مسلمان کرد پاک‌سازی این شهر را آغاز کنند. گروه‌های ضد انقلاب که هرگز نمی‌پنداشتند کنترل سقز به سرعت از دست آن‌ها خارج شود، با استقرار نیرو در اطراف شهر، سقز، روستاهای اطراف و محورهای مواصلاتی آن را ناامن کردند. با ادامه‌ی تعقیب نیروهای ضد انقلاب در سال‌های بعد، آن‌ها به عراق گریختند و امنیت به شهر سقز و اطراف آن بازگشت.

مردم مسلمان سقز در مبارزه با گروه‌های ضد انقلاب، حملات هوایی هواپیماهای عراق و عرصه‌ی جنگ تحمیلی، در مجموع ۵۶۴ شهید به انقلاب اسلامی تقدیم کردند. همچنین شهر سقز ۳۰ بار هدف حملات هوایی عراق قرار گرفت که علاوه بر شهادت جمعی از مردم (۹۶ تن شهید)، ۵۴۳ تن نیز مجروح شدند.

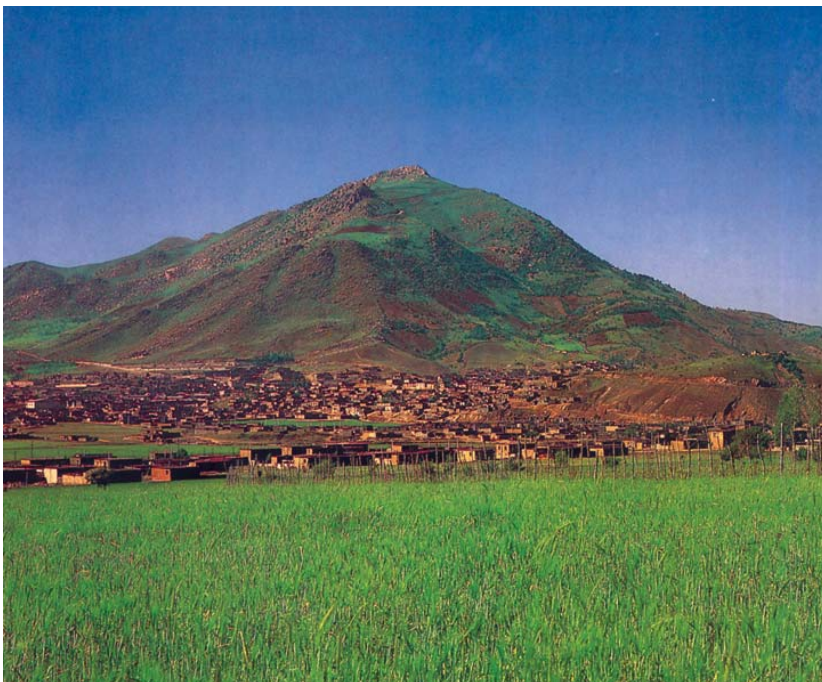
آرadsازی شهر بانه - دور دوم





در شهر بانه علاوه بر طرف داران شیخ جلال حسینی، گروه‌های دمکرات، کومه‌له و چریک‌های فدایی خلق نیز فعالیت بسیاری داشتند. با شروع مرحله دوم درگیری‌های استان کردستان، پادگان تیپ ۱ لشکر ۲۸ در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۹، به محاصره نیروهای ضد انقلاب درآمد. سپاه پاسداران غرب کشور برای ممانعت از سقوط پادگان بانه، ۹۰ نفر از نیروهای گردان ۱ سپاه تهران را که برای اجرای مأموریت به کرمانشاه رفته بودند، با بال‌گرد به بانه اعزام کرد تا به کمک نیروهای ارتشی و سپاهی محاصره شده در پادگان بشتابند.

در اوایل خرداد ۱۳۵۹، یک گروه رزمی ارتش و نیروهای سپاه، مأمور شدند بعد از آزادسازی جاده‌ی سقز - بانه، شهر بانه را نیز پاک‌سازی کنند. این نیروها بعد از درگیری شدید در گردنه‌ی خان به بانه رسیدند و سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۵۹ پاک‌سازی این شهر را آغاز کردند. ابتدا یک دسته تانک برای ایجاد رعب در نیروهای ضد انقلاب وارد شهر شد و بلافاصله ۲۰۰ داوطلب سپاهی و ارتشی که در پادگان محاصره بودند، حلقه‌ی محاصره را شکستند و وارد شهر شدند. بدین ترتیب، با عملیاتی که از داخل پادگان و از ورودی شهر آغاز گردید، نیروهای ضد انقلاب متواری شدند و شهر پاک‌سازی شد. در این عملیات ۳۹ تن از رزمندگان به شهادت رسیدند.



شهر بانه در دامنه کوه آریابا

شهر بانه در ۲۷۰ کیلومتری شمال غربی سنندج و در ۲۰ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱,۵۴۰ متر است. شهرستان بانه ۱,۵۸۰ کیلومتر مربع مساحت دارد و در سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت آن ۱۵,۵۵۲ نفر بود.

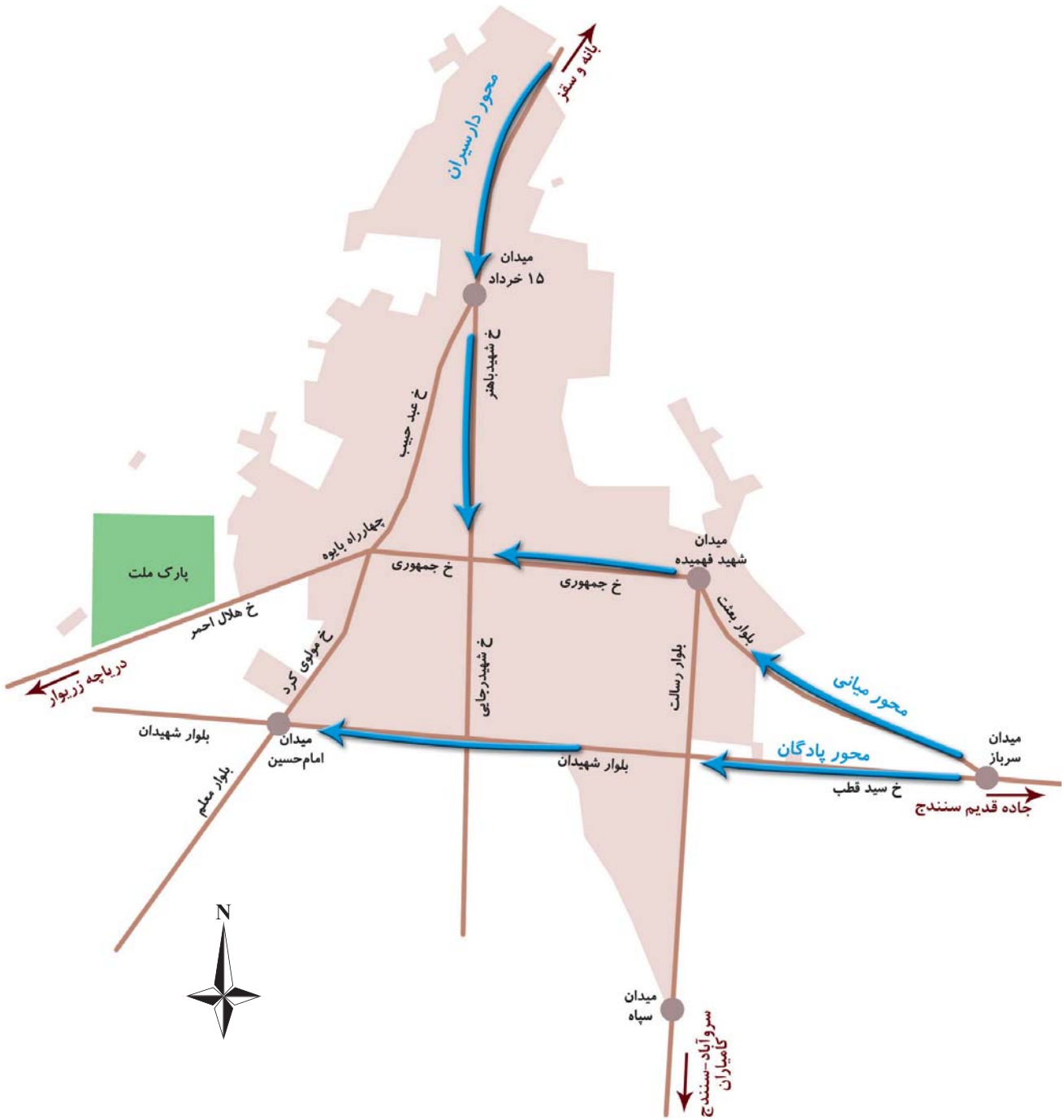
در آستانه‌ی پیروزی انقلاب، مردم بانه با برپایی تظاهرات، حمایت خود را از انقلاب اسلامی و امام اعلام کردند، اما این شهر پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چون بسیاری از شهرهای مرزی، دچار حوادث گوناگون شد و مانند سایر مناطق کردنشین، از شرارت گروه‌های تجزیه طلب آسیب دید. در ۶ شهریور ۱۳۵۸ نیروهای وابسته به شیخ جلال حسینی، گروهان ژاندارمری بانه را خلع سلاح و پادگان تیپ بانه را محاصره کردند. چند روز بعد بانه پاک‌سازی و پادگان آزاد شد، اما اندکی بعد، پس از اقدامات هیئت حسن نیت، بار دیگر نیروهای ضد انقلاب بر شهر مسلط شدند. سرانجام رزمندگان در خرداد ۱۳۵۹، شهر بانه را به طور کامل پاک‌سازی کردند.

برای توسعه‌ی امنیت داخلی، تأمین مرز اهمیت بسیاری داشت. در مرز مشترک ایران و عراق در محور بانه، نیروهای ضد انقلاب از دو معبر چومان مصطفی و چنگاوی، تردد می‌کردند که با اجرای عملیات کربلای ۱۰، امنیت در منطقه‌ی بوالحسن و چومان برقرار شد.

همچنین، در عملیات نصر ۱، ارتفاعات چنگاوی امنیت یافت، اما تا پایان جنگ آسمان بانه همواره هدف تجاوز هواپیماهای ارتش عراق بود و دست کم ۷۷ بار هدف حمله قرار گرفت که بر اثر آن ۳۲۸ تن شهید و ۸۴۲ تن مجروح شدند.

آزادسازی شهر مریوان - دور دوم

۵۵



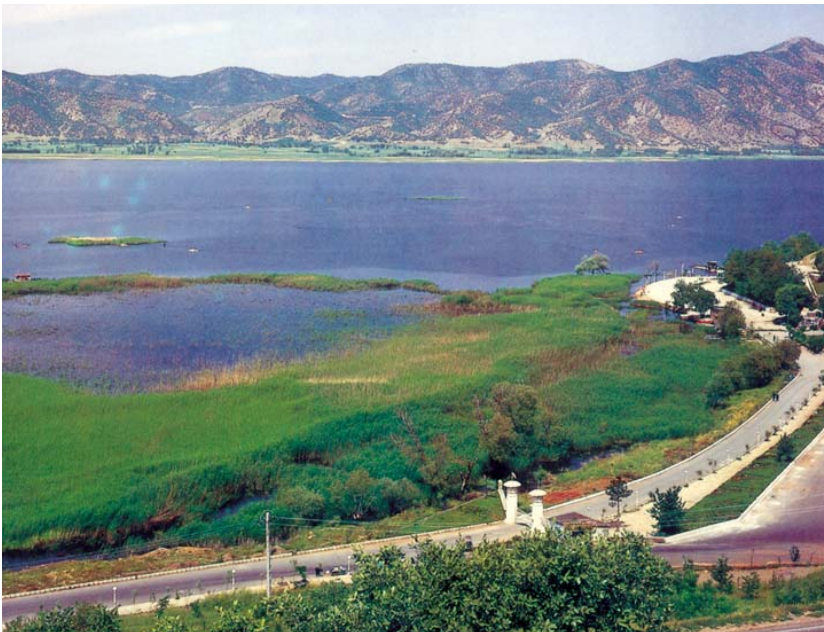


بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌های دمکرات، کومه‌له، رزگاری، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و چریک‌های فدایی خلق، با حمایت‌های حکومت عراق و برخی گروه‌های عراقی در مریوان پایگاه زدند و با هماهنگی یک‌دیگر پیوسته امنیت شهر را بر هم می‌زدند. همچنین، بومی‌های متدین را می‌آزردند تا مجبور به مهاجرت شوند.

در اردیبهشت ۱۳۵۹، سپاه پاسداران غرب کشور، برادر احمد متوسلیان را به فرماندهی سپاه مریوان منصوب کرد و به وی مأموریت داد تا شهر مریوان را پاک‌سازی کند. وی در ۳ خرداد ۱۳۵۹، با بال‌گرد به پادگان تیپ ۳ لشکر ۲۸ کردستان وارد شد. هنگام ورود احمد متوسلیان به پادگان، تنها ۱۴ پاسدار و ۶۰ پیش‌مرگ مسلمان کرد در پادگان مستقر بودند و همه‌ی مراکز دولتی مریوان و تپه‌های مشرف به پادگان در کنترل گروه‌های ضد انقلاب قرار داشتند. نیروهای سپاه پس از شناسایی منطقه، ابتدا تپه‌های اطراف پادگان از جمله ارتفاع موسک را تصرف و سپس از سه محور (دارسیران، محور میانی شهر و محور منتهی به پادگان) پاک‌سازی شهر را آغاز کردند. بدین ترتیب، تا ۳ تیر ۱۳۵۹، در حالی که گروه‌های ضد انقلاب همه‌ی وسایل و امکانات اداره‌ها، سازمان‌های دولتی و حتی مراکز خدمات‌رسانی، نظیر درمانگاه‌ها را غارت کرده بودند، مریوان پاک‌سازی شد. مردم شهر از این اقدام پاسداران به طور گسترده‌ی استقبال کردند و ده روز پس از آزادسازی شهر، در ۱۳ تیر ۱۳۵۹، با برگزاری راه‌پیمایی بزرگی، وفاداری خود را به انقلاب اسلامی و امام نشان دادند.

شهر مریوان، در ۱۳۵ کیلومتری غرب سنندج و در ۱۵ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد. مساحت شهرستان مریوان ۳,۴۳۲ کیلومتر مربع است و در سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت آن ۱۳,۶۱۰ نفر بود. مردم مریوان در سال ۱۳۵۷، همراه با مردم منطقه در تظاهرات علیه حکومت پهلوی شرکت کردند، اما پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، این شهر مرکز فعالیت گروه‌های مسلح ضد انقلاب شد. نزدیکی مریوان به مرز عراق و وجود کوهستان‌های مرتفع و پوشیده از جنگل، به خصوص ارتفاعات سر به فلک کشیده‌ی دزلی، به نیروهای ضد انقلاب در ایجاد شرارت و ناامنی در منطقه کمک فراوانی می‌کرد. علاوه بر این، پای‌بندی مردم مریوان به نظام جمهوری اسلامی و تقید آن‌ها به دین اسلام، دشمنی گروه‌های ضد انقلاب را با مردم مریوان بیش‌تر کرد. این گروه‌ها در ۲۳ تیر ۱۳۸۵ با حمله به مقر سپاه مریوان، ۱۷ تن از پاسداران محلی را سر بریدند. همچنین، بارها برای خلع سلاح تیپ مریوان کوشیدند. حومه‌ی شهر و مناطق تحت اشغال عراق در قوچ سلطان و مناطقی از دزلی و ارتفاعات تخت نیز در کنترل نیروهای ضد انقلاب بودند. در زمستان ۱۳۵۹ و تابستان ۱۳۶۰، این مناطق با همت سپاه پاسداران مریوان و تیپ مریوان پاک‌سازی شد و سپس برای تعمیق امنیت و پدافند شهر، عملیات‌های محمد رسول‌الله (ص)، والفجر ۴ و والفجر ۱۰ در منطقه‌ی عمومی پنجوین و حلبچه‌ی عراق اجرا و دشمن تا آن سوی مرز عقب رانده شد.

مردم مریوان با تقدیم ۱۰۷۴ شهید، در صف مقدم شهرهای استان کردستان برای مبارزه با گروه‌های ضد انقلاب و مقابله با تهاجم ارتش عراق قرار داشتند. این شهر در دوران جنگ ۱۱۹ بار هدف حملات هوایی عراق قرار گرفت که در این حملات ۳۱۰ نفر شهید و ۱,۲۷۸ نفر مجروح شدند.





فصل ۴

آزادسازی جاده‌های ارتباطی



عملیات آزدسازی جاده‌های ارتباطی





سرهنگ علی صیاد شیرازی در مسجد بانه

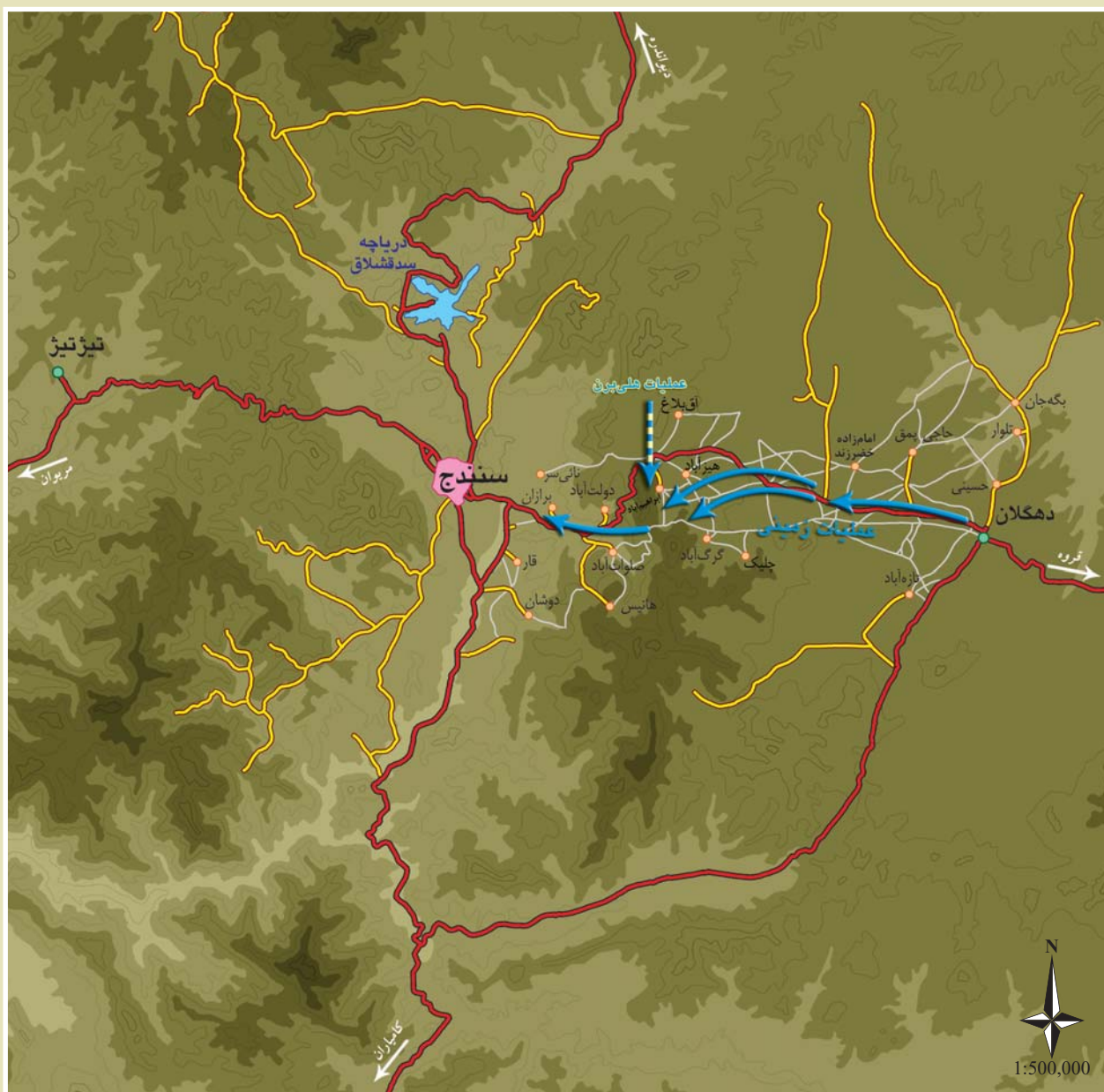
بعد از پاک‌سازی هر یک از شهرها، گروه‌های ضد انقلاب که کنترل آن شهر را از دست می‌دادند به روستاهای اطراف شهر می‌رفتند و با ایجاد مقر در روستاها، در جاده‌های مواصلاتی بین شهری کمین اجرا می‌کردند. آن‌ها با ناامن کردن جاده‌ها، درصد قدرت‌نمایی، اثبات حیات نظامی خود و تضعیف قدرت نظامی دولت مرکزی بودند تا مانع عادی شدن وضعیت شهر و خدمات‌رسانی به مردم شوند و نیروهای انقلابی نتوانند امنیت باثباتی در شهرها برقرار کنند. به همین دلیل، ضرورت ایجاد می‌کرد امنیت جاده‌های بین شهری برقرار شود تا رفت و آمد بین شهری مردم و نیروهای دولتی به سهولت انجام شود.

بنابراین، مرحله‌ی دوم استراتژی توسعه‌ی امنیت پایدار در قالب اجرای عملیات‌های پاک‌سازی محورهای مواصلاتی در دستور کار نیروهای خودی قرار گرفت. در این عملیات‌ها که به طور سنجیده‌ی گاهی از دو جهت مخالف و گاه در چند مرحله اجرا می‌شد، بعد از پاک‌سازی کامل جاده‌ها، پاک‌سازی روستاهای اطراف جاده‌ها در دستور کار قرار می‌گرفت و با اجرای موفق هر مرحله، پایگاه‌های ثابتی در روستاهای پاک‌سازی شده و در نقاط مهم اطراف جاده ایجاد می‌شد. بدین ترتیب، امنیت جاده‌ها افزایش می‌یافت و شورشیان نمی‌توانستند در مسیر تردد خودروها، کمین اجرا کنند.

پاک‌سازی جاده‌های ارتباطی

* محور عملیات	سازمان	شروع	پایان
۱ دهگلان - سنندج	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۵۹/۲/۱۷	۵۹/۲/۱۸
۲ سقز - بانه	ارتش، سپاه	۵۹/۳/۲	۵۹/۳/۳
۳ سنندج - دیواندره	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۵۹/۴/۱۰	۵۹/۴/۱۳
۴ سنندج - کامیاران	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۵۹/۴/۱۵	۵۹/۴/۱۶
۵ سنندج - مریوان	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۵۹/۵/۱	۵۹/۵/۴
۶ سقز - دیواندره	ارتش، سپاه	۵۹/۶/۵	۶۰/۲/۱۲
۷ سقز - بوکان	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۶۰/۱/۹	۶۰/۷/۷
۸ سقز - مریوان	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۶۰/۳/۱۱	۶۰/۳/۱۲
۹ کامیاران - روانسر	ارتش، سپاه، پیش‌مرگان	۶۰/۶/۱۷	۶۰/۶/۱۷
۱۰ بانه - سردشت	ارتش، ژاندارمری، سپاه، پیش‌مرگان	۶۰/۹/۷	۶۱/۲/۲۴

آرادسازی جاده‌ی سنندج - دهگلان



آزادسازی جادهی سنندج - دهگلان



جادهی سنندج - دهگلان به طول ۵۰ کیلومتر، از گردنهی صلوات آباد واقع در ۱۳ کیلومتری غرب سنندج عبور می‌کند. این جاده که محور مواصلاتی سنندج به همدان است، مهم‌ترین جادهی ارتباطی این منطقه با تهران محسوب می‌شود و اهمیت بسیاری دارد. به همین دلیل، هنگام پاک‌سازی سنندج، عملیات آزادسازی جادهی دهگلان - سنندج نیز آغاز شد و پس از پاک‌سازی آن، محور جدیدی برای پاک‌سازی شهر در مقابل رزمندگان گشوده شد که حلقه‌ی محاصره‌ی گروه‌های شورشی را تنگ‌تر کرد.

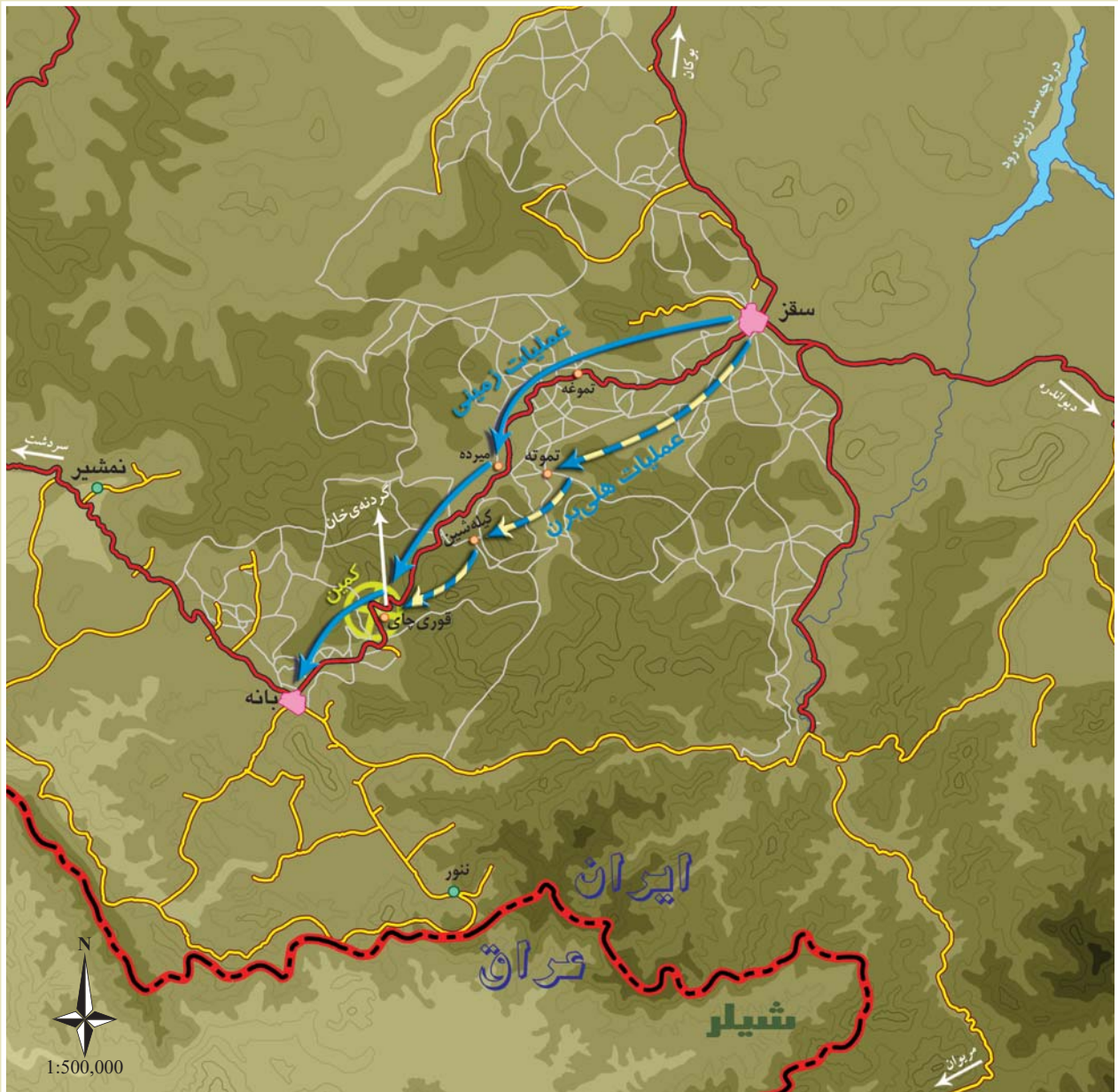
برای پاک‌سازی این جاده، ۲ گردان از نیروهای سپاه پاسداران قروه و همدان، ۲ گردان از تیپ ۳ زرهی همدان و حدود ۶۰ نفر از پیش‌مرگان مسلمان کرد به فرماندهی سرگرد علی صیاد شیرازی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹، وارد عمل شدند و با اجرای عملیات هلی‌برن در گردنه‌ی صلوات آباد، پس از درگیری شدیدی، دشمن را به عقب راندند. آن‌ها روز بعد (۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۹) تا سیلوی سنندج و پل قشلاق پیشروی کردند و برای شرکت در عملیات پاک‌سازی سنندج آماده شدند.

منطقه‌ی عمومی صلوات‌آباد در جادهی سنندج به دهگلان



آزادسازی جاده‌ی سقز - بانه

۶۳





آزادسازی جاده‌ی سقز - بانه

جاده‌ی سقز - بانه به طول ۶۰ کیلومتر است که با عبور از تنگه‌های باریک و تونل گردنه‌ی خان به بانه می‌رسد. با وجود پادگان تیپ ۱ لشکر ۲۸ کردستان در شهر بانه، جاده‌ی سقز به بانه در کنترل نیروهای ضد انقلاب بود و برای نیروهای ارتش و سپاه تردد زمینی روی این جاده ممکن نبود و انتقال آن‌ها به وسیله‌ی بال‌گرد انجام می‌شد. عملیات آزادسازی جاده‌ی سقز - بانه بعد از پاک‌سازی سقز و قبل از پاک‌سازی بانه اجرا شد.

در صبح‌گاه ۲ خرداد ۱۳۵۹، واحدهایی از نیروهای ارتش و سپاه، عملیات پاک‌سازی جاده‌ی سقز - بانه را آغاز کردند. در ابتدای عملیات، تیم‌های ویژه که به وسیله‌ی بال‌گرد آمدند، در چند نقطه‌ی جاده مستقر شدند تا امنیت لازم را برای حرکت گروه رزمی و

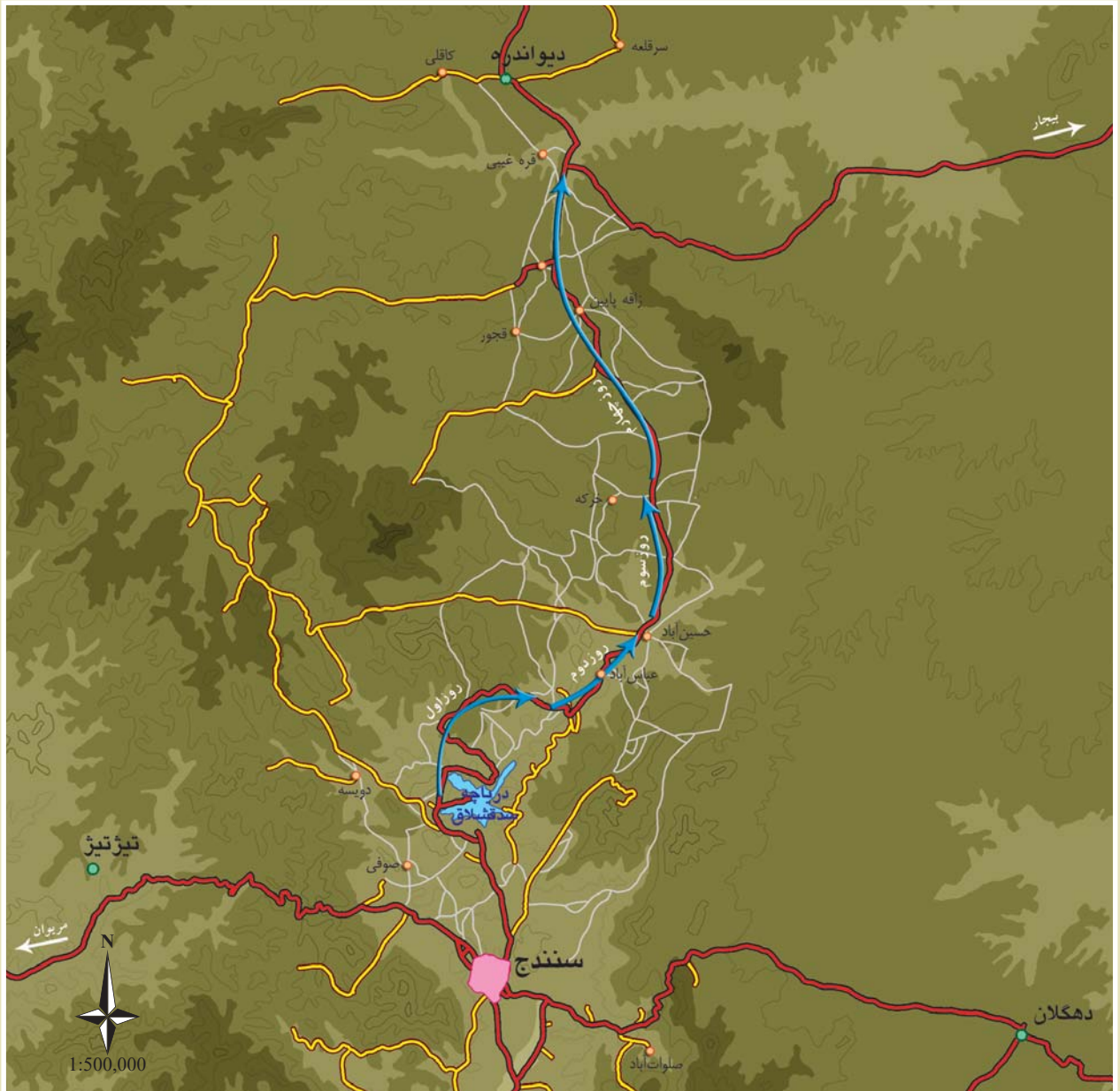
تانک‌های آنان برقرار کنند. تیم‌های ویژه، پس از تأمین جاده و پاک‌سازی روستاهای تموغه و میرده، در روستای کیله شین توقف کردند تا این که گروه رزمی به آن‌ها ملحق شد. سه ساعت بعد از این الحاق، آن‌ها با اجرای آتش توپ و آتش بال‌گردهای هوانیروز روی مواضع گروه‌های شورشی، به طرف گردنه‌ی خان و روستای قوری چای حرکت کردند. برای تأمین گردنه، دو گروه از نیروهای ارتش با حمایت بال‌گردهای کبرا به خلبانی (شهید) علی اکبر شیروودی و (شهید) احمد کشوری ارتفاعات دو طرف جاده را در جنوب گردنه‌ی خان تأمین کردند تا این ستون نظامی از گردنه عبور و با توجه به غروب آفتاب، در نقطه‌ی مناسبی پدافند کند، اما نیروها بعد از عبور از گردنه‌ی خان، به دستور فرمانده لشکر ۱۶ ارتش، به طرف بانه حرکت کردند. در حالی که این ستون نظامی به دلیل تاریکی هوا از پشتیبانی هوانیروز بی‌بهره بود، در روستای قوری چای به کمین نیروهای ضد انقلاب افتاد و درگیری شدیدی ایجاد شد که تا طلوع آفتاب ادامه داشت. در این درگیری ۱۲ تن شهید، ۲۵ تن مجروح و ۳۰ تن اسیر شدند و تعداد فراوانی تانک، نفربر و خودرو منهدم شد. صبح روز بعد (۳ خرداد ۱۳۵۹) ستون زرهی با تلاش سرگرد علی صیاد شیرازی بار دیگر سازمان‌دهی شد و با پشتیبانی بال‌گردهای علی اکبر شیروودی و احمد کشوری به حرکت خود ادامه داد تا به فرودگاه بانه رسید. آن‌ها در این محل اردو زدند تا بعد از آزادسازی شهر، به سمت پادگان بانه ره‌سپار شوند.

بدین ترتیب، جاده‌ی سقز - بانه از کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب خارج و تردد روی آن ممکن شد.



دهانه‌ی ورودی تونل گردنه‌ی خان از طرف بانه

آزادسازی جاده‌ی سنندج – دیواندره





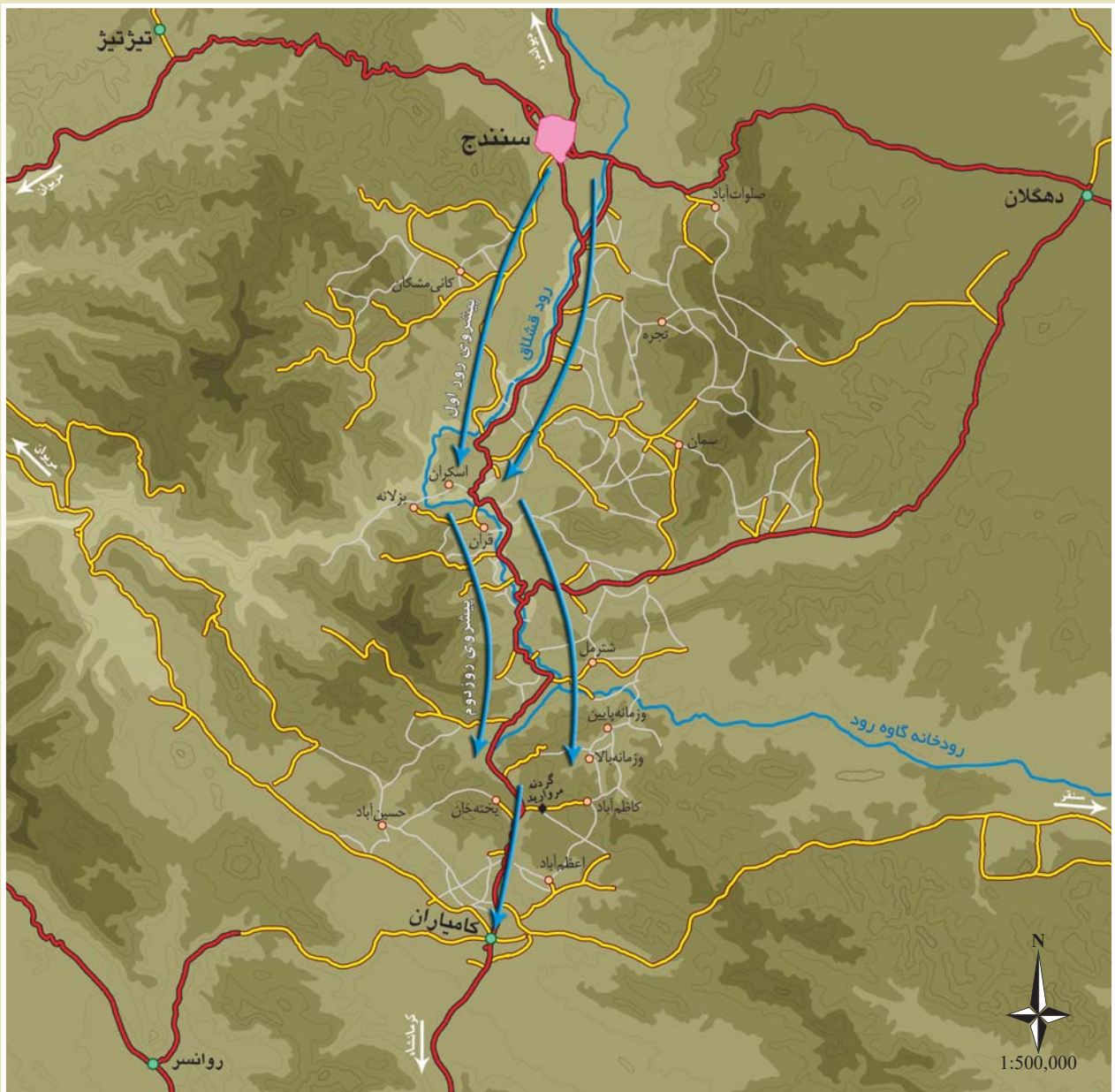
جاده‌ی سنندج - دیواندره با ۹۷ کیلومتر طول، از کنار سد قشلاق می‌گذرد. این جاده تا خرداد ۱۳۵۹، چندان هدف حمله‌ی آشوب‌گران قرار نگرفت، طوری که رزمندگان اسلام برای آزادسازی شهرهای دیواندره و سقز، در اواخر اردیبهشت ۱۳۵۹، به راحتی از این جاده عبور کردند، اما به دلیل مستقر نبودن پایگاه ثابت در طول مسیر، مدتی بعد جاده در کنترل نیروهای ضد انقلاب قرار گرفت.

در ۱۰ تیر ۱۳۵۹، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش تصمیم گرفت با به‌کارگیری دو گردان از نیروهای سپاه و پیش‌مرگان مسلمان کرد، و یک گردان از نیروهای ارتش و پشتیبانی یک آتشبار توپ، یک دسته تانک و یک تیم هوانیروز، عملیات آزادسازی محور سنندج - دیواندره را آغاز کند. این نیروها پس از چهار روز درگیری با گروه‌های ضد انقلاب، جاده‌ی سنندج - دیواندره را آزاد و با استقرار پایگاه ثابت در طول مسیر، امنیت تردد در روز را برقرار کردند.

پل رودخانه‌ی قزل اوزن در جاده‌ی سنندج - دیواندره



آزادسازی جاده‌ی سنندج – کامیاران





آزادسازی جاده‌ی سنندج - کامیاران

جاده‌ی سنندج - کامیاران با ۷۰ کیلومتر طول، از مناطق کوهستانی و گردنه‌های متعددی همچون گردنه‌ی مروارید عبور می‌کند. در بخش وسیعی از مسیر، در یک سوی جاده ارتفاعات و در طرف دیگر رودخانه‌های قشلاق و گاوه رود (یا گاومیشان) قرار دارند که همین موقعیت، برقراری امنیت در این جاده را مشکل می‌کرد.

بعد از پاک‌سازی شهر سنندج، برای برقراری ارتباط این شهر با کرمانشاه، عملیات پاک‌سازی جاده‌ی سنندج - کامیاران در دستور کار قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش قرار گرفت و بعد از شناسایی‌های لازم، عملیات در ۱۵ تیر ۱۳۵۹، آغاز شد. در این عملیات دو گردان از نیروهای سپاه پاسداران و پیش‌مرگان مسلمان کرد و یک گردان از نیروهای ارتش با پشتیبانی یک آتشبار توپ و یک دسته تانک شرکت داشتند. با وجود حضور گروه‌های شورشی در نقاط مختلف جاده، استحکام سنگرهای شان و جاسازی مواد منفجره در تونل‌های مسیر جاده، رزمندگان موفق شدند در مدت دو روز جاده‌ی سنندج - کامیاران را از اشغال گروه‌های تجزیه طلب در آورند و با استقرار پایگاه‌های ثابت، امنیت تردد در این جاده را برقرار کنند.

سه راهی سنندج - کامیاران - دهگلان



آزادسازی جاده‌ی سنندج – مریوان



آزادسازی جاده‌ی سنندج - مریوان



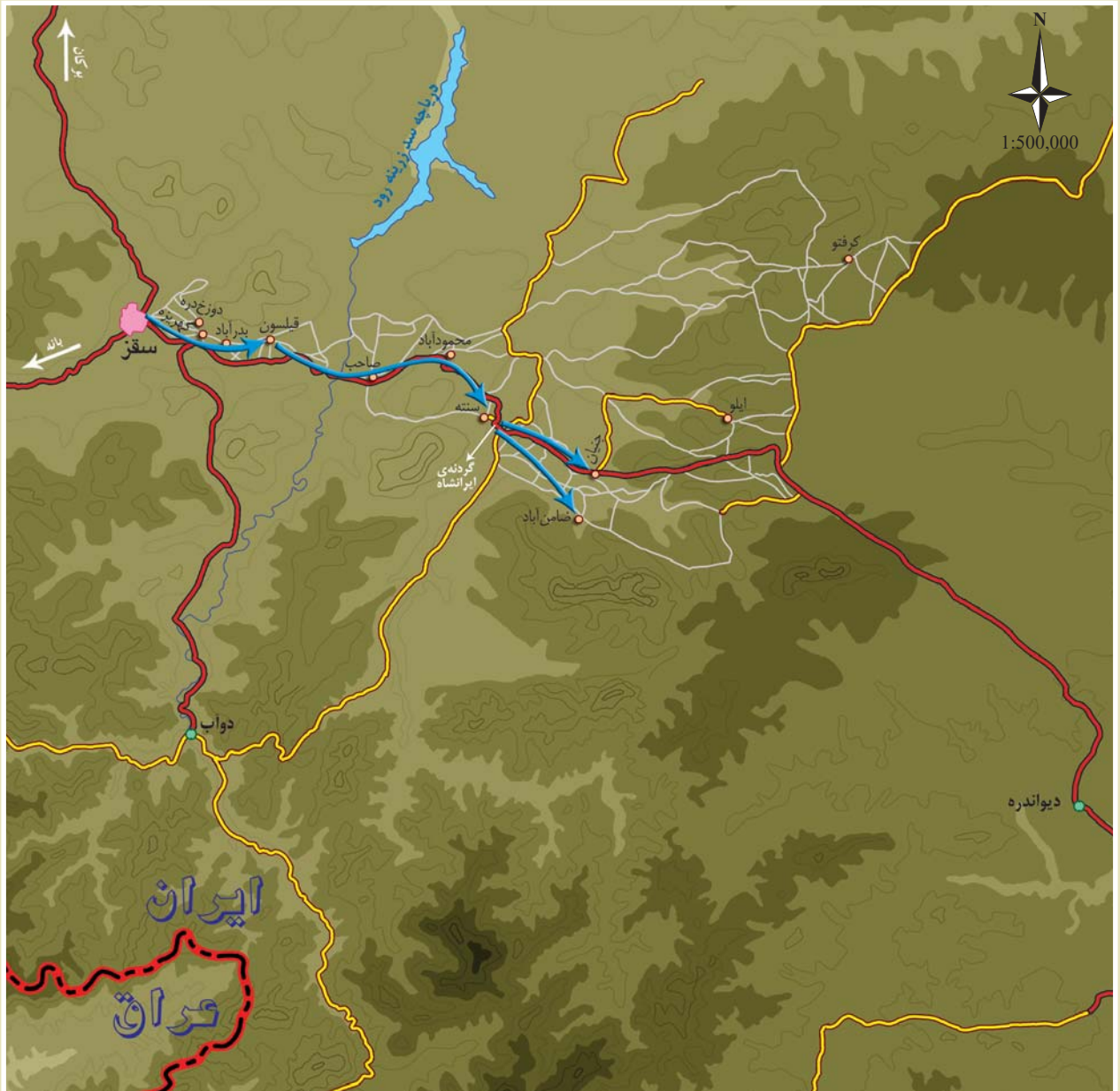
بنابراین، ضرورت ایجاد می کرد قرارگاه عملیاتی مشترک سپاه و ارتش، جاده‌ی سنندج - مریوان را سریع‌تر پاک‌سازی کند تا شهر و ساکنان آن از محاصره خارج شوند. عملیات پاک‌سازی جاده‌ی سنندج - مریوان در ۱ مرداد ۱۳۵۹، با شرکت یک گردان از نیروهای سپاه، یک گردان از نیروهای ارتش و پشتیبانی آتش توپ‌خانه و هم‌کاری پیش‌مرگان مسلمانان کرد آغاز شد، در حالی که حسین خرازی فرماندهی گروهان ضربت را به عهده داشت و پیش‌قراول ستون بود. در این عملیات، رزمندگان با حمایت‌های مردم، نیروهای ضد انقلاب را سرکوب و سپس از محور شمالی به طرف مریوان حرکت کردند. رزمندگان در روز چهارم عملیات، در گردنه‌ی گاران با مقاومت نیروهای تجزیه طلب رو به رو شدند، اما با حضور نیروهای ارتش و سپاه که از مریوان به کمک آن‌ها آمده بودند، نیروهای ضد انقلاب را تار و مار و جاده‌ی سنندج - مریوان را پاک‌سازی کردند. پس از این مرحله، با ایجاد پایگاه‌های ثابت در طول مسیر، عبور و مرور آزاد روی جاده ممکن شد.

جاده‌ی سنندج - مریوان با ۱۲۵ کیلومتر طول، از گردنه‌های آریز و تیژتیژ عبور می‌کند و سپس در نزدیکی تیژتیژ به دو راه تقسیم می‌شود. محور شمالی با عبور از گردنه‌های گاران و باغان از سمت شرق وارد مریوان می‌شود و محور جنوبی با عبور از نگل و سروآباد از سمت جنوب به مریوان می‌رسد. بعد از پاک‌سازی شهر مریوان، به دلیل آن‌که محورهای زمینی این شهر در سیطره‌ی نیروهای ضد انقلاب بود، نیروهای مستقر در این شهر از طریق هوایی پشتیبانی می‌شدند.

حسین خرازی فرمانده یک واحد عملیاتی



آزادسازی جاده‌ی سقز – دیواندره



آزادسازی جاده‌ی سقز - دیواندره



شد، اما به دلیل مستقر نشدن پایگاه‌های ثابت در اطراف جاده، نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری و پیش‌مرگان مسلمان کرد به ناچار، بار دیگر از دو سمت دیواندره و سقز، مرحله به مرحله جاده را پاک‌سازی و پایگاه دائمی در آن ایجاد کردند تا امنیت مردم برقرار و عبور و مرور در آن ممکن شود. برای پاک‌سازی جاده‌ی سقز - دیواندره، ابتدا مهم‌ترین نقاط این جاده که در کنترل گروه‌های ضد انقلاب بود، شناسایی شد و سپس رزمندگان با کمک مردم سقز در ۵ شهریور ۱۳۵۹، حد فاصل دوزخ دره تا روستای قیلسون را پاک‌سازی کردند. چند ماه بعد در ۷ فروردین ۱۳۶۰، حد فاصل روستاهای قیلسون تا سننه پاک‌سازی شد و در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، نیز حد فاصل روستاهای سننه تا جنیان پاک‌سازی گردید. این سه عملیات، اصلی‌ترین عملیات‌های پاک‌سازی این محور بودند، اما نیروهای خودی در طول این مدت، عملیات‌های محدود دیگری نیز برای پاک‌سازی جاده انجام دادند که آن‌ها هم موفقیت‌آمیز بودند. بدین ترتیب، با اجرای چنین اقداماتی، جاده‌ی سقز - دیواندره در اوایل سال ۱۳۶۰، در کنترل کامل رزمندگان اسلام درآمد و ژاندارمری با ایجاد پایگاه‌های ثابت در آن، مسئولیت برقراری امنیت این محور را به عهده گرفت.

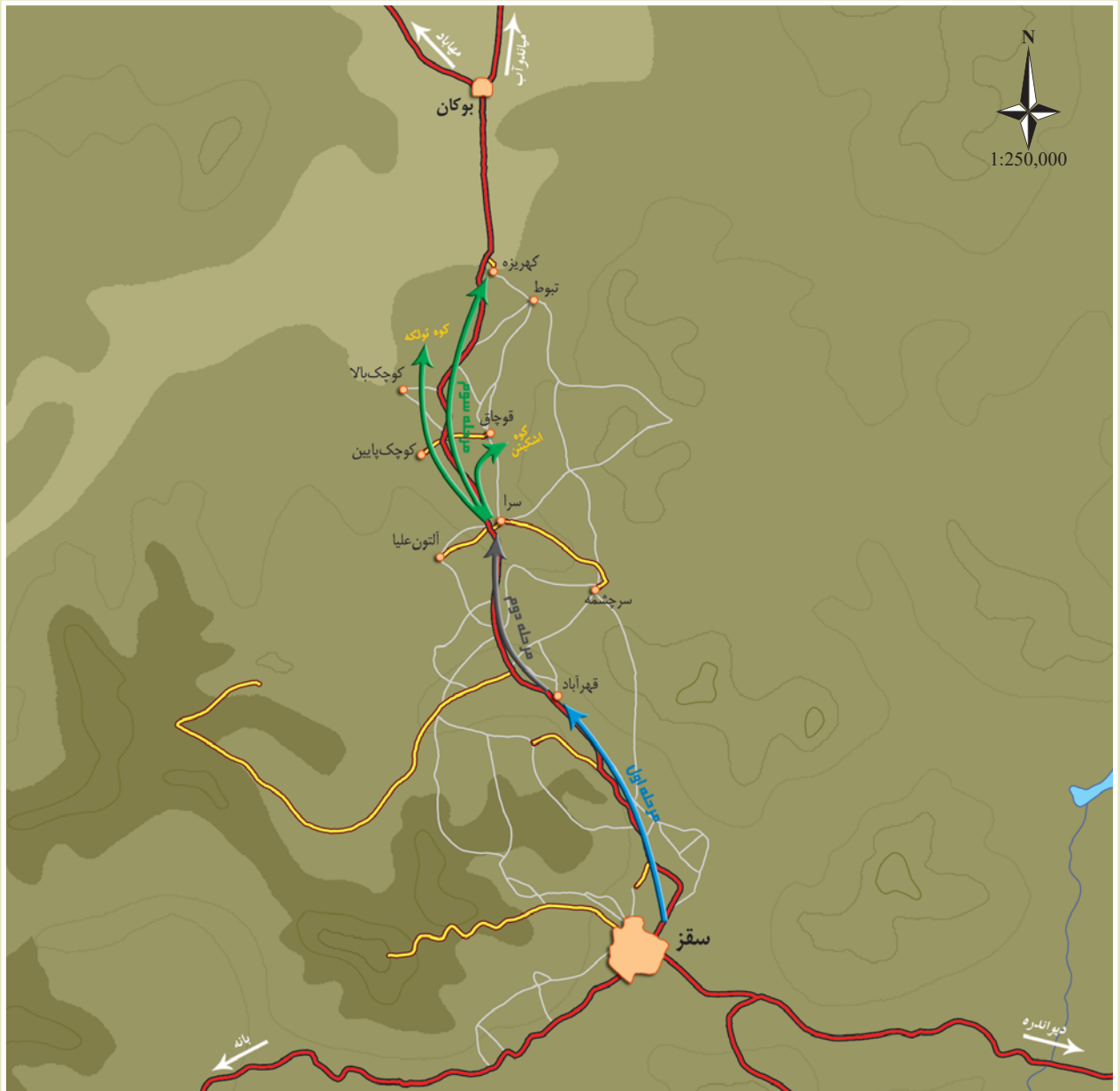
جاده‌ی سقز - دیواندره با ۹۰ کیلومتر طول، به دلیل عبور از دشت اوباتو با ۱،۵۵۰ کیلومتر مربع وسعت و ۲،۲۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا، زمستان‌هایی پربرف دارد و عبور و مرور از آن در فصل زمستان دشوار است. نیروهای سپاه پاسداران و یک تیپ از لشکر ۱۶ زرهی ارتش، پس از این که شهر دیواندره را در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹ پاک‌سازی کردند، عملیات خود را برای پاک‌سازی جاده‌ی دیواندره - سقز ادامه دادند و پس از درگیری شدیدی در گردنه‌ی ایران‌شاه، این محور مواصلاتی را آزاد کردند و به شهر سقز رسیدند. جاده‌ی دیواندره - سقز به سرعت پاک‌سازی

۷۰



آیت‌الله خامنه‌ای و شهید علی هلالی در نماز جماعت سپاه سقز

آزادسازی جاده‌ی سقز - بوکان





آزادسازی جاده‌ی سقز - بوکان

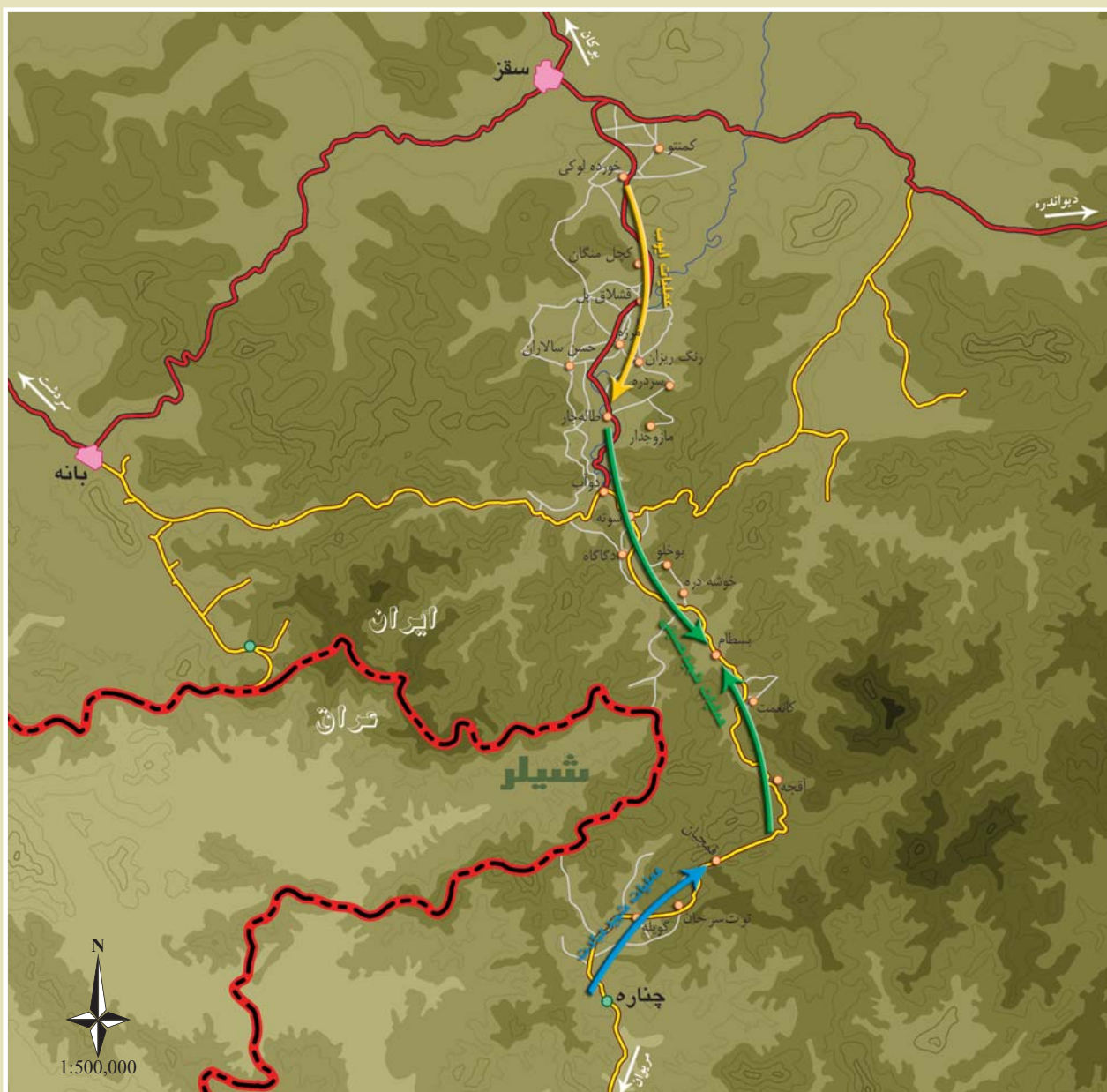
رزمندگان در آمد، اما به دلیل کمبود نیرو، رزمندگان ۱۰ کیلومتر عقب برگشتند و در روستای قهرآباد واقع در ۱۰ کیلومتری سقز پایگاه ایجاد کردند. مرحله‌ی دوم عملیات در ۹ خرداد ۱۳۶۰ اجرا شد که جاده‌ی سقز - بوکان از روستای قهرآباد تا روستای سرا پاک‌سازی گردید. در این عملیات، ۱۲ شورش کشته شد و تعداد فراوانی سلاح نیمه سنگین، از جمله چند خمپاره‌انداز و سلاح کالیبر ۵۰ به غنیمت درآمد. همچنین، نیروهای خودی با ایجاد پایگاه دائمی در روستای سرا، ۲۰ کیلومتر از جاده را از سلطه‌ی شورشیان خارج کردند. پس از آن، گروه‌های شورش چند بار کوشیدند تا با تمرکز نیرو، این روستا را دوباره اشغال کنند، اما موفق نشدند، از جمله در ۱۰ تیر ۱۳۶۰، این افراد به پایگاه روستای سرا حمله کردند که ۲۸ تن از آنان کشته شدند و تجهیزات فراوانی از آن‌ها به جا ماند. در مرحله‌ی سوم عملیات آزادسازی، نیروهای سپاه و ارتش با پشتیبانی هوانیروز و اجرای عملیات شبانه در ۷ مهر ۱۳۶۰، ارتفاعات اشکیتن و تولکه را در دو طرف جاده تصرف کردند، سپس با آزاد کردن روستاهای قوجاق، کوچک بالا و پایین، تبوط و کهریزه به ۸ کیلومتری بوکان رسیدند و بدین ترتیب، مقدمات آزاد کردن شهر بوکان نیز فراهم شد.

جاده‌ی سقز - بوکان به طول ۳۵ کیلومتر، بعد از پاک‌سازی سقز و در حالی که بوکان هنوز در اشغال گروه‌های ضد انقلاب بود، در سه مرحله پاک‌سازی شد و سپس نیروهای رزمنده از جنوب به سمت بوکان پیش رفتند. در مرحله‌ی اول عملیات، نیروهای سپاه، ارتش و پیش‌مرگان مسلمان کرد با پشتیبانی بال‌گردهای هوانیروز در ۹ فروردین ۱۳۶۰، از سقز تا روستای سرا، ۲۰ کیلومتر پیشروی کردند که در این مرحله از نیروهای ضد انقلاب حدود ۱۵ تن کشته و ۵۷ تن مجروح شدند و سلاح و مهمات فراوانی به غنیمت



رزمندگان مجهز به تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری

آزادسازی جاده‌ی سقز – مریوان





آزادسازی جاده‌ی سقز - مریوان

۱. عملیات ایوب در ۱۱ خرداد ۱۳۶۰، که جاده‌ی سقز - مریوان از روستای خورده‌لوکی در جنوب سقز تا روستای طاله‌جار به طول ۳۰ کیلومتر پاک‌سازی شد. در این عملیات ۲۰ شورش‌کشته شدند و ۴ مینی‌بوس و جیپ و تعداد فراوانی سلاح و تجهیزات، از جمله مین‌های ضد خودرو و ضد نفر به غنیمت گرفته شد.
۲. عملیات شهید عبادت در ۲ آبان ۱۳۶۱، که از طرف مریوان حد فاصل روستای چناره تا توت‌سرخان به طول ۱۵ کیلومتر پاک‌سازی شد.
۳. عملیات شهید حسینی در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲، که یک ماه ادامه یافت و در دو مرحله ۷۰ کیلومتر دیگر از جاده‌ی سقز - مریوان پاک‌سازی شد. در مرحله‌ی اول از طرف مریوان حد فاصل روستای قمچیان تا بسطام پاک‌سازی شد و در مرحله‌ی دوم از طرف سقز حد فاصل روستای طاله‌جار تا سوته و سپس تا بسطام (از طرف مریوان) پاک‌سازی شد. در این عملیات مقرهای گروه‌های شورشی که از پشتیبانی آتش توپ‌خانه‌ی عراق برخوردار بودند، در روستاهای سوته و بسطام منهدم شد و ۵۰ تن از آن‌ها کشته یا زخمی شدند.

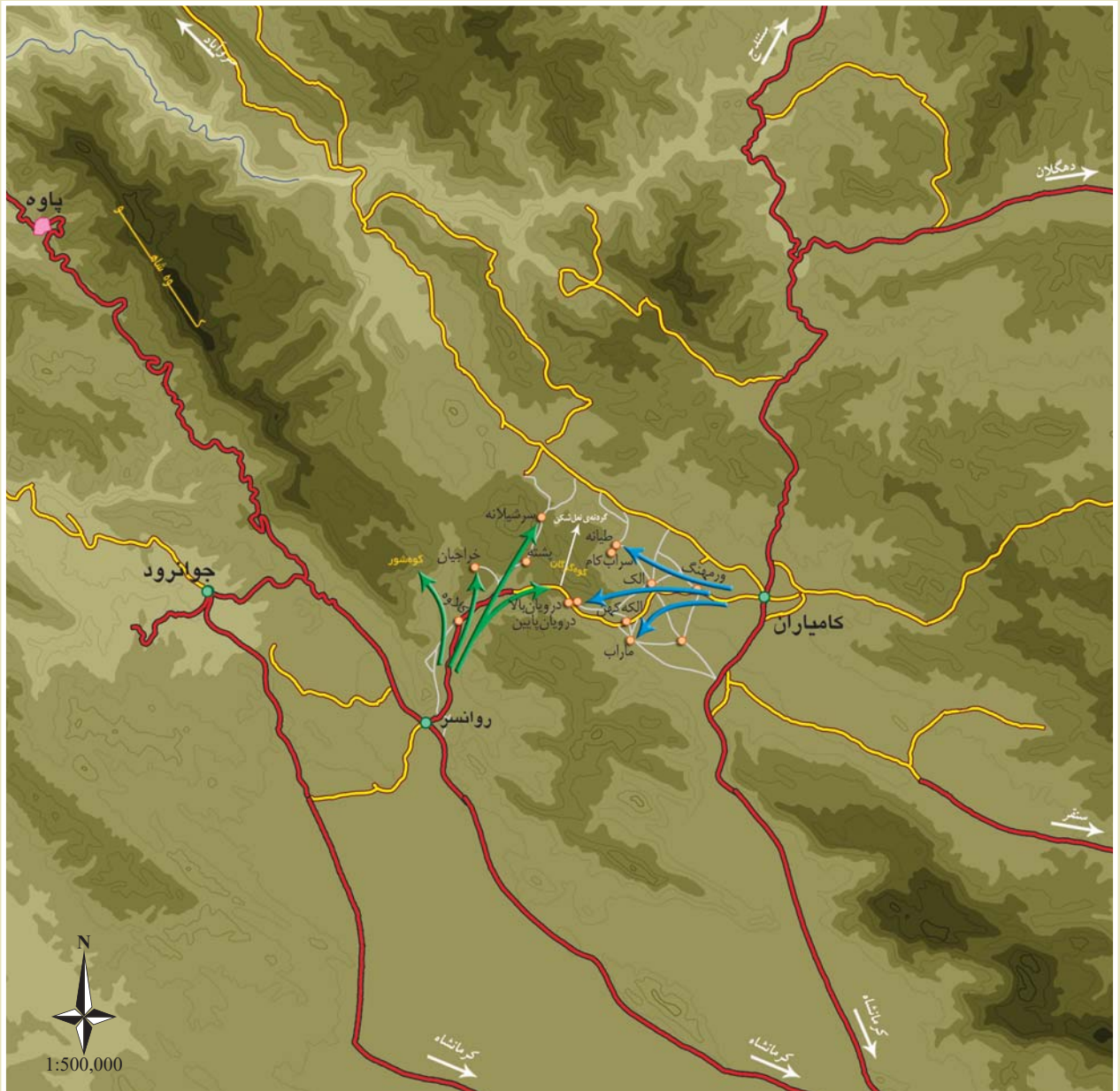
جاده‌ی سقز - مریوان به طول ۱۳۰ کیلومتر از نزدیکی دماغه‌ی شیلر و خاک عراق عبور می‌کند. این جاده که قسمت‌هایی از آن برف‌گیر است، با اجرای سه عملیات پاک‌سازی شد:

رزمندگان در حین اجرای عملیات



آزادسازی جاده‌ی کامیاران – روانسر

۷۷



آزادسازی جاده‌ی کامیاران - روانسر

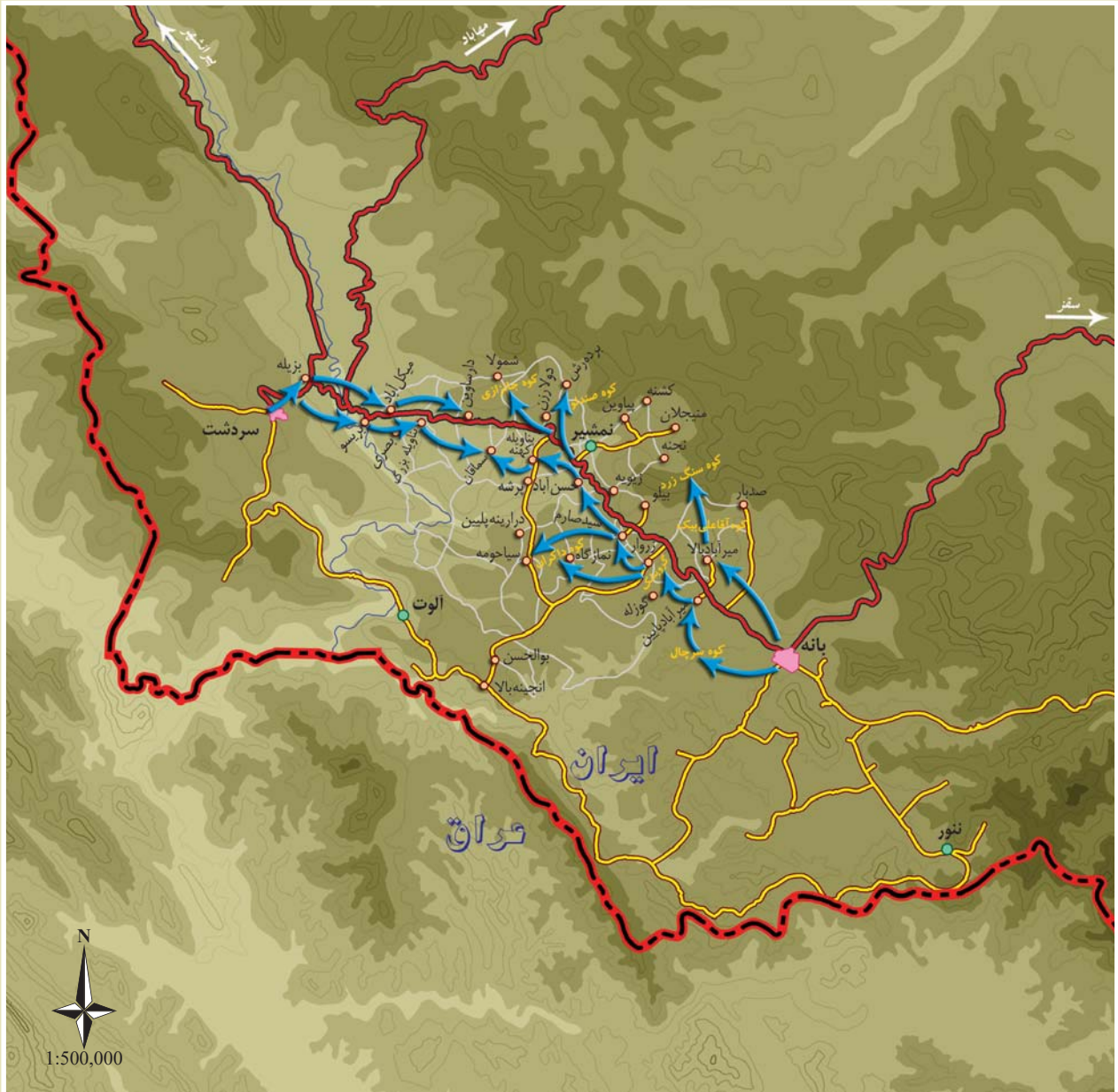


جاده‌ی کامیاران - روانسر با ۴۰ کیلومتر طول، یکی از راه‌های مواصلاتی کردستان به کرمانشاه است. این جاده از دامنه‌ی جنوبی ارتفاعات شاهو عبور می‌کند و مهم‌ترین گردنه‌ی آن نعل‌شکن است. عملیات آزادسازی این جاده بعد از هماهنگی‌های لازم در قرارگاه مشترک شهید شهرام فر در ۱۷ شهریور ۱۳۶۰، از دو جهت، از سمت شهر کامیاران و از سمت شهر روانسر آغاز شد. در محور کامیاران، ۱۲۰ نفر از نیروهای سپاه کامیاران، یک گردان از ارتش و ۳۰ نفر از پیش‌مرگان مسلمان کرد، روستاهای ورمهنگ، الک، الکه کهن، ماراب، درویان بالا و پایین، طیان، سراب کام و کوه‌گران را پاک‌سازی کردند. در محور روانسر نیز با همت نیروهای سپاه روانسر و سپاه جوانرود، روستاهای کلاوه، خراجیان، پشته، سرشیلانه و کوه‌شور پاک‌سازی شدند. با الحاق نیروهای خودی و ایجاد پایگاه ثابت در روستاهای پاک‌سازی شده، جاده‌ی کامیاران - روانسر از اشغال گروه‌های ضد انقلاب در آمد و امکان عبور و مرور مردم فراهم شد.

رزمندگان در حین پاک‌سازی یک روستا



آزادسازی جاده‌ی بانه - سردشت





آزادسازی جاده‌ی بانه - سردشت

که نیروهای ارتش و سپاه به فرماندهی سرگرد علی صیاد شیرازی بار دیگر جاده‌ی بانه - سردشت را پاک‌سازی کردند. اقدام سوم در ۶ مرداد ۱۳۶۰ بود که نیروهای ارتش و سپاه نیمی از جاده‌ی بانه - سردشت را تا ارتفاعات گوزله پاک‌سازی کردند، اما پس از شهادت سرگرد حسین شهرام‌فر و مقاومت شورشیان، نیروهای خودی به بانه بازگشتند. در این سه عملیات، جاده به طور کامل پاک‌سازی شد، اما به دلیل مستقر نبودن پایگاه‌های ثابت نیروهای خودی در آن، دوباره در دست نیروهای ضد انقلاب قرار گرفت.

سرانجام عملیات پاک‌سازی جاده‌ی بانه - سردشت در ۷ آذر ۱۳۶۰ با هماهنگی ارتش، سپاه و ژاندارمری، مشارکت پیش مرگان مسلمان کرد و فرماندهی محمد بروجردی، علی صیاد شیرازی و ناصر کاظمی آغاز شد و رزمندگان موفق شدند در دوازده مرحله و ۱۶۸ روز درگیری - که ۷۸ روز آن در آفند بودند - جاده‌ی بانه - سردشت را از سلطه‌ی گروه‌های تجزیه طلب خارج و برای تأمین جاده، در آن پایگاه‌های ثابت ایجاد کنند. در این عملیات، برادر مصطفی طیاره (فرمانده سپاه سقز) به شهادت رسید.

جاده‌ی بانه - سردشت با ۶۰ کیلومتر طول، از مناطق کوهستانی و جنگلی عبور و کردستان و آذربایجان غربی را به یک‌دیگر متصل می‌کند. از آن‌جا که این جاده‌ی مرزی برای گروه‌های ضد انقلاب اهمیت فراوانی داشت، می‌کوشیدند به هر طریقی سلطه‌ی خود را بر این جاده حفظ کنند.

رزمندگان چندین بار در مقاطع مختلف، این جاده را پاک‌سازی کردند: اقدام اول در شهریور ۱۳۵۸ بود که نیروهای ارتش و سپاه به فرماندهی دکتر مصطفی چمران، این جاده را پاک‌سازی کردند و بر سردشت مسلط شدند. اقدام دوم در تابستان ۱۳۵۹ انجام شد



پارک موتوری یک واحد از یگان‌های عملیاتی



فصل ۵

آزادسازی مناطق بینابینی



مناطق بینابینی آزاد شده

آذربایجان غربی

زنجان

۸۳

عراق

همدان



کرمانشاه





شهید ناصر کالامچی

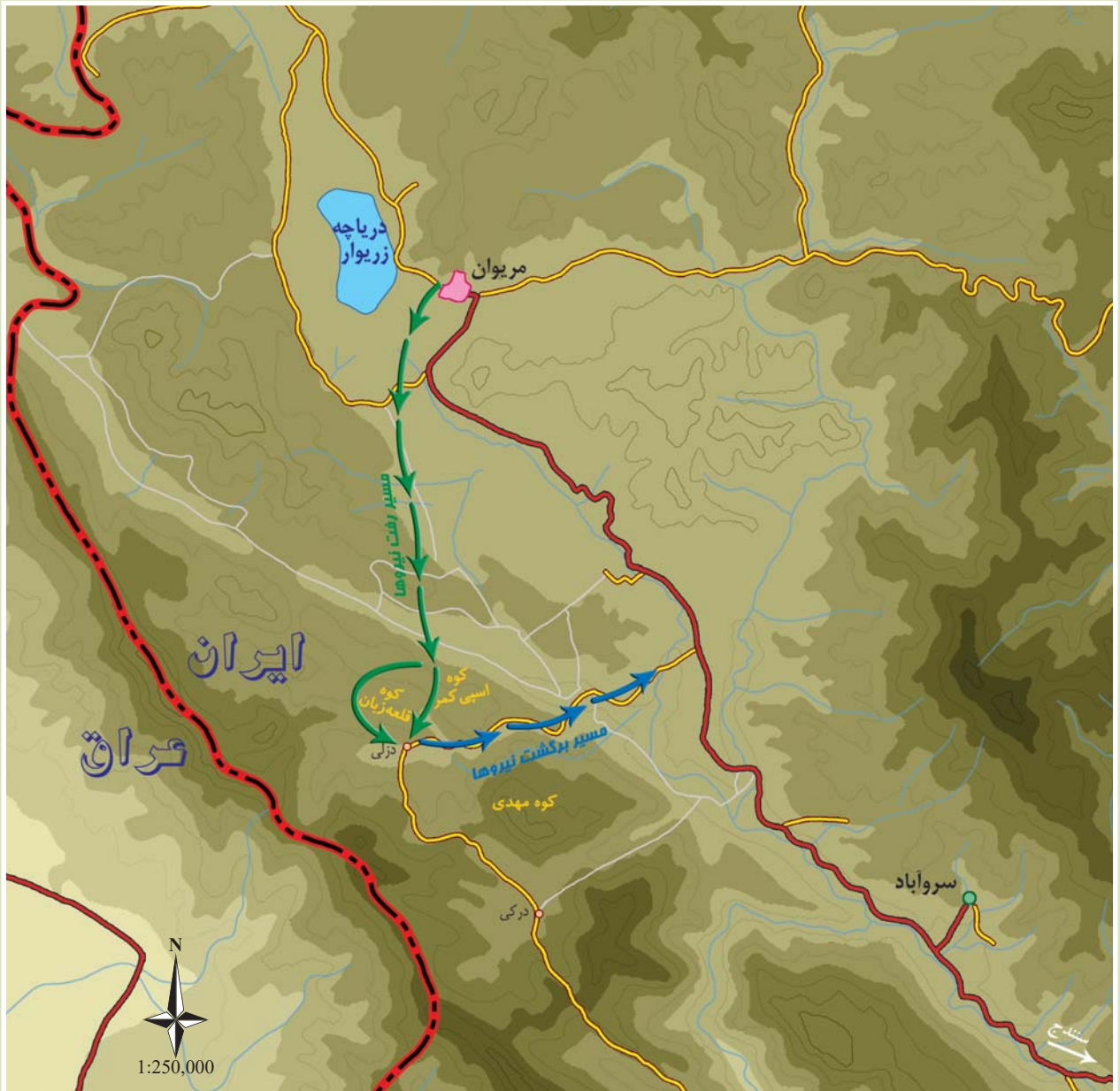
به همین دلیل، پاک‌سازی مناطق بینابینی که از چندین آبادی تشکیل شده‌اند ضروری بود و از جمله اهداف مهم رزمندگان قرار گرفت. این مناطق در چندین عملیات بزرگ و محدود پاک‌سازی شدند، طوری که جای امن دیگری برای شورشیان باقی نماند و آنان به حاشیه‌ی مرز رانده شدند.

ردیف	منطقه عمومی	محدوده پاک‌سازی	نام عملیات	تاریخ آغاز	تاریخ پایان
۱	شهرستان مریوان	دزلی	دزلی	۱۳۵۹/۱۰/۳	۱۳۵۹/۱۰/۴
۲	کامیاران - سنندج - دهگلان	موجش	موجش	۱۳۶۰/۶/۳۰	۱۳۶۲/۶/۹
۳	کامیاران - سنقر	بیلوار و کیونانات	-	۱۳۶۰/۹/۱۳	-
۴	سنندج - مریوان	ژاوه رود غربی	شهدای دولاب	۱۳۶۱/۱/۱۶	۱۳۶۱/۱/۱۸
۵	شهرستان مریوان	کامیاران - سروآباد	-	۱۳۶۱/۱/۲۶	۱۳۶۱/۴/۱۳
۶	سقز - دیواندره - تکاب	گل تپه - کرفتو - تپله‌کوه	-	۱۳۶۲/۲/۲۵	۱۳۶۲/۱۲/۲
۷	سقز - دیواندره - سنندج	چهل چشمه	شهید ناصر کاظمی	۱۳۶۲/۵/۲۷	۱۳۶۲/۵/۳۰
۸	مریوان - کامیاران - روانسر - پاوه	شاهو	شهید حسینی	۱۳۶۲/۶/۲۳	۱۳۶۲/۶/۲۶
۹	سقز - دیواندره - سنندج - مریوان	سارال و خورخوره	قائم	۱۳۶۳/۲/۲۷	-
۱۰	سقز - دیواندره - سنندج - مریوان	سارال و خورخوره	انصارالله	۱۳۶۴/۳/۲۱	۱۳۶۴/۴/۱۰

پس از آزادسازی شهرها و جاده‌های موصلاتی بین شهری، شورش‌گران از شهرها و روستاهای حوالی جاده‌های اصلی رانده شدند و به روستاهایی که دور از شهرها و جاده‌های اصلی بودند پناه بردند. آن‌ها روستاها را پایگاه و مأمن خود قرار دادند و با اعزام تیم‌های عملیاتی از پایگاه‌های خود، در مناطق هدف کمین اجرا می‌کردند یا به آن‌جا شبیخون می‌زدند. این اقدامات در وضعیتی انجام می‌شد که برای نیروهای خودی با وجود تأمین جاده‌های اصلی در روز، برقراری امنیت شبانه‌ی جاده‌ها میسر نبود. بنابراین، تنها در روز امکان تردد در جاده‌ها وجود داشت و پایگاه‌های ایجاد شده در کنار جاده‌ها که با گشت نیروهای خودی در طول روز تقویت می‌شدند، هنگام شب کارایی نداشتند. بعد از پاک‌سازی شهرها و جاده‌ها، آزادسازی روستاهای دور از شهرها و جاده‌های اصلی نیز در دستور کار قرار گرفت. این مناطق که در میان رزمندگان به مناطق بینابینی شهرت داشتند، یا از شهرها و جاده‌های مهم فاصله داشتند یا بین دو یا چند شهر واقع شده بودند. این مناطق به دلیل کوهستانی بودن و داشتن جاده‌های نامناسب، رزمندگان را برای اجرای عملیات در وضعیت دشواری قرار داده بودند. به همین دلیل، برای شورشیان اهمیت فراوانی داشتند و آنان برای اجرای عملیات نامنظم، سبک و ایذایی، تیم‌های خود را به سادگی از محل استقرار به سوی شهرها و جاده‌ها اعزام و آن‌جا را ناامن می‌کردند.

آزادسازی دزلی

۸۵





محض ورود نیروها آن‌ها را منفجر کنند و مانع ورود رزمندگان به دزلی شوند. علاوه بر این، وجود عناصر نفوذی ضد انقلاب در مریوان، موجب آگاهی نیروهای ضد انقلاب از هرگونه تحرک رزمندگان می‌شد. در چنین وضعیتی رزمندگان برای پاک‌سازی دزلی تدبیر ویژه‌ای اندیشیدند. مأموریت اجرای عملیات پاک‌سازی دزلی به عهده‌ی سپاه مریوان بود. برادر احمد متوسلیان فرمانده سپاه مریوان، در ۳ دی ۱۳۵۹ با اجرای عملیات فریب، شبانه به همراه ۲۰۰ نفر از نیروهای بسیجی و پیش‌مرگان مسلمان کرد به طرف غرب مریوان حرکت کردند، اما بعد از دور شدن از شهر و پایان عملیات فریب، مسیر خود را به طرف جنوب و روستای دزلی تغییر دادند و با عبور از ارتفاعات منطقه، در ۴ دی ۱۳۵۹ کوه‌های مشرف به دزلی را تصرف کردند. نیروهای سپاه مریوان در سحرگاه که شورشیان در خواب بودند، به پایگاه‌های آن‌ها حمله و در غافل‌گیری کامل، مقرهای گروه‌های دمکرات، کومه‌له و چریک‌های فدایی را تصرف کردند. بدین ترتیب، روستای دزلی پاک‌سازی شد. در این عملیات یکی از فرماندهان حزب دمکرات کردستان کشته شد.

روستای دزلی - که مدتی است شهر شده است - در جنوب مریوان و بین جاده‌ی مریوان - سروآباد در مرز ایران و عراق قرار دارد. کوه‌های قلعه‌زبان، مهدی و اسپه‌کمر در اطراف دزلی واقع شده‌اند و جاده‌ی منتهی به آن از تنگه‌ی باریکی که بسیار حساس است عبور می‌کند. بعد از پاک‌سازی مریوان، گروه‌های ضد انقلاب برای تداوم شرارت در منطقه، پایگاه‌های اصلی خود را در روستای دزلی مستقر کردند. آن‌ها برای ممانعت از ورود رزمندگان به این روستا، در صخره‌های دو طرف جاده مواد منفجره کار گذاشتند تا به





اجرای طرح پاسدار معلم برای دانش آموزان موچش

ارتش، ژاندارمری و پیش مرگان مسلمان کرد، چندین بار منطقه‌ی موچش را پاک‌سازی کردند، از جمله در ۳۰ شهریور ۱۳۶۰ رزمندگان ۳۰ روستا را پاک‌سازی کردند، ولی پایگاهی در مناطق پاک‌سازی شده مستقر نکردند.

در ۶ مهر ۱۳۶۱ نیز نیروهای خودی ۲۴ روستای منطقه‌ی موچش را دوباره پاک‌سازی و در آن‌ها پایگاه دائمی مستقر کردند.

همچنین، در ۲۸ آذر ۱۳۶۱ در عملیاتی به نام امام رضا^(ع) که با هدف تعقیب گروهی از شورشیانی که به منطقه‌ی موچش نفوذ کرده بودند، اجرا شد، ۲۰ نفر از نیروهای ضد انقلاب معدوم، چند نفر مجروح و ۸ نفر اسیر شدند.

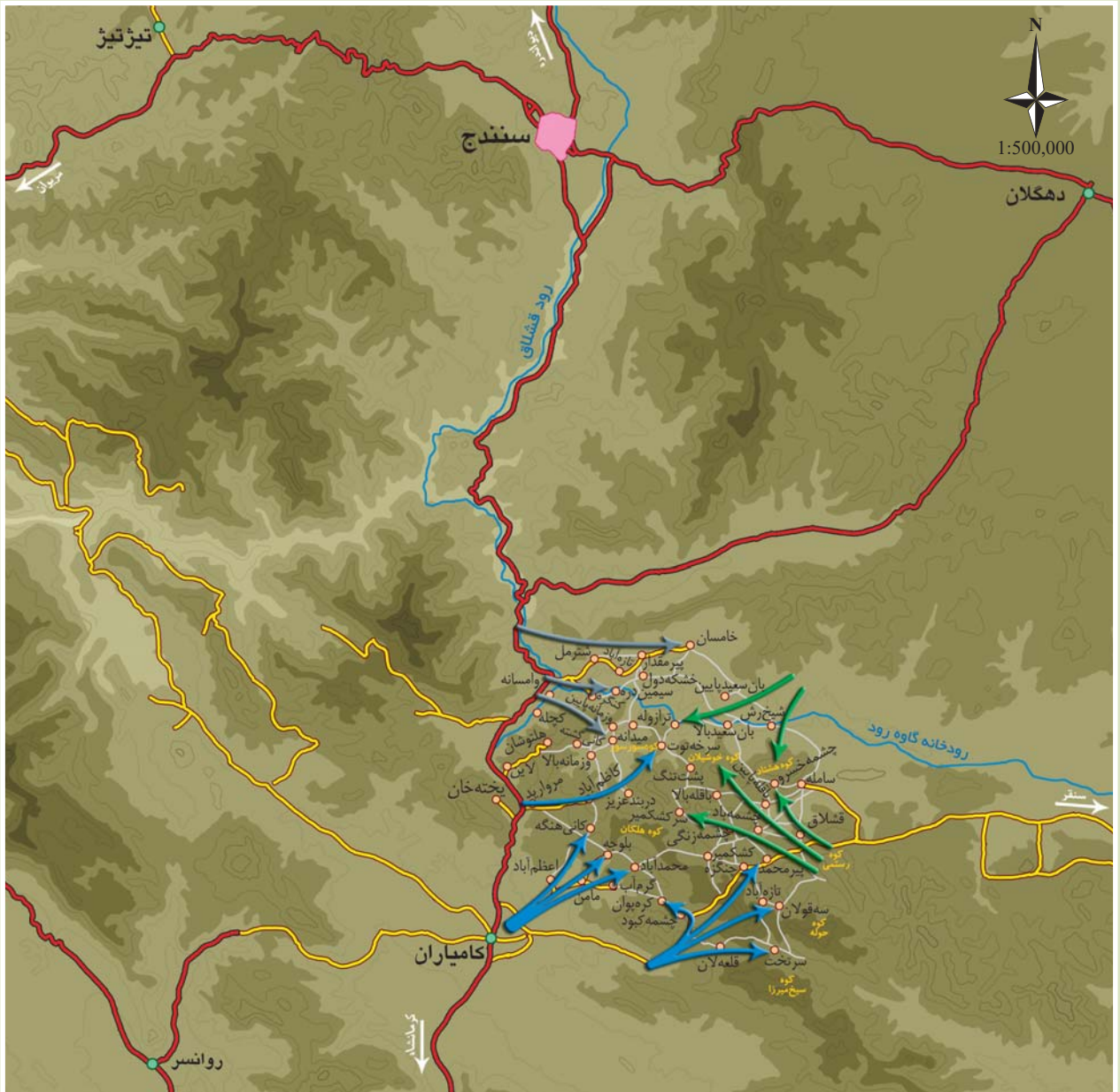
اما پس از هر پاک‌سازی، شورشیان دوباره به مناطق پاک‌سازی شده بازمی‌گشتند و به شرارت‌های خود ادامه می‌دادند. این امر سبب شد تا نیروهای خودی تصمیم بگیرند عملیات وسیعی در این منطقه اجرا کنند. بنابراین، در ۲۶ مرداد ۱۳۶۲، عملیات بزرگی به مدت پانزده روز در این منطقه اجرا شد که در آن ۲۰۰ نفر از نیروهای تجزیه طلب کشته شدند. در این عملیات رزمندگان اسلام چندین خودرو و ده‌ها سلاح سبک و نیمه سنگین به غنیمت گرفتند و امنیت نسبی در منطقه‌ی موچش برقرار شد.

آزادسازی منطقه‌ی موچش



منطقه‌ی موچش در شمال شرقی کامیاران و بین شهرهای کامیاران، سنندج و دهگلان واقع شده است و کوه‌های سورا، دیس، زاجیان، عبدالرحمان، سراج‌الدین و معارف آن را احاطه کرده‌اند. به دلیل موقعیت مناسب این منطقه و دوری آن از جاده‌ی اصلی کامیاران - سنندج، گروه‌های شورشی چند مقرر در موچش و روستاهای اطراف آن ایجاد کرده بودند و با حمله به تأسیسات دولتی و مراکز خدماتی و اجرای کمین در جاده‌ها، امنیت مردم را سلب می‌کردند. برای مقابله با این اقدامات، نیروهای سپاه،

آزادسازی مناطق روستایی کامیاران - سنقر



آزادسازی روستاهای کامیاران - سنقر



منطقه‌ی بیلوار (کامیاران) و کیونانات (سنقر) بین دو استان کردستان و کرمانشاه واقع شده است. روستاهای متعددی در این منطقه وجود دارند که کوه‌های مهمی همچون حسن هلکان، خوشیلان، کهریز، کوه رسمتی، حوله و شیخ میرزا آن‌ها را فرا گرفته‌اند. نیروهای سپاه پاسداران شهرهای کامیاران، سنقر، سنندج و قروه با هم‌راهی پیش‌مرگان مسلمان کرد در ۱۳ آذر ۱۳۶۰ عملیات پاک‌سازی در این منطقه را از سه محور آغاز کردند: در محور اول، ۶۰ نفر از نیروهای سپاه

کامیاران به فرماندهی حاج بهرام احمدی از سه جهت ارتفاعات منطقه را تصرف و سپس روستاهای سه قولان، تازه‌آباد، چنگزه، کشکمیر، پیرمحمد، قلعه‌لان، چشمه کبود، کره‌پوان، گرم آب، مامن، محمدآباد، بلوجه، کانی‌هنگه، کاظم‌آباد، دربند عزیز و سرخه توت را پاک‌سازی کردند. در محور دوم، ۶۰ نفر از نیروهای سپاه سنقر از دو جهت وارد منطقه شدند و روستاهای قشلاق، چشمه باد، چشمه زنگی، باقله پایین، چشمه خسرو، سرکشمیر، باقله بالا، شیخ‌رش، بان سعید بالا و پایین و ترازوله را پاک‌سازی کردند. در محور سوم ۱۰۰ نفر از نیروهای سپاه سنندج و قروه با هم‌راهی ۴۰ نفر از پیش‌مرگان مسلمان حاج میکائیل، به فرماندهی حاج حسین روح‌الامین از دو جهت روستاهای شترمل، تازه‌آباد، پیرمقدار، خشکه دول، خامسان، کنگره، سیمین دره، وزمانه بالا و پایین، صالح‌آباد، کانی‌گشه و میدانه را پاک‌سازی و با نیروهای کامیاران الحاق کردند. در این عملیات، ۳۹ روستای منطقه پاک‌سازی شدند. همچنین، تعدادی سلاح و تجهیزات و اسناد و مدارک فراوانی به غنیمت نیروهای خودی درآمد.

امدادسانی رزمندگان به روستاها



آزادسازی ژاوه رود غربی (عملیات شهدای دولاب)





استفاده از چهارپایان در عملیات ها

آزادسازی ژاوه رود غربی



با هماهنگی قرارگاه حمزه‌ی سیدالشهدا^(ع) و بانام شهدای دولاب^۱ در ۶ فروردین ۱۳۶۱، آغاز شد. در این عملیات ۱۳۰۰ رزمده‌ی پاسدار، ارتشی، ژاندارمری و پیش مرگ مسلمان کرد موفق شدند به مدت دو روز ارتفاعات کوچک سار را تصرف و ضمن انهدام مقرهای شورشیان، روستاهای آویهنگ، بیساران و ۱۸ روستای دیگر را پاک‌سازی کنند.

در این عملیات، ۶۰ نفر از نیروهای ضد انقلاب کشته، حدود ۱۵ نفر مجروح و ۸ نفر اسیر شدند. همچنین وسایل و امکانات مرکز چاپ و انتشارات کومه‌له در روستای آویهنگ به همراه اسناد، مدارک و جزوه‌های گروه‌های ضد انقلاب - که آماده‌ی پخش بودند - در اختیار نیروهای خودی قرار گرفت.

نیروهای ضد انقلاب در این عملیات یکی از رزمندگان به نام مجید نصر را به اسارت گرفتند و پس از شکنجه‌های فراوان، وی را از بالای کوه پرتاب کردند و به شهادت رساندند.

منطقه‌ی ژاوه رود غربی بین شهرهای سنندج و مریوان و در دامنه‌ی شمالی کوه کوچک سار واقع شده و مرکز آن آویهنگ است. گروه‌های شورشی دمکرات و کومه‌له با استقرار در روستاهای این منطقه، همواره در جاده‌ی سنندج-مریوان کمین اجرامی کردند و عبور و مرور در جاده را ناامن و فعالیت ساکنان این منطقه را دچار مشکل کرده بودند. عملیات پاک‌سازی روستاهای این منطقه

آزادسازی منطقه‌ی بینابینی کامیاران - سروآباد



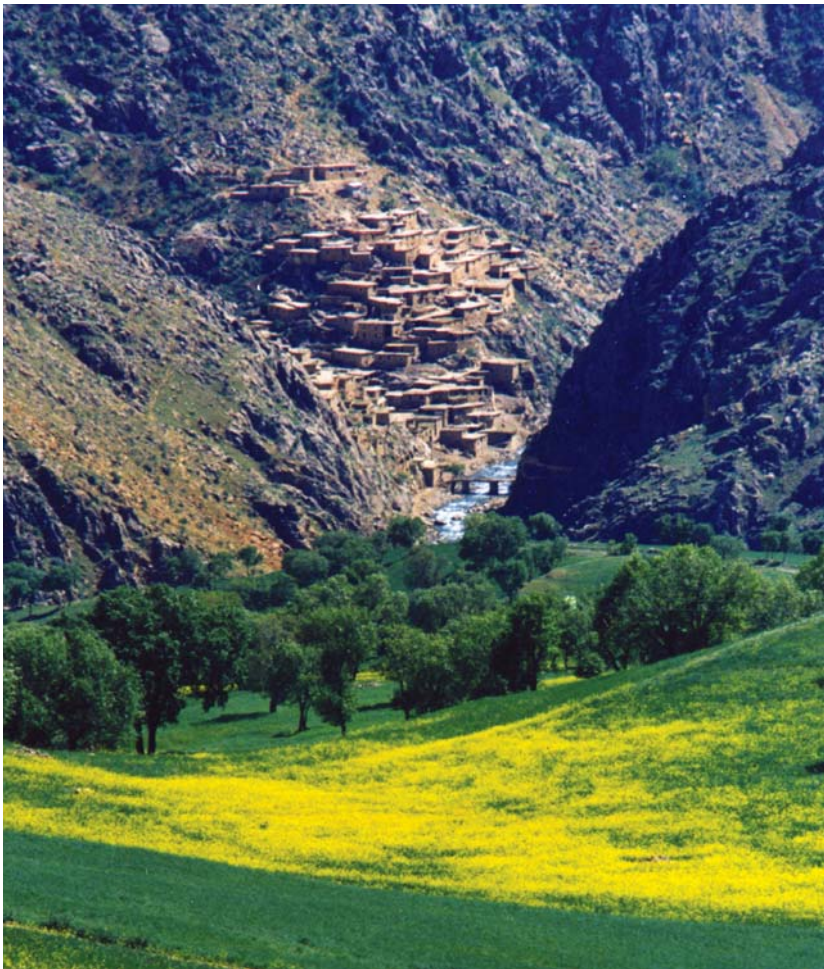
عملیات در این سه محور بعد از هفت شبانه روز، در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ با موفقیت به پایان رسید و ۵۲ نفر از شورشیان کشته شدند و ۲ نفر از آنان به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. این عملیات، پاک‌سازی کامل جاده‌ی کامیاران - سروآباد را به دنبال داشت، اما واحدهای عمل کننده به دلیل کمبود نیرو نتوانستند پایگاه‌های دائمی در جاده ایجاد کنند. به همین دلیل، سپاه‌های کامیاران و مریوان در ۱۳ تیر ۱۳۶۱، عملیات دیگری اجرا کردند و با استقرار پایگاه‌های ثابت، موفق شدند پس از سه سال امنیت را در جاده برقرار کنند.

منطقه‌ی بینابینی کامیاران - سروآباد دارای روستاها، دره‌ها و گردنه‌های متعدد و جاده‌ی به طول ۱۰۰ کیلومتر است که در سال‌های اول پیروزی انقلاب، خاکی و در بعضی نقاط شوسه بود. این جاده برای رفت و آمد بین شهری، چندان استفاده نمی‌شد و بیش‌تر روستاییان محلی از آن تردد می‌کردند. به همین دلیل، گروه‌های شورشی در روستاهای این منطقه با امنیت کامل فعالیت می‌کردند. عملیات پاک‌سازی این منطقه در ۲۶ فروردین ۱۳۶۱ از سه محور مریوان، کامیاران و پاوه آغاز شد:

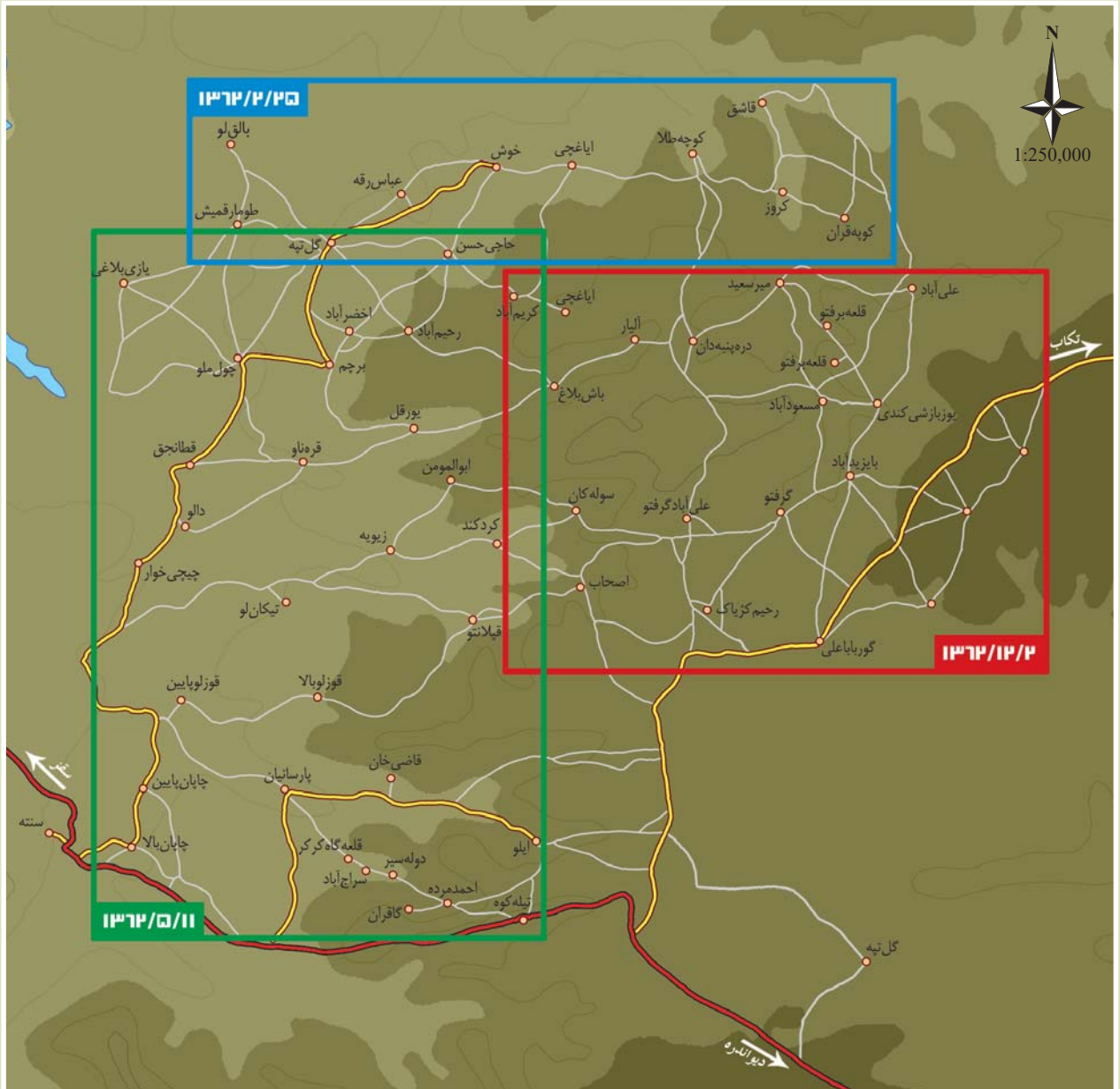
در محور اول، ۱۵۰ نفر از سپاه مریوان و پیش‌مرگان مسلمان کرد به فرماندهی پیش‌مرگ (شهید) عثمان فرشته، با عبور از پلی که جهاد سازندگی شهر کرد روی رودخانه‌ی چشمیدر احداث کرده بود، روستاهای شنار، یوزنان، آریان، ژنبن، سرخه‌توت، دزوند بالا و پایین، ده کانا، تفتین، پالنگان و زمان‌گریوه را پاک‌سازی کردند.

در محور دوم (محور کامیاران)، حدود ۳۵۰ نفر از نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری و پیش‌مرگان مسلمان کرد به فرماندهی برادر (شهید) حسین آقایی روستاهای گاوانه، چرسانه، زیویه، میسوراب، تپله‌کوه، گازرخانی و نیز ارتفاع شیرین سوار و کوه یک‌شبه را پاک‌سازی کردند.

در محور سوم (محور پاوه)، ۵۰ نفر از نیروهای سپاه و پیش‌مرگان مسلمان کرد به فرماندهی برادر انور احمدی ارتفاعات شاهو، بیلاق‌های هانیه و گزیوان و روستاهای گزیوان، پالنگان و تنگی‌ور را پاک‌سازی کردند.



آزادسازی مناطق بینابینی سقز - دیواندره - تکاب





منطقه‌ی بینابینی سقز - دیواندره - تکاب بسیار وسیع است و کوه‌های متعددی در آن واقع شده‌اند. گروه‌های ضد انقلاب با اتکا به وضعیت طبیعی منطقه چندین مقر موقت در آن ایجاد کرده بودند و با هر هجوم رزمندگان متواری می‌شدند و سپس به منطقه بازمی‌گشتند. نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری و پیش‌مرگان مسلمان کرد بارها با حمایت مردم و اجرای چند عملیات به گروه‌های شورشی یورش بردند و آن‌ها را مجبور به فرار کردند. مهم‌ترین این عملیات‌ها عبارت بودند از:

عملیات ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۲، با نام "یا حسین (ع)" که در منطقه‌ی بالقلو تا کوپه قرآن انجام شد. در این عملیات ۱۵ نفر از نیروهای کومه‌له کشته شدند و غنایم فراوانی به دست رزمندگان افتاد. همچنین، روستاهای بالقلو، طومار قمیش، گل‌تپه، حاجی‌حسن، خوش‌قشلاق، ایاغچی، کوچ‌طلا، قاشق، کروز و کوپه قرآن پاک‌سازی شدند.

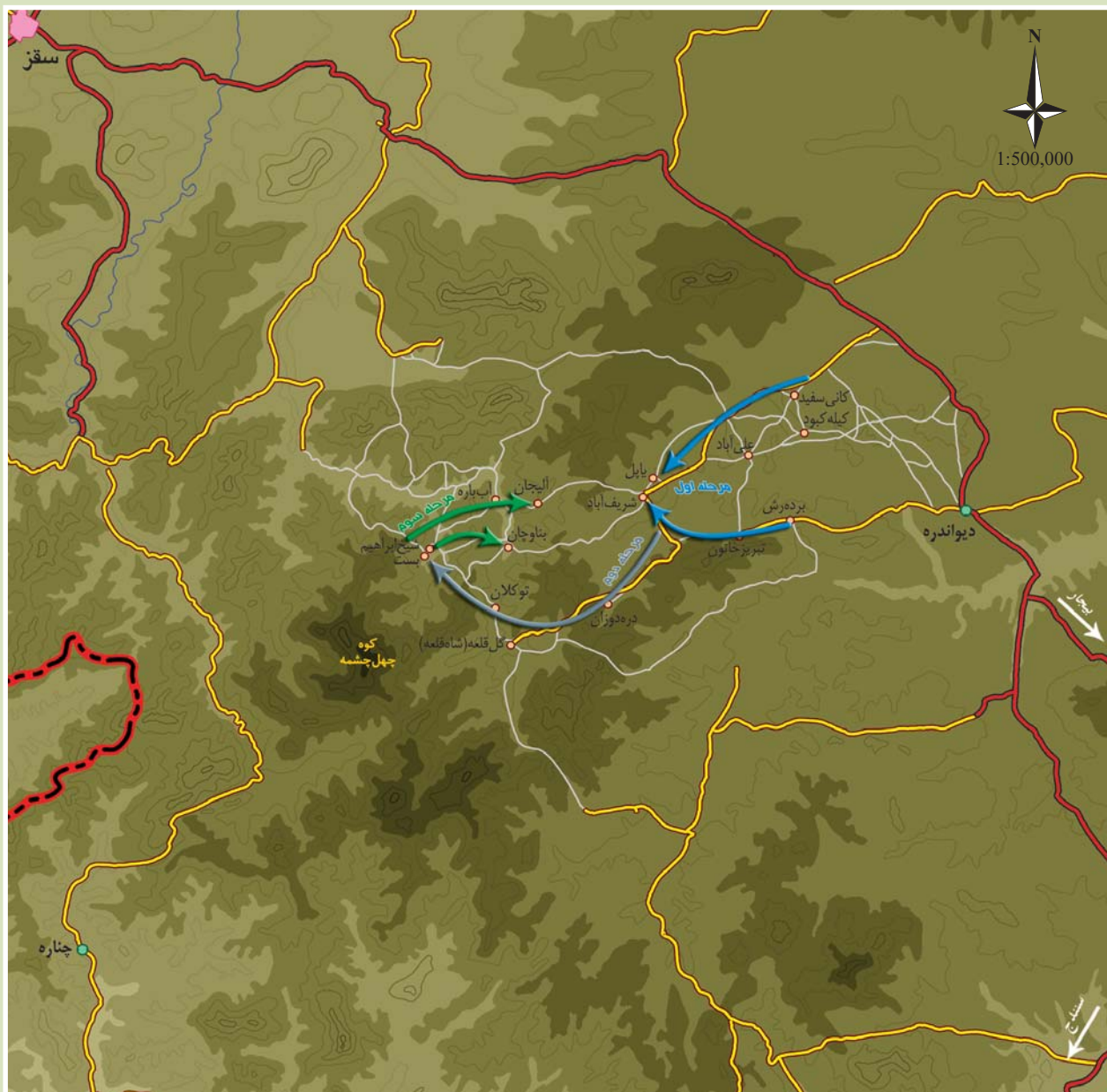
عملیات ۱۱ مرداد ۱۳۶۲، که با تلاش نیروهای تیپ قدس سپاه و گردان‌های جندالله سپاه سقز، تکاب، دیواندره و بیجار در منطقه‌ی گل‌تپه تا تپه کوه اجرا شد که در آن ۲۸ روستای منطقه و ارتفاعات مشرف بر آن پاک‌سازی شدند. همچنین، در این عملیات ۲۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و ۶ نفر دیگر اسیر شدند. عملیات ۲ اسفند ۱۳۶۲، که در منطقه‌ی ایاغچی تا کرفتو انجام شد و طی آن ۲۰ روستای منطقه پاک‌سازی و ۶۶ نفر از نیروهای تجزیه طلب کشته یا دست‌گیر شدند.

سنگر کمین پیش‌مرگان مسلمان کرد



عملیات شهید کاظمی

۹۷



عملیات شهید ناصر کاظمی



کردستان) را در اولین سالگرد شهادت وی به مدت چهار روز در دو مرحله اجرا کرد: در مرحله ی اول این عملیات با استفاده از اطلاعات دریافتی از یکی از نیروهای گروه کومه له که تسلیم شده بود، رزمندگان روستاهای کانی سفید، کیله کبود، برده رش، تبریز خاتون، یاپیل و شریف آباد را پاک سازی کردند.

در مرحله ی دوم، روستاهای دره دوزان، شاقلعه، توکلان، بست و شیخ ابراهیم و در مرحله ی سوم این عملیات، روستاهای بناوچان، آب باره و آلیجان پاک سازی شدند.

در نتیجه ی این عملیات ۵۶ نفر از شورشیان، از جمله سروان اقبال کریمی افسر فراری ارتش - که فرماندهی هیز شریف زاده از حزب دمکرات را به عهده داشت - کشته شد و رزمندگان و سایل و تجهیزات فراوانی مانند خودرو، دستگاه های تایپ و تکثیر و سلاح های سبک و نیمه سنگین به غنیمت گرفتند.

به دلیل طولانی شدن مدت عملیات و کمبود نیرو، بعد از پایان عملیات پایگاه های ثابت در همه ی منطقه ایجاد نشد.

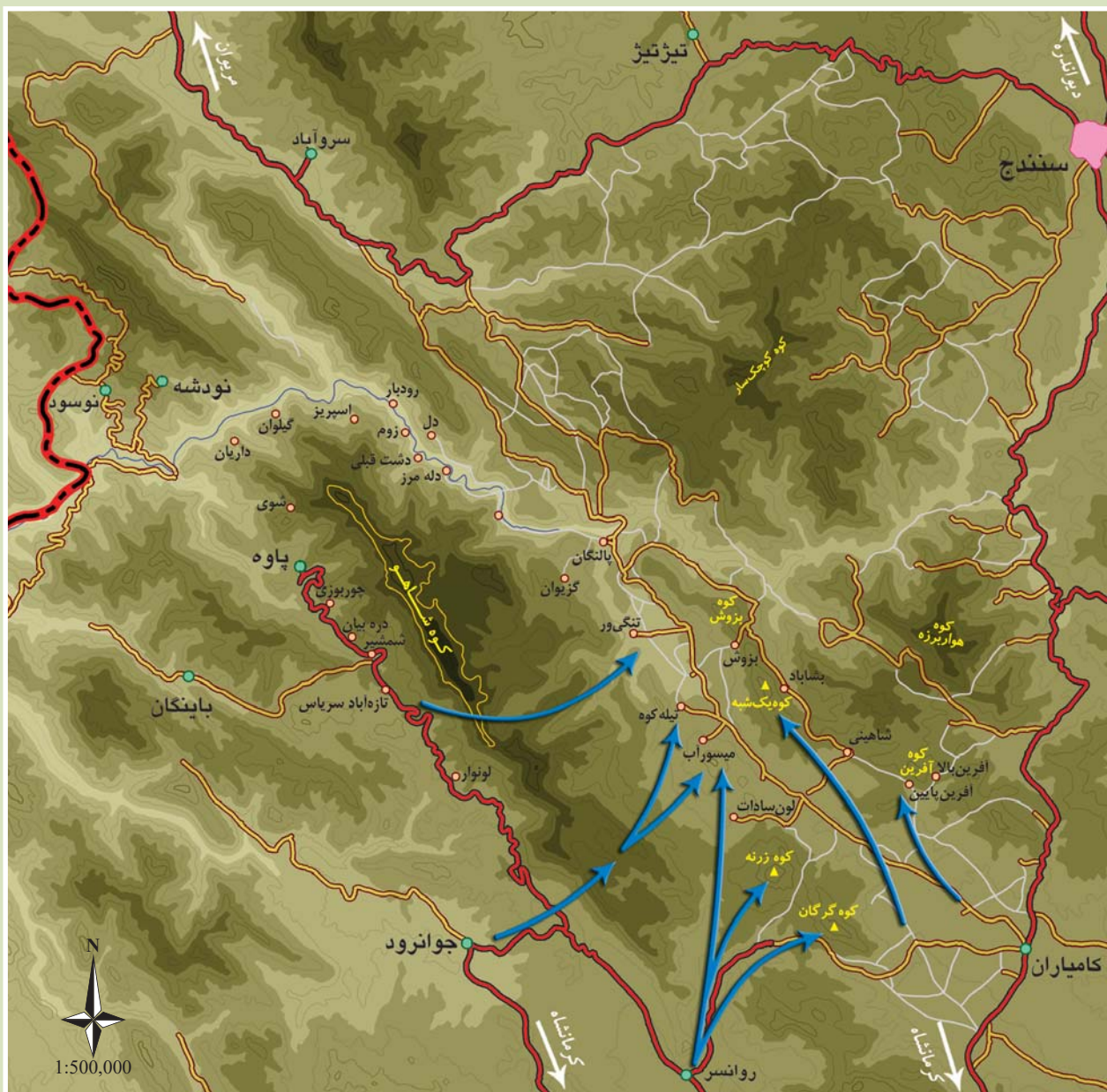
کوه چهل چشمه در جنوب سقز و غرب دیواندره واقع شده است و در دامنه های آن روستاهای متعددی قرار دارند. گروه های ضد انقلاب با استقرار در این روستاها، ضمن ایجاد ناامنی در میان مردم، به آسانی از مرز شیلر به عراق رفت و آمد و سلاح و تجهیزات به ایران منتقل می کردند.

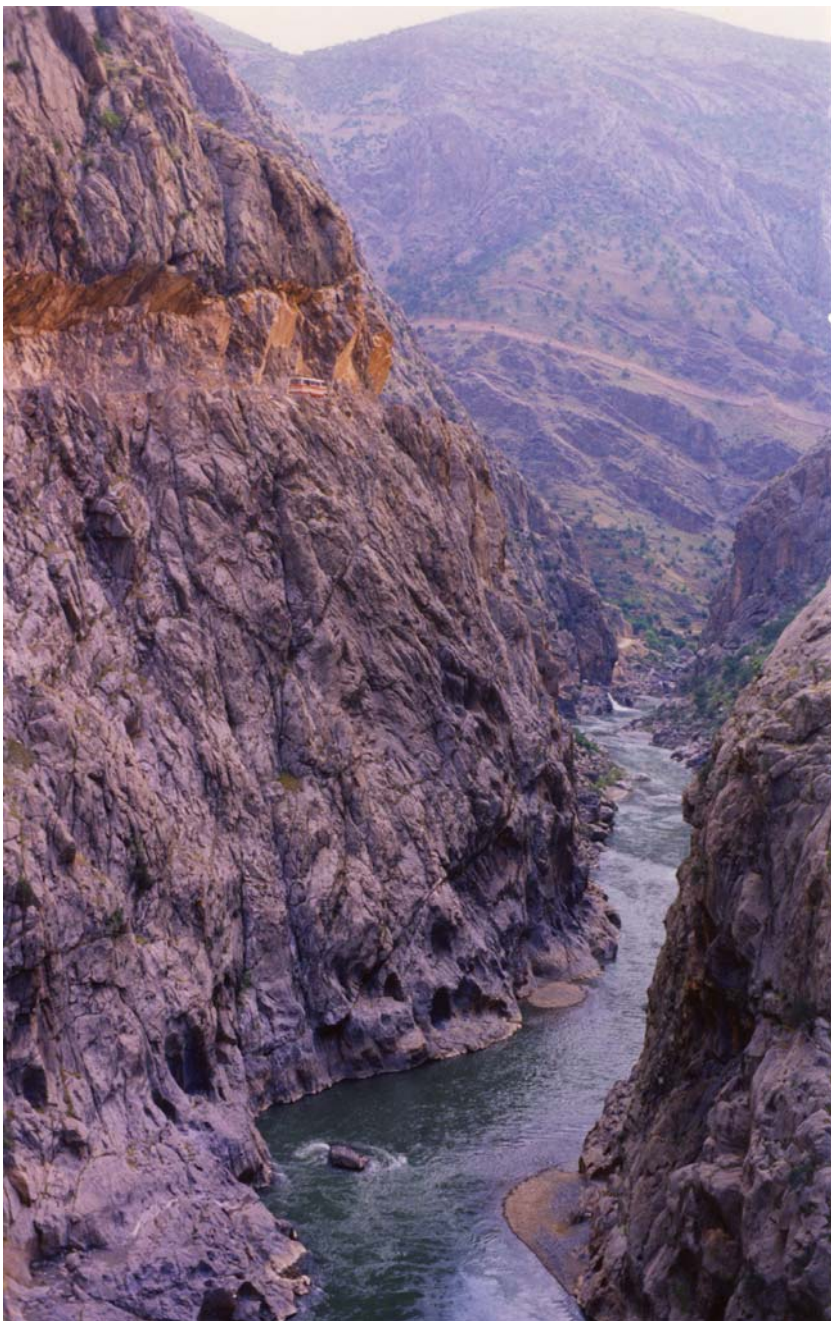
قرارگاه حمزه ی سیدالشهدا^(ع) با به کارگیری تیپ قدس سپاه و گردان های جنرال الله سندج، دیواندره، سقز و پیش مرگان مسلمان کرد در ۲۷ مرداد ۱۳۶۲، عملیات "شهید ناصر کاظمی" (فرمانده ناحیه ی

شلیک خمپاره برای پشتیبانی آتش از نیروهای عملیاتی



عملیات شهید حسینی





عملیات شهید حسینی

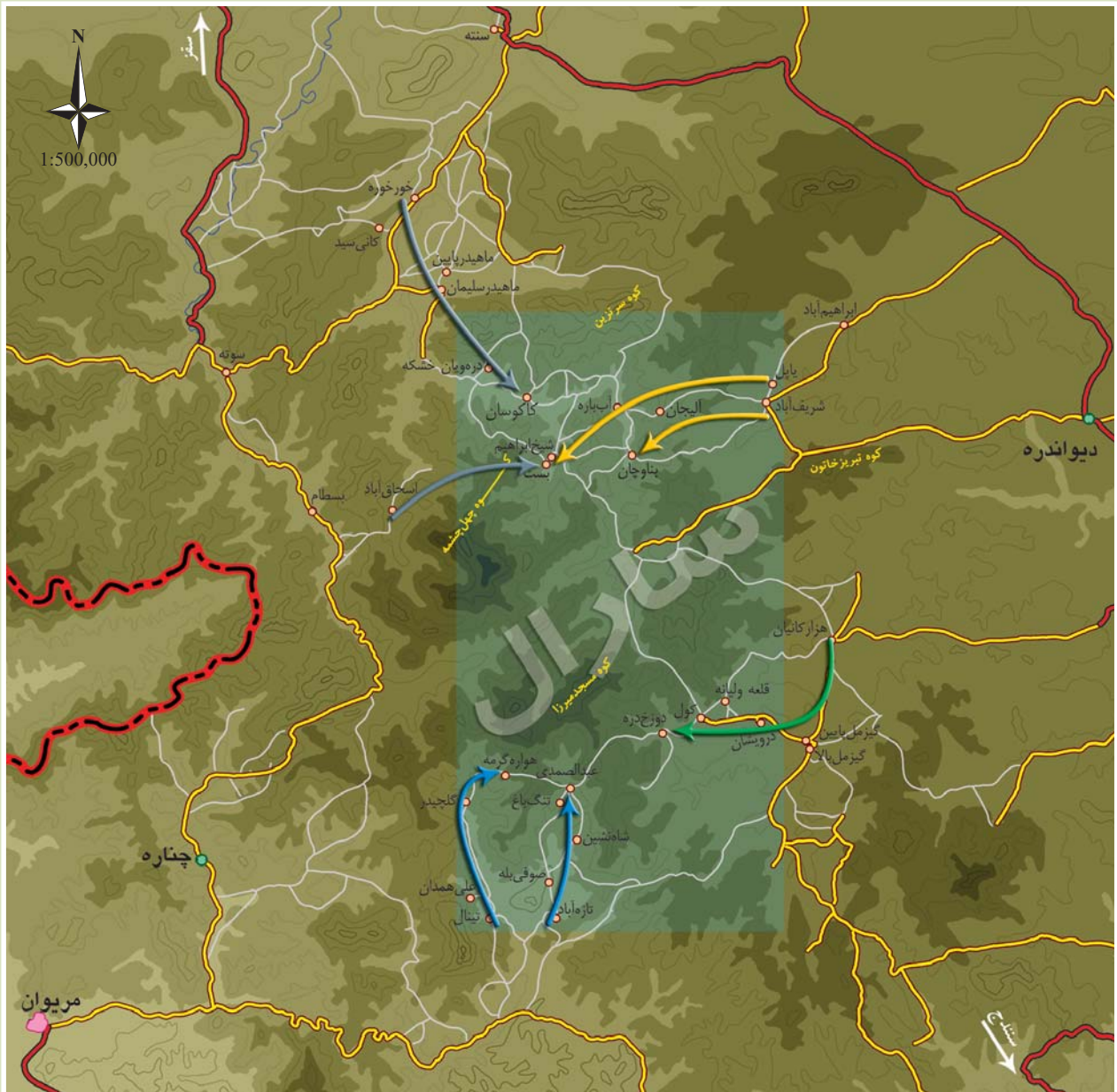


نماز جماعت رزمندگان در ساختمان سپاه

منطقه‌ی کوهستانی شاهو به طول تقریبی ۵۰ کیلومتر، بین استان‌های کردستان و کرمانشاه واقع شده است. وجود بیابان‌های متعدد در ارتفاعات این منطقه و دوری آن از شهرها سبب شده بود گروه‌های شورشی چندین ماه از سال را در آن جا مستقر شوند و در روستاها و جاده‌های اطراف منطقه به شرارت پردازند. به همین دلیل، سپاه پاسداران با ایجاد هماهنگی بین سپاه‌های کردستان و کرمانشاه در ۲۳ شهریور ۱۳۶۲، عملیاتی را به نام شهید سیدرضا حسینی (فرمانده سپاه سقز) آغاز کرد.

پاسداران، پیش‌مرگان مسلمان کرد و بسیجیان کامیاران، مریوان، روانسر و پاوه از چند محور عملیات را آغاز و ارتفاعات شاهو، زرنه، گرگان، بزوش، یک‌شبه و آفرین و ۳۰ روستا را پاک‌سازی کردند. در این عملیات، ۴۰ نفر از نیروهای حزب دمکرات و کومه‌له کشته، ۳۸ نفر اسیر و ۱۵ نفر تسلیم شدند و تجهیزات و اسناد فراوانی به غنیمت رزمندگان درآمد.

عملیات قائم (عج) - منطقه‌ی سارال





گروه ضربت سپاه بانه

عملیات قائم (عج)



منطقه‌ی سارال و خورخوره، بین شهرهای دیواندره، سنندج و مریوان واقع شده است و کوه‌های چهل چشمه، سرتزین، تبریزخاتون و مسجد میرزا آن را احاطه کرده‌اند. بعد از آزادسازی شهرها، حزب دمکرات و گروه کومه‌له در روستاهای دورافتاده‌ی این منطقه مقرهایی ایجاد و نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از نیروهای خود را در آن‌ها مستقر کردند. این گروه‌ها تعدادی از مردم مسلمان کرد و رزمندگان اسیر شده را نیز در روستای بست زندانی کرده بودند.

قرارگاه حمزه‌ی سیدالشهدا^(ع) برای آزادسازی منطقه‌ی سارال و خورخوره، عملیات قائم را طراحی و در ایام میلاد حضرت

ولی عصر^(عج) در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۳، با به کارگیری چهار قرارگاه فرعی، اجرا کرد:

۱. قرارگاه شهید مصطفی طیاره به فرماندهی برادر غلامرضا جلالی، با ۹ گردان از تیپ ویژه‌ی شهید، تیپ قدس و گردان جندالله سقز در دو محور خورخوره - کاکوسان و اسحاق آباد - بست، عملیات خود را با موفقیت انجام داد.

۲. قرارگاه شهید محمدجلیل مرادی به فرماندهی برادر (شهید) حسین روح الامین، با ۶ گردان از تیپ شهید بروجردی و گردان‌های جندالله نقره و مهاباد در محور شریف آباد - بست عملیات خود را با موفقیت انجام داد و با قرارگاه شهید طیاره الحاق کرد.

۳. قرارگاه شهید کرمی به فرماندهی برادر (شهید) محمدرضا افیونی، با ۵ گردان شامل گردان‌های محمد رسول الله^(ص) دیواندره، بیجار و قروه و گردان جندالله سنندج در محور هزارکایان - کول - دوزخ دره، روستاهای منطقه‌ی مأموریت خود را پاک‌سازی کرد.

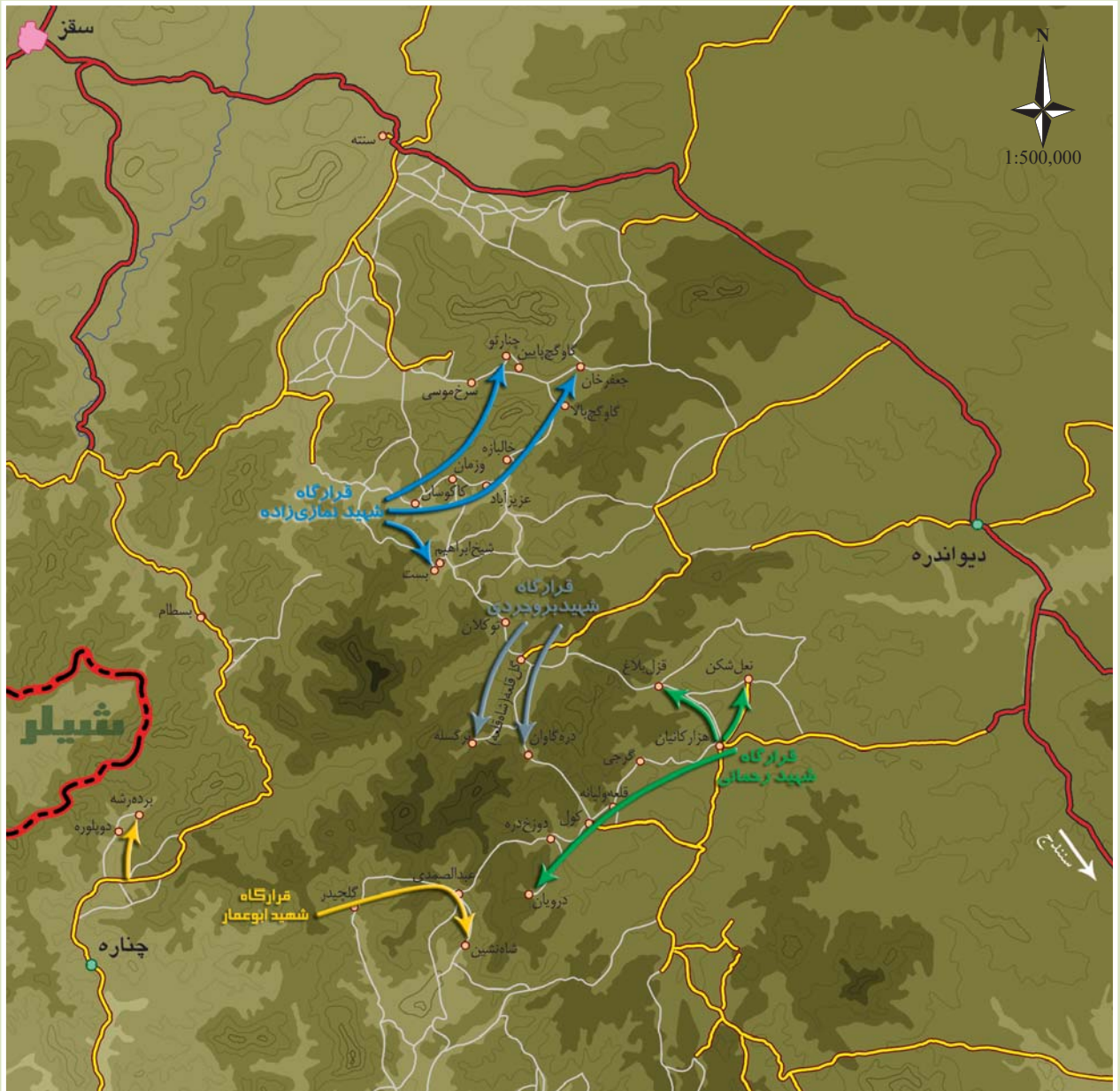
۴. قرارگاه شهید قمری به فرماندهی برادر حسن رستگار پناه، با ۶ گردان از تیپ قدس، سپاه مریوان و سپاه کامیاران در محور تینال - گلچیدر - عبدالصمدی ضمن پاک‌سازی روستاهای منطقه‌ی مأموریت خود، با قرارگاه شهید کرمی الحاق کرد.

در این عملیات بزرگ، ۱۲۰۰ کیلومتر مربع از مناطق آلوده و ۷۰ روستای منطقه پاک‌سازی شد و ۷۵ نفر از نیروهای شورشی کشته، ۵۵ نفر مجروح و ۱۴۰ نفر تسلیم شدند. همچنین، ۱۴۰ قبضه سلاح نیمه‌سنگین، ۱۰۰ قبضه سلاح سبک و ۳۰ دستگاه انواع بی‌سیم به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد.

در عملیات قائم^(عج) ۲۵ نفر از پاسداران شهید و ۵۵ نفر مجروح شدند و ۱۱ نفر از نیروهایی که در زندان نیروهای ضد انقلاب گروگان بودند، آزاد شدند. بعد از این عملیات، نیروهای خودی ۲۶ پایگاه دائمی در این منطقه برپا کردند.

عملیات انصارالله

۱۰۳





عملیات انصارالله

پس از عملیات قائم^(ع)، به دلیل کمبود نیروی انسانی در برخی روستاهای منطقه پایگاه دائمی ایجاد نشد. بنابراین، گروه‌های ضد انقلاب دوباره به این روستاها بازگشتند. در همین ایام، بین دو گروه کومه‌له و دمکرات اختلافاتی ایجاد شد که به درگیری آن‌ها انجامید و از ۶ بهمن ۱۳۶۳ تا ۱۰ خرداد ۱۳۶۴، ادامه یافت. در اواسط خرداد ۱۳۶۴، گروه کومه‌له از میدان رویارویی با گروه دمکرات گریخت و به منطقه‌ی سارال و خورخوره (حد فاصل سقز، دیواندره، سنندج) رفت.

در این وضعیت، قرارگاه حمزه‌ی سیدالشهدا^(ع) با هدف پاک‌سازی منطقه‌ی سارال و خورخوره و سوق دادن گروه کومه‌له از این منطقه به محل استقرار گروه دمکرات و ایجاد درگیری مجدد بین این دو گروه، عملیاتی را طراحی کرد. این عملیات، با نام

عملیات انصارالله از ۲۱ خرداد ۱۳۶۴ آغاز و به مدت ۲۰ روز، با فرماندهی چهار قرارگاه فرعی در منطقه‌ی حد فاصل شهرهای سقز، دیواندره و سنندج به این شرح اجرا شد:

۱. قرارگاه شهید نمازی زاده با دو گردان از سپاه، یک گردان از ژاندارمری و یک گروهان از ارتش روستاهای کاکوسان، بست، وزمان، عزیزآباد، خالبازه، گاوگچ بالا، جعفرخان، سرخ موسی، چنارتو و گاوگچ پایین را پاک‌سازی کرد.
۲. قرارگاه شهید بروجردی با سه گردان از رزمندگان اسلام، روستای نرگسله و دره گاوان را پاک‌سازی کرد.
۳. قرارگاه شهید رحمانی با چهار گردان از نیروهای سپاه، روستاهای درویان، دوزخ دره، گرجی، غزل بلاغ و نعل شکن را پاک‌سازی کرد.
۴. قرارگاه شهید ابوعمار با چهار گردان از نیروهای سپاه مریوان و سپاه کامیاران، روستاهای گلچیدر، عبدالصمدی، شاه‌نشین و سپس روستاهای دوپلوره و برده رش واقع در جنوب شیلر را پاک‌سازی کرد.

در این عملیات بیش از ۷۶ تن از نیروهای ضد انقلاب از جمله سرگرد عبدالکریم علیار از پرسنل فراری ارتش و عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات، ابوبکر سقزی مسئول حفاظت قاسملو و عبدالکریم حسینی معروف به بابا شیخ (پسر شیخ جلال حسینی) کشته و ۴۲ تن زخمی و ۴ تن اسیر شدند.

در این عملیات، از نیروهای خودی ۱۸ تن شهید و ۳۷ تن مجروح شدند. ۳۰ تن از بسیجی‌های بومی نیز که در اسارت گروه‌های ضد انقلاب بودند، آزاد شدند. بعد از عملیات انصارالله ۲۴ پایگاه دائمی در منطقه ایجاد شد تا امنیت در منطقه برقرار شود.

حضور پیش‌مرگان کرد و مردم بومی در مسجد





فصل ٦

تأمين مرز



مناطق مرزی آزاد شده





وابستگی گروه‌های ضد انقلاب و تجزیه طلب به حکومت عراق، مرز مشترک استان کردستان با عراق و دخالت‌های فراوان حکومت بعثی در امور داخلی ایران، پشتیبانی‌های نظامی، سیاسی و مالی صدام حسین از این گروه‌ها را در پی داشت. نیروهای ضد انقلاب که به آن سوی مرز و به داخل کشور عراق گریخته بودند، با استفاده از معابر مرزی به داخل کشور و استان کردستان نفوذ می‌کردند و پس از اجرای عملیات علیه مردم و نیروهای مسلح، دوباره به عراق پناه می‌بردند. در واقع، نیروهای خودی بدون بستن مرز و تأمین آن، نمی‌توانستند امنیت استان را تضمین و برقرار کنند. بنابراین، نیروهای سپاه پاسداران، ارتش و ژاندارمری پس از آزادسازی شهرها، محورهای مواصلاتی و مناطق بینابینی، تلاش جدیدی را برای بستن مرز و تأمین آن آغاز کردند. علاوه بر این، بعد از هجوم سراسری عراق به ایران، یگان‌های ارتش عراق در این منطقه نیز پیشروی کردند و روی ارتفاعات حساس منطقه مستقر شدند. آن‌ها ضمن سلطه بر مناطق پدافندی از نیروهای ضد انقلاب نیز حمایت می‌کردند. در چنین وضعیتی، نیروهای خودی برای تسلط بر مرزهای کشور در این منطقه، می‌بایست دو شیوه‌ی نبرد را برمی‌گزیدند و دو نوع جنگ را اجرا می‌کردند. ابتدا با شیوه‌ی جنگ نامنظم و چریکی به نبرد با نیروهای ضد انقلاب و تجزیه طلب می‌پرداختند و سپس با اتکا به شیوه‌های جنگ منظم با ارتش متجاوز عراق مقابله می‌کردند. این دو شیوه‌ی جنگ با هدف برقراری امنیت داخلی استان کردستان و تأمین مرزهای کشور در محدوده‌ی این استان انجام می‌شد. اجرای این عملیات‌ها وقتی پیچیده‌تر می‌شد، که ارتش عراق با به‌کارگیری نیروی هوایی و استفاده از هلی‌کوپتر و توپ‌خانه از نیروهای ضد انقلاب پشتیبانی می‌کرد و نیروهای خودی را زیر آتش‌های سنگین و پرحجم خود قرار می‌داد. به همین دلیل، فرماندهی این عملیات‌ها دشوارتر بود. در هر حال، فرماندهان سپاه، ارتش و ژاندارمری در صدد برآمدند، با وجود دشواری‌های نبرد، نیروهای ضد انقلاب و ارتش عراق را در نواحی مرزی سرکوب کنند. نخستین اقدام آنان طراحی و اجرای عملیات‌هایی بود که می‌توانست دو هدف مذکور را محقق کند.

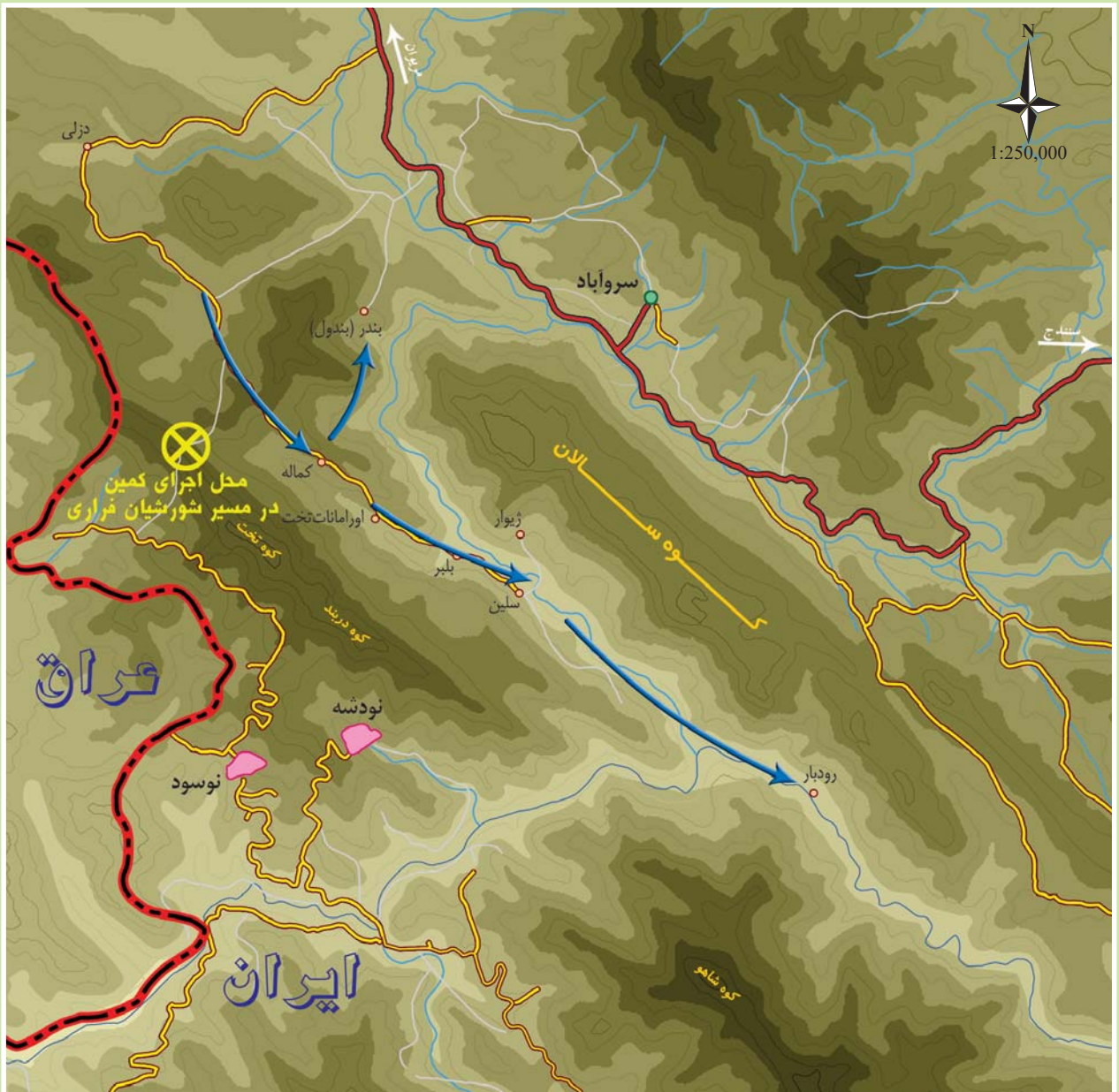
ردیف	نام عملیات	تاریخ عملیات	منطقه عمومی	منطقه نبرد
۱	-	۱۳۶۰/۷/۱۵	شهرستان مریوان - پاوه	اورامان تخت
۲	بعثت	۱۳۶۲/۲/۱۲	شهرستان بانه	آلوت - نور
۳	وحدت	۱۳۶۲/۹/۷	شهرستان بانه	بلکه - سورکوه
۴	شهید هادوی	۱۳۶۳/۳/۸	بانه - سقز - مریوان	سرشیو
۵	غدیر خم	۱۳۶۴/۶/۱۰	شهرستان بانه	بلکه - بوالحسن



خلبان علی اکبر شیروودی

عملیات اورامان تخت

۱۰۹





منطقه‌ی اورامان تخت در جنوب مریوان، بین شهرهای مریوان و نوسود واقع شده است و رشته کوه دربند و کوه سالان در دو طرف آن قرار دارند. این منطقه در سلطه‌ی نیروهای سپاه رزگاری (رستگاری) وابسته به شیخ عثمان نقشبندی بود. وی نزدیک به ۳۰۰ نفر از نیروهای خود را در این منطقه مستقر کرده بود و با ایجاد چندین مقر و پایگاه، امنیت مردم و منطقه را تهدید می‌کرد. نیروهای این حزب با استفاده از امکانات ارتش عراق افزون بر ایجاد نامنی، اخبار و اطلاعات نیروهای خودی را به استخبارات عراق گزارش می‌دادند.

سپاه مریوان برای سرکوب نیروهای شورشی و تأمین منطقه‌ی مرزی اورامان تخت، در ۱۵ مهر ۱۳۶۰، حدود ۲۰۰ نفر از پاسداران و پیش مرگان مسلمان کرد را به فرماندهی برادر عثمان فرشته (مسئول عملیات سپاه مریوان) به این منطقه اعزام کرد. در عملیات رزمندگان، روستاهای اورامان تخت، بندول، کماله، ژیوار، بلبر، سلین و رودبار پاک‌سازی و ۲۰ نفر از نیروهای حزب رزگاری کشته و ۹۵ نفر هم تسلیم شدند. با اجرای این عملیات، باقی‌مانده‌ی نیروهای این حزب به داخل خاک عراق گریختند.

به دنبال فرار نیروهای رزگاری، رزمندگان ایران آن‌ها را تعقیب کردند و مسیر فرار یک گروه از آن‌ها را که ۶ اسیر ایرانی را همراه خود داشتند، بستند. با اجرای این کمین در منطقه‌ی مرزی کیمنه (شمال هانی گرمه) و ایجاد

درگیری میان نیروهای خودی و نیروهای رزگاری، شورشیان خسارات فراوانی متحمل شدند. در این عملیات اسیران ایرانی آزاد و ۱۸ نفر از نیروهای ضد انقلاب دست‌گیر شدند. اجرای موفقیت‌آمیز این عملیات، روحیه‌ی دشمن را به شدت تضعیف کرد، طوری که بعد از این عملیات ۹۰ تن از افراد ضد انقلاب تسلیم نیروهای خودی شدند. در مجموع، حدود ۱۸۵ نفر از آنان در حین اجرای عملیات و پس از آن تسلیم رزمندگان شدند. نیروهای خودی پس از این عملیات با استقرار ۱۳ پایگاه دائمی، امنیت منطقه‌ی پاک‌سازی شده‌ی اورامان تخت را برقرار کردند.

عملیات بعثت





بخش‌های آلتوت و نور در جنوب شهر بانه و در شمال دشت شیلر عراق واقع شده‌اند. در ارتفاعات این منطقه که پوشیده از درختان جنگلی است، نیروهای حزب دمکرات، کومه‌له و خبات که از پشتیبانی ارتش عراق برخوردار بودند، حضوری فعال داشتند. در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲، هم‌زمان با ایام بعثت حضرت رسول اکرم (ص)، یگان‌های سپاه، ارتش، ژاندارمری و پیش‌مرگان مسلمان کرد عملیات آزادسازی جاده‌های مرزی، پاک‌سازی روستاها و تصرف و تأمین ارتفاعات مرزی بخش‌های آلتوت و نور را آغاز کردند. این عملیات در شش مرحله و مدت یک ماه اجرا شد.

مرحله‌ی اول در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۲ آغاز شد که با اجرای آن ۱۵ کیلومتر از جاده‌ی آرم‌ده - بلکه و روستاهای بلکه، کانی چولکه و شهرک آرم‌ده پاک‌سازی و ارتفاعات منطقه تأمین شدند.

مرحله‌ی دوم در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۲ آغاز شد که ۲۴ کیلومتر از جاده‌ی بانه - هنگ‌ژال آزاد شد و روستاهای بوبین سفلی، گوئیزله و شهرک‌های نور و عباس‌آباد پاک‌سازی شدند. همچنین، ارتفاعات مرزی نهنی و هنگ‌ژال تصرف گردید.

مرحله‌ی سوم در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۲ آغاز شد که آزادسازی جاده‌ی زرور - آلتوت به طول ۲۵ کیلومتر، پاک‌سازی روستاهای زرور بالا و پایین، بوالحسن و برده بوک و تصرف کوه کاگر را به دنبال داشت و به تصرف مقرهای نیروهای ضد انقلاب از جمله مقر

سازمان منافقین انجامید.

مرحله‌ی چهارم در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۲ آغاز شد که بعد از پاک‌سازی روستاهای سوراب، کانی سیف، سرداب، اشترآباد، کانی دزدان، کلاه دول، اشترمل و باشوان، ارتفاعات مهم آسمان‌بین به همت رزمندگان تصرف و پاسگاه مرزی رستمی دوباره فعال شد.

مرحله‌ی پنجم در ۳ خرداد ۱۳۶۲ آغاز شد که با اجرای این مرحله روستاهای همه‌رسید، صالح، انجینه ابراهیم، چومان، گیوه رود، گله سور، برده رش و سرسول پاک‌سازی و پاسگاه‌های مرزی نجینه و چومان به تصرف نیروهای خودی درآمدند.

مرحله‌ی ششم در ۸ خرداد ۱۳۶۲ با پاک‌سازی ۳ روستای بانوان، کنده سوره و چمپارو آغاز شد و در ادامه، ارتفاعات مرزی شاخ اشکوت به تصرف نیروهای خودی درآمد.

در این عملیات، از نیروهای خودی ۱۴ نفر شهید و ۳۱ نفر مجروح گردیدند و ۵۳ نفر از نیروهای شورشی کشته شدند. همچنین، یک نفر اسیر شد.

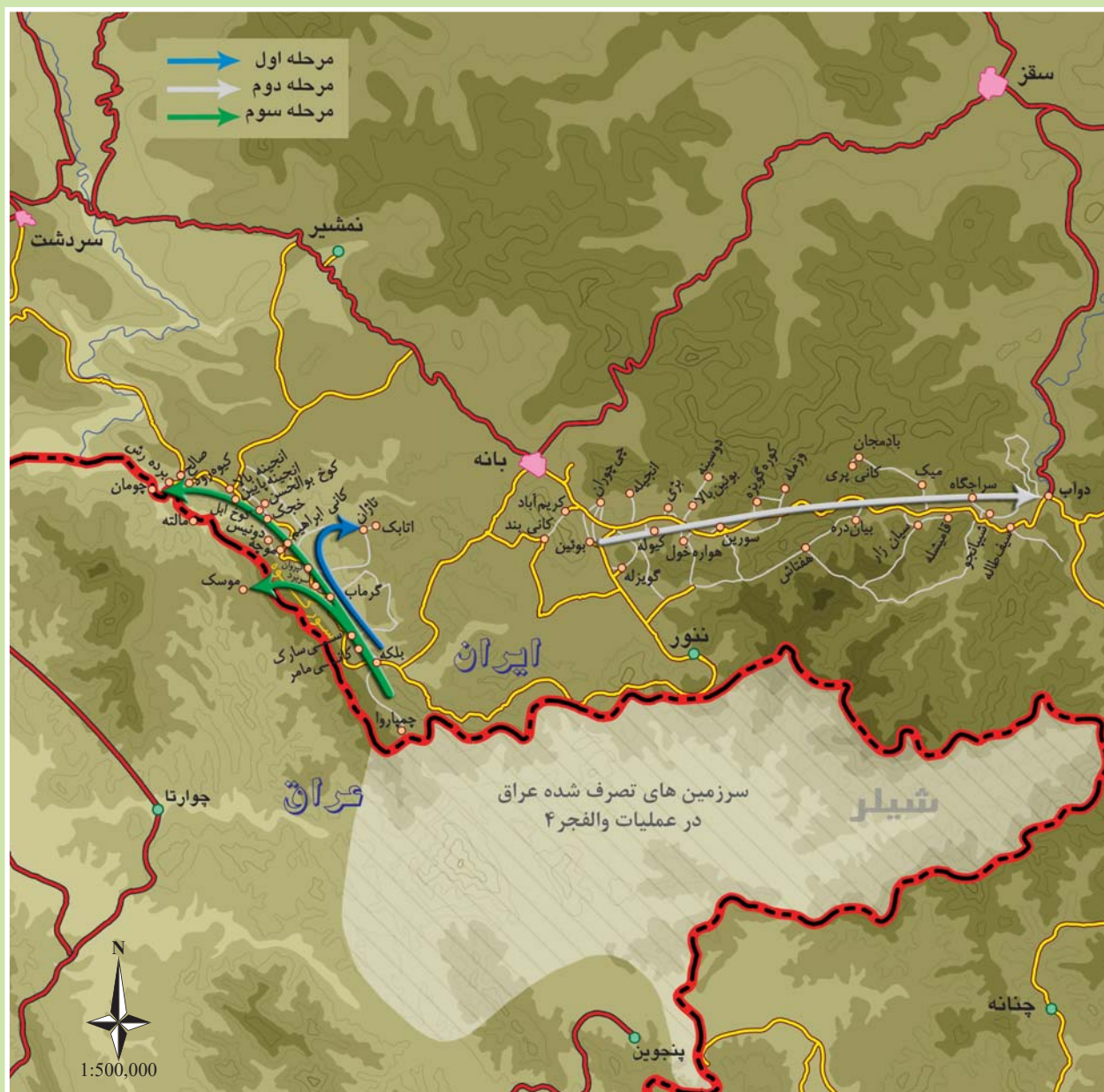
علاوه بر این، در جنوب بانه به طور کامل امنیت برقرار شد، طوری که چند ماه بعد در طراحی عملیات بزرگ والفجر ۴ از این منطقه برای تعقیب ارتش متجاوز عراق بهره برداری شد.

توپخانه‌ی نیروهای خودی در حال اجرای آتش



عملیات وحدت

۱۱۳





آیت‌الله خاмене‌ای در جمع مردم روستای درزی



رزمنده‌ی بسیجی و پیش‌مرگ مسلمان کرد

جنوب بانه با عملیات بعثت تأمین شده بود، اما جنوب غربی و شرقی بانه همچنان ناامن بود. گروه‌های ضد انقلاب با تردد شبانه از دره‌ها و ارتفاعات این منطقه به عراق، موجب نگرانی نیروهای خودی شده بودند. بنابراین، قرارگاه حمزه‌ی سیدالشهدا^(ع) هم زمان با هفته‌ی وحدت در سال ۱۳۶۲، عملیات پاک‌سازی روستاها و ارتفاعات منطقه‌ی بانه را در سه مرحله آغاز کرد: مرحله‌ی اول در ۷ آذر ۱۳۶۲ آغاز شد و با پاک‌سازی ۴ روستای گرماب، نیروان، تازان و دونیس به پایان رسید.

مرحله‌ی دوم در ۲۳ آذر ۱۳۶۲ آغاز شد و با پاک‌سازی ۱۰ روستا در حد فاصل بوین تا دوآب و ۳۵ کیلومتر از جاده‌ی بانه - مریوان به پایان رسید. مرحله‌ی سوم در ۸ دی ۱۳۶۰ آغاز شد که در آن ۳۰ کیلومتر از جاده‌ی بلکه - چومان آزاد شد و حدود ۳۰ روستا پاک‌سازی شدند و ارتفاعات مهم سورکوه نیز به تصرف رزمندگان سپاه درآمد. همچنین با نفوذ یگانی از سپاه پاسداران به روستای موسک در عمق ۱۰ کیلومتری خاک عراق، انبار مرکزی مهمات گروه‌های ضد انقلاب منهدم شد. در عملیات وحدت ۲۳۰ نفر از نیروهای شورشی کشته یا زخمی و ۱۵ نفر نیز دست‌گیر شدند.



منطقه‌ی سرشپو، بین شهرهای بانه، سقز و مریوان در مجاورت دشت شیلر عراق واقع شده است و کوه‌های مرتفعی روستاهای این منطقه را فرا گرفته‌اند. این منطقه‌ی کوهستانی حدود پنج سال در کنترل گروه‌های ضد انقلاب قرار داشت و حدود ۴۰۰ نفر از نیروهای حزب دمکرات، گروه کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در این منطقه مستقر بودند و ضمن ایجاد ناامنی در ایران، برای ارتش بعث عراق نیز جاسوسی می‌کردند.

این در حالی بود که با پیروزی عملیات بزرگ والفجر ۴ در منطقه‌ی شیلر و پنجوین و استقرار نیروهای منظم خودی در مناطق تصرف شده از خاک عراق در دره‌ی شیلر، پاک‌سازی مناطق منتهی به مرز در محدوده‌ی دره‌ی شیلر بیش از پیش اهمیت یافته بود. در چنین وضعیتی، قرارگاه حمزه برای سرکوب نیروهای ضد انقلاب و تأمین مرز در این منطقه، عملیاتی با عنوان "شهید محمد هادوی" طراحی کرد و قرارگاه شهید شهرام‌فر، مسئول هماهنگی و اجرای آن شد. بعد از هماهنگی‌های لازم در قرارگاه شهید شهرام‌فر، تیپ ویژه‌ی شهدا و گردان‌های جنرال‌الله سپاه تکاب و سقز با هم‌کاری یک گردان از لشکر ۲۳ نیروی مخصوص ارتش و پشتیبانی ۱۰ فروند بال‌گرد هوانیروز، عملیات



پاک‌سازی منطقه‌ی مرزی سرشپو را در ۸ خرداد ۱۳۶۳، از دو محور آغاز کردند:

در محور اول، روستاهای هنگ‌چینه، مام سیف‌الدین، حاجی عبدل و هرمیدل و در محور دوم روستاهای شپانجو، سیف‌طاله، کاومله و دگاگا پاک‌سازی شدند.

در این عملیات که یک هفته طول کشید، علاوه بر پاک‌سازی هشت روستا، ارتفاعات کلک‌جار، کته‌رش، سپنور، توسی‌وار و آسمان بلاغی به تصرف رزمندگان درآمد و امنیت در منطقه‌ی مرزی سرشپو برقرار شد.

همچنین، تعدادی سلاح سبک و نیمه‌سنگین به دست نیروهای خودی افتاد، ۳۰ نفر از نیروهای دشمن کشته یا زخمی و ۱۰ نفر اسیر شدند.

در این عملیات از نیروهای خودی یک نفر شهید شد و ۲ نفر مجروح شدند.

عملیات غدیر خم

۱۱۷





در تابستان سال ۱۳۶۴، در منطقه‌ی مرزی بانه که نیروهای خودی برای اجرای عملیات در منطقه‌ی چوارتا - ماووت آماده می‌شدند، حدود ۶۵۰ نفر از نیروهای حزب دمکرات و گروه‌های کومه‌له، خبات و رزگاری در منطقه‌ی بلکه و بوالحسن نفوذ کردند. آن‌ها با ایجاد ناامنی در روستاهای منطقه و آزار و اذیت مردم، اجرای کمین در جاده‌های منتهی به خطوط پدافندی خودی (در برابر ارتش عراق)، اسیر کردن رزمندگان و تحویل آن‌ها به ارتش عراق، به طور مستقیم در خدمت ارتش عراق قرار گرفته بودند.

به همین دلیل، قرارگاه حمزه با فعال کردن قرارگاه شهید مطلب، عملیات غدیرخم را در ۱۰ شهریور ۱۳۶۴، با هماهنگی نیروهای سپاه پاسداران، ارتش و ژاندارمری طراحی و در سه مرحله، به مدت ۱۶ روز اجرا کرد. در این عملیات نیروهای تیپ قدس سپاه، گردان جندالله سپاه بانه و گردان صاحب‌الزمان ژاندارمری، با پشتیبانی توپ‌خانه‌ی ارتش و بال‌گردهای هوانیروز موفق شدند ضمن پاک‌سازی روستاهای بلکه، بوالحسن، گرماب و کانی ابراهیم از وجود عناصر ضد انقلاب، ضلع شمالی ارتفاعات مهم سورکوه در مرز ایران و عراق را آزاد و امنیت لازم را برای یگان‌های مهندسی و جهاد سازندگی که در تلاش برای اجرای عملیات منظم بودند، برقرار کنند. در این عملیات، از نیروهای ضد انقلاب ۸۰ نفر کشته، ۱۴۰ نفر مجروح و ۱۰۰ نفر تسلیم



شدند. ۱۰ نفر نیز به اسارت نیروهای خودی درآمدند و باقی‌مانده‌ی آنان به سوی خاک عراق گریختند. همچنین، در این عملیات ۵۵ نفر از نیروهای خودی شهید، ۶۰ نفر مجروح و ۵۵ نفر اسیر شدند که نشان‌دهنده‌ی آسیب فراوان نیروها و دشواری‌های این عملیات بود.

فصل ۷

تعقيب ارتش متجاوز دشمن



نقشه‌ی راهنمای مناطق عملیاتی





شهید سرهنگ حسن آشناسان
فرمانده لشکر ۲۳ توهده



شهید محمود کاوه
فرمانده لشکر ویژه ی شهدا

۴. ارسال سلاح، تجهیزات و مهمات برای گروه‌های شورشی و تجزیه طلب.
۵. حمایت و پشتیبانی سیاسی و اقتصادی از گروه‌ها و جریان‌های ضد انقلاب.
۶. ایجاد شبکه‌ی اطلاعاتی منسجم بین نیروهای ضد انقلاب و استخبارات ارتش عراق.

* نام عملیات	منطقه عمومی	منطقه نبرد	آغاز عملیات	پایان عملیات
۱ دالانی	مریوان - سیدصادق	دالانی و دزلی	۱۳۵۹/۱۰/۶	۱۳۵۹/۱۰/۹
۲ قوچ سلطان	مریوان - پنجوبین	قوچ سلطان	۱۳۶۰/۱/۱	۱۳۶۰/۱/۵
۳ پاسگاه شهدا	مریوان - سیدصادق	تته و ژالانه	۱۳۶۰/۱/۴	۱۳۶۰/۱/۱۵
۴ آسون	مریوان - سیدصادق	لانون و آسون	۱۳۶۰/۱/۲۲	۱۳۶۰/۲/۲۱
۵ باتی بنوک	مریوان - سیدصادق	پادگان باتی بنوک	۱۳۶۰/۳/۴	۱۳۶۰/۳/۹
۶ سلمان	مریوان - پنجوبین	پاسگاه کوخلان	۱۳۶۰/۱۰/۲	۱۳۶۰/۱۰/۴
۷ والفجر ۴	مریوان - بانه - پنجوبین	شیلر - کانی مانگا	۱۳۶۲/۷/۲۷	۱۳۶۲/۸/۳۰
۸ والفجر ۹	مریوان - بانه - چوارتا	موبرا - مامی خلان	۱۳۶۴/۱۲/۵	۱۳۶۴/۱۲/۱۰
۹ کربلای ۱۰	بانه - ماووت	گامو - قشن	۱۳۶۶/۱۱/۲۵	۱۳۶۶/۲/۱۵
۱۰ نصر ۴	بانه - ماووت	قشن - ماووت	۱۳۶۶/۳/۳۱	۱۳۶۶/۴/۱۴

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، کردستان از جمله مناطقی بود که نیروهای امنیتی عراق در آن فعال شده بودند. آنان با طرح مسائل قومی و مذهبی و تأکید بر آن‌ها می‌کوشیدند مردم استان را نسبت به دولت مرکزی واگرا و خواهان استقلال و جدایی از جغرافیای ایران جلوه دهند. احزاب و گروه‌های ضد انقلاب و وابسته نیز با هماهنگی و هم‌کاری عراق، علاوه بر ایجاد ناامنی در منطقه، تفکر و روحیه‌ی تجزیه طلبی را در مردم منطقه تقویت می‌کردند. آن‌ها با اجرای سیاست‌های عراق در کردستان، عملاً به بازوی نظامی این کشور تبدیل شده بودند. حکومت عراق قصد داشت با درگیر کردن بخشی از نیروهای مسلح ایران در این استان، مقدمات هجوم سراسری خود به ایران را فراهم کند.

اولین اقدام تجاوزکارانه‌ی ارتش عراق در مناطق مرزی، در منطقه‌ی سرشیو استان کردستان در اسفند ۱۳۵۷، ثبت شده و تا آغاز تجاوز سراسری به مرزهای ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، ادامه داشته است. مهم‌ترین فعالیت‌ها و اقدامات تجاوزکارانه‌ی عراق در مرزهای استان کردستان عبارت بودند از:

۱. اعزام افسران و درجه‌داران ارتش عراق به مناطق مرزی و شهرهای استان کردستان برای جمع‌آوری اطلاعات.
۲. حمله‌ی هوایی‌ها و بال‌گردهای عراق به نوار مرزی ایران.
۳. شلیک توپ و خمپاره به روستاها و پاسگاه‌های مرزی.



حملات هوایی عراق در هفته‌ی اول جنگ

هم‌زمان با آغاز حملات هوایی، زمینی و دریایی ارتش عراق به مرزهای ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، شهر سنندج در ساعت ۱۴:۳۰ هدف حمله‌ی هوایی، هواپیماهای عراق قرار گرفت و فرودگاه، ساختمان سپاه پاسداران و چند نقطه‌ی مسکونی شهر بمب باران شد. در این حمله‌ی هوایی ۵ نفر شهید یا مجروح شدند و یک هواپیمای دشمن نیز سرنگون شد. پس از حمله‌ی هوایی ارتش عراق در روز اول جنگ به سنندج، شهرهای سنندج، مریوان و قروه، چند روز پی در پی بمب باران شدند. در این حملات خسارت‌هایی به مناطق مسکونی و مردم وارد شد و ۵ هواپیمای عراقی نیز به وسیله‌ی سلاح‌های پدافند هوایی ایران سرنگون شدند.

اقدام تلافی جویانه

پس از اولین حمله‌ی هوایی ارتش عراق به سنندج، (جاویدالآثر) احمد متوسلیان فرمانده سپاه مریوان، درصدد پاسخ برآمد و تیم سه نفره‌ی * را شبانه به داخل خاک عراق اعزام کرد تا گرای (مختصات) پادگان پنجوین را ثبت کنند. آن‌گاه با مشخص کردن گرای پادگان دشمن، توپ‌خانه‌ی ارتش پادگان پنجوین را گلوله باران کرد. این اقدام بعد از ظهر ۱ مهر ۱۳۵۹، انجام شد و خسارت‌های فراوانی به ساختمان‌های این پادگان و نیروهای ارتش عراق وارد کرد.

* دو نفر از تیم مزبور به نام‌های مهندس یوسف کابلی و علیرضا ناهیدی، مدت‌ها بعد، در ایام جنگ تحمیلی به شهادت رسیدند.



هجوم سراسری ارتش عراق به مرزهای ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، آغاز شد. در روزهای آغازین هجوم دشمن، استان کردستان فقط هدف حملات هوایی قرار گرفت، اما سه ماه بعد، یعنی در آذر ۱۳۵۹ و پس از آن که رزمندگان برای توسعه‌ی امنیت داخلی نبردهای موفق‌تری را در کردستان انجام دادند، متجاوزان بعثی، ارتفاعات مرزی مریوان را اشغال کردند و سپس دامنه‌ی اشغال را تا ارتفاعات مرزی سقز و بانه گسترش دادند. این در حالی بود که فعالیت‌های گسترده‌ی گروه‌های ضد انقلاب موانع متعددی برای نیروهای ایران ایجاد کرده بودند و رزمندگان برای مقابله با متجاوزان عراقی می‌بایست این موانع را پشت سر می‌گذاشتند. بنابراین، نیروهای خودی نمی‌توانستند تجاوز عراق را بی‌پاسخ بگذارند و نمی‌خواستند با تمرکز بر سرکوبی نیروهای ضد انقلاب از مقابله با تجاوز ارتش عراق غافل شوند، به ویژه آن‌که مناطق داخلی کردستان به طور نسبی پاک‌سازی شده بود و نیروهای ضد انقلاب به نیروهای ارتش عراق نزدیک شده بودند و با هم کاری یک‌دیگر علیه نیروهای خودی می‌جنگیدند.

در این وضعیت، از یک سو، ضربه به نیروهای ضد انقلاب، علاوه بر آن‌که به توسعه‌ی امنیت داخلی می‌انجامید، مانع گسترش و نفوذ ارتش عراق نیز می‌شد و از سوی دیگر، ضربه به نیروهای ارتش عراق نیز علاوه بر آن‌که متجاوزان را به عقب می‌راند، می‌توانست زمینه‌های سرکوب گروه‌های شورشی و تجزیه طلب را بیش‌تر فراهم کند. به همین دلیل، نیروهای خودی استراتژی تعقیب ضد انقلاب و تنبیه متجاوزان را انتخاب کردند و هجوم سراسری عراق را بی‌پاسخ نگذاشتند.



هجوم ارتش عراق از مریوان تا نوسود





در جبهه‌ی شمالی را ضروری ندانست و حتی لشکرهای ۷ و ۱۱ پیاده را که تحت امر سپاه یکم قرار داشتند، برای تقویت نیروهای خود به مناطقی چون بازی دراز، خرمشهر و آبادان اعزام کرد.

سپاه یکم ارتش عراق در آذر ۱۳۵۹، تهاجم خود را برای عبور از مرز آغاز و به تدریج نوار مرزی ایران را از جنوب دره‌ی شیلر تا نوسود اشغال کرد.

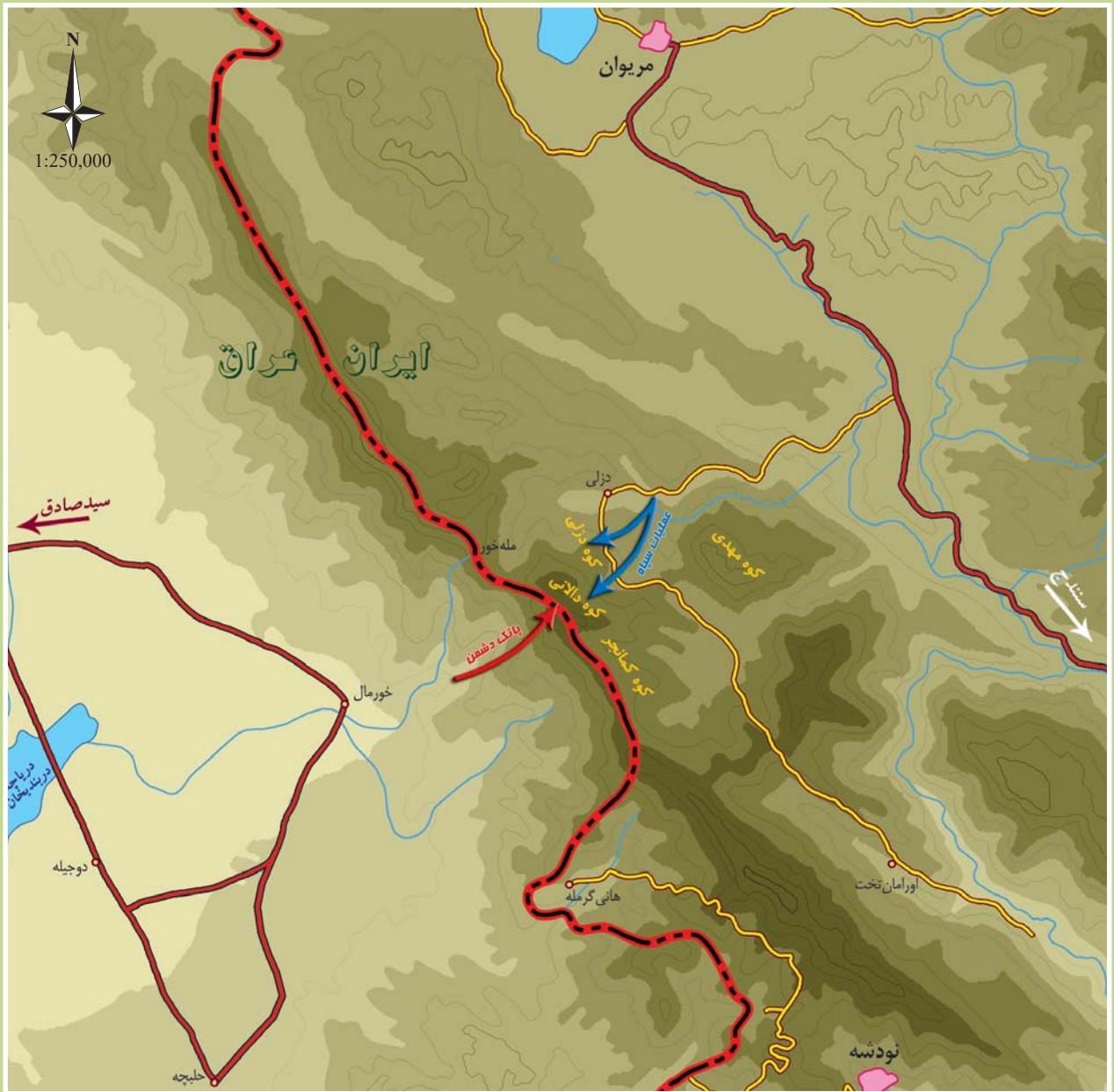
در این عملیات، سپاه یکم ارتش عراق که یگان‌های سازمانی خود را به جبهه‌های میانی و جنوبی اعزام کرده بود، با به کارگیری ۴ گردان از لشکر ۴ پیاده‌ی کوهستانی سپاه دوم در ۲۷ آذر ۱۳۵۹ به ارتفاعات غرب مریوان هجوم آورد و بعد از یک هفته موقعیت خود را تثبیت و نوار مرزی ایران در غرب مریوان را تصرف کرد.

در پی اشغال مناطق مرزی استان کردستان، بلافاصله رزمندگان با کمک نیروهای محلی برای فشار به دشمن عملیات‌هایی را اجرا و با اعزام تیم‌ها و گروه‌های نفوذی به خاک عراق، پشت جبهه‌ی دشمن را ناامن کردند. مدتی بعد، یگان‌های سپاه پاسداران و ارتش، عملیات‌های محدود و گسترده‌ی در مرزهای استان کردستان اجرا کردند.

ارتش عراق در راهبرد نظامی خود، مرزهای شمالی عراق با ایران را به سپاه یکم خود سپرده بود و مرزهای استان کردستان با کشور عراق نیز در محدوده‌ی مأموریت سرزمینی این سپاه، قرار گرفت. بدین ترتیب، سپاه یکم عراق، ماه‌ها قبل از آغاز جنگ در این منطقه مستقر شد و ضمن حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تجزیه‌طلب در کردستان، مناطق مرزی ایران را به دقت شناسایی و با بهره‌گیری از این گروه‌ها، اطلاعات مناسبی از وضعیت داخلی استان و منطقه کسب کرد و بعد از جمع‌آوری اطلاعات، آمادگی لازم را برای هر گونه اقدام تجاوزکارانه در مرزهای ایران به دست آورد، اما تجاوز زمینی ارتش عراق به مرزهای استان کردستان بعد از تثبیت مواضع‌شان در مناطق جنوبی و غربی ایران انجام شد.

فعالیت گروه‌های شورشی در کردستان که تعداد فراوانی از نیروهای خودی را در این منطقه درگیر کرده بود، از سویی مانع تمرکز کامل نیروهای خودی در جبهه‌های غرب و جنوب و سبب تجزیه‌ی نیروهای خودی شده بود و از سوی دیگر، احتمال حمله‌ی نیروهای ایران به شهرهای بزرگی چون سلیمانیه و کرکوک را که از مناطق مهم جبهه‌ی شمالی بودند، به صفر رسانده بود. به همین دلیل، ارتش عراق در آغاز رسمی جنگ، هجوم زمینی

عملیات آزادسازی ارتفاعات دالانی و دزلی





حمایت مردم روستاها از عملیات رزمندگان ایرانی

مجبور شدند به ارتفاعات مله خور عقب نشینی کنند، اما پس از پایان فصل زمستان، دوباره به این ارتفاعات بازگشتند.

هنوز یک روز از استقرار مجدد رزمندگان روی ارتفاع دالانی نگذشته بود که دشمن با یک گردان نیروی مخصوص و چند صد مزدور از گروه‌های ضد انقلاب برای بازپس گیری ارتفاع دالانی ضد حمله بی را آغاز کرد. این هجوم زمانی انجام شد که فقط ۱۰ نفر از نیروهای پاسدار روی این ارتفاع مستقر بودند؛ با وجود این، مقاومت سرسختانه‌ی پاسداران روی ارتفاع، تلفات سنگینی به نیروهای عراقی و افراد ضد انقلاب وارد کرد و آن‌ها نتوانستند ارتفاعات دالانی و دزلی را پس بگیرند.

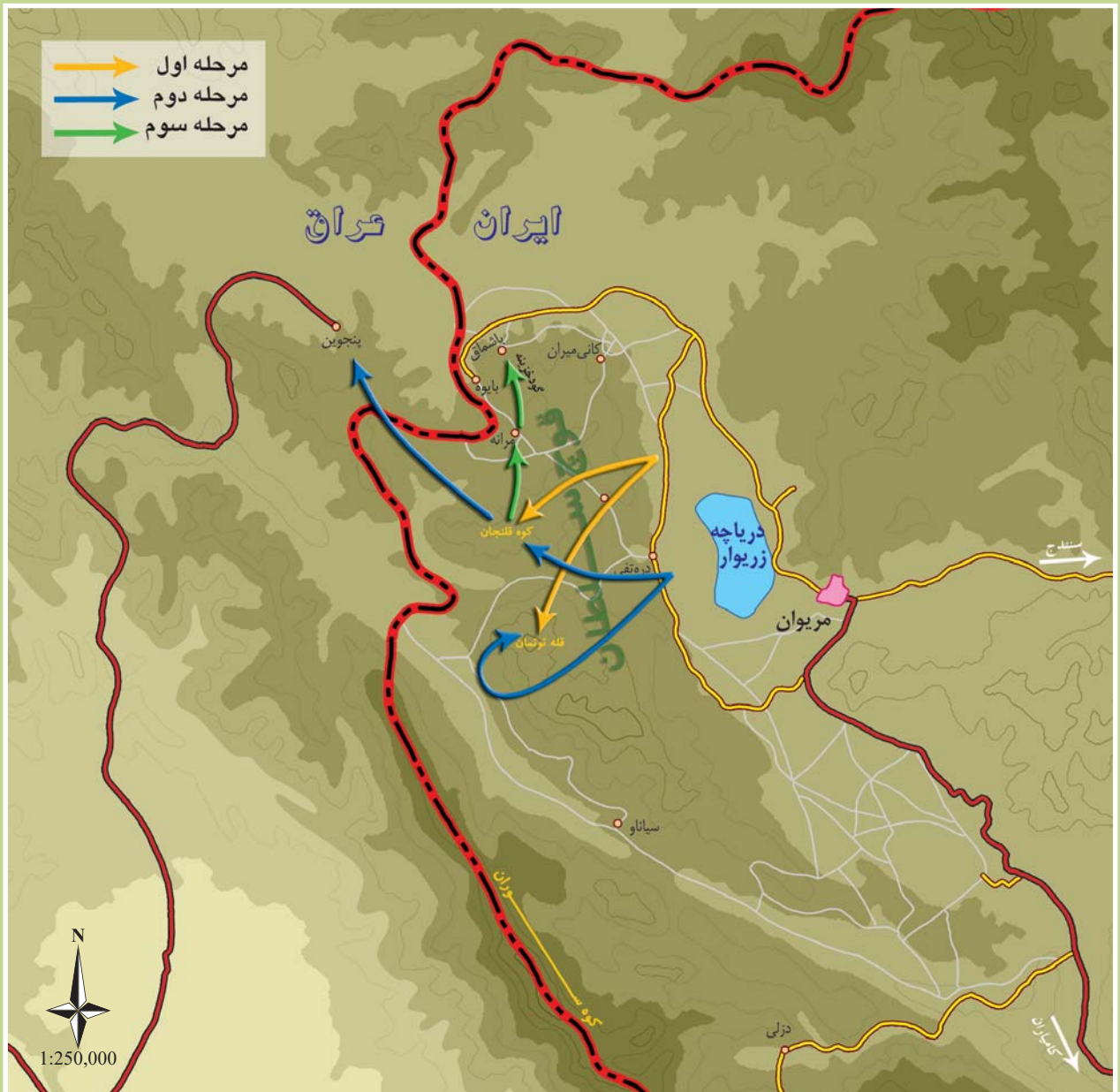


ارتفاعات مرزی دالانی

نیروهای عراق در اولین هجوم زمینی به مرزهای شمال غرب ایران، ارتفاعات دالانی و دزلی را که در جنوب غربی مریوان واقع شده‌اند، اشغال کردند. با این اقدام تردد نیروهای گروه‌های ضد انقلاب به ایران و عراق تسهیل شد. علاوه بر این، ارتش عراق این گروه‌ها را برای ایجاد ناامنی بیش‌تر در کردستان ایران، تجهیز و پشتیبانی می‌کرد. برتری ارتش عراق در این منطقه و حمایت آن‌ها از نیروهای ضد انقلاب، نگرانی نیروهای خودی را از احتمال افزایش تحرک گروه‌های ضد انقلاب بیش‌تر می‌کرد. به همین دلیل، فرماندهان سپاه و ارتش تصمیم گرفتند برای رفع این نگرانی عملیاتی را با هم‌راهی پیش‌مرگان مسلمان کرد طراحی و اجرا کنند. عملیات آزادسازی ارتفاعات دالانی و دزلی در ساعت ۲ بامداد ۶ دی ۱۳۵۹، آغاز شد و رزمندگان در مدت سه روز نبرد، این دو ارتفاع را آزاد کردند و به شهر خورمال و جاده‌ی خورمال - سیدصادق - حلبچه مشرف شدند.

عملیات در زمستان انجام شد و نیروهای خودی تجهیزات و امکانات مورد نیاز را برای استقرار در این ارتفاعات نداشتند، بنابراین

عملیات قوچ سلطان





جاویدالانر احمد متوسلیان فرمانده سپاه مریوان

کوه قوچ سلطان در غرب مریوان و در نزدیکی مرز عراق واقع شده و بلندترین قله‌ی آن دولبه توتمان است که ۲۱۰۵ متر ارتفاع دارد. ارتش عراق با اشغال این ارتفاع بر دشت مریوان و جاده‌ی مریوان - باشماق مسلط شد و همه‌ی فعالیت‌های رزمندگان را در این منطقه زیر نظر گرفت، اما هنوز دشمن موقعیت خود را تثبیت نکرده بود که نیروهای خودی تصمیم گرفتند ارتفاع قوچ سلطان را آزاد کنند. رزمندگان در اولین عملیات خود موفقیتی کسب نکردند، اما در عملیات‌های بعدی این ارتفاع را آزاد کردند.

اولین عملیات در سپیده دم ۱ دی ۱۳۵۹، انجام شد که نیروهای سپاه مریوان و تیپ مریوان از لشکر ۲۸ ارتش، به ارتفاع قوچ سلطان و ارتفاع قلنجان حمله کردند. در نتیجه‌ی این عملیات، ۵۱ نفر از نیروهای دشمن کشته و ۶۰ نفر مجروح شدند. همچنین، یک نفر اسیر شد. نیروهای خودی نیز حداقل با ۸ شهید به مواضع قبل از عملیات بازگشتند.

دومین عملیات در ۱ فروردین ۱۳۶۰، آغاز شد. در این عملیات ۱۰۰ نفر از نیروهای ارتش به فرماندهی (شهید) سرگرد رسول عبادت از رو به رو و ۲۰۰ نفر از نیروهای سپاه، به



دریاچه‌ی زریوار مریوان

فرماندهی احمد متوسلیان ضمن دور زدن دشمن، از پشت، به نیروهای عراقی یورش بردند و پس از چهار روز نبرد، ارتفاع قوچ سلطان را آزاد کردند و بر پادگان پنجوین مسلط شدند. نیروهای سپاه پاسداران در ادامه‌ی عملیات با تعقیب نیروهای متجاوز، شهر پنجوین را نیز در کنترل خود درآوردند، اما به دلیل کمبود نیرو نتوانستند آن را حفظ کنند و به روی ارتفاع قوچ سلطان بازگشتند. در این عملیات، ۱۵۰ نفر از افراد دشمن کشته یا مجروح و ۹۷ نفر اسیر شدند.

سومین عملیات در ۵ خرداد ۱۳۶۰ اجرا شد که نیروهای سپاه و ارتش با حمله به دشمن، ارتفاعات باشماق و گودخزینه و روستاهای مرانه و بایوه را آزاد کردند. در این عملیات، ۲۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا مجروح و ۱۰۰ نفر اسیر شدند.

بدین ترتیب، منطقه‌ی اشغال شده‌ی غرب مریوان آزاد شد و آخرین پاتک عراق که در ۱۷ خرداد ۱۳۶۰ اجرا شد نیز با اسارت ۱۷۰ نیروی عراقی ناکام ماند.



پاسگاه شهید ژالانه



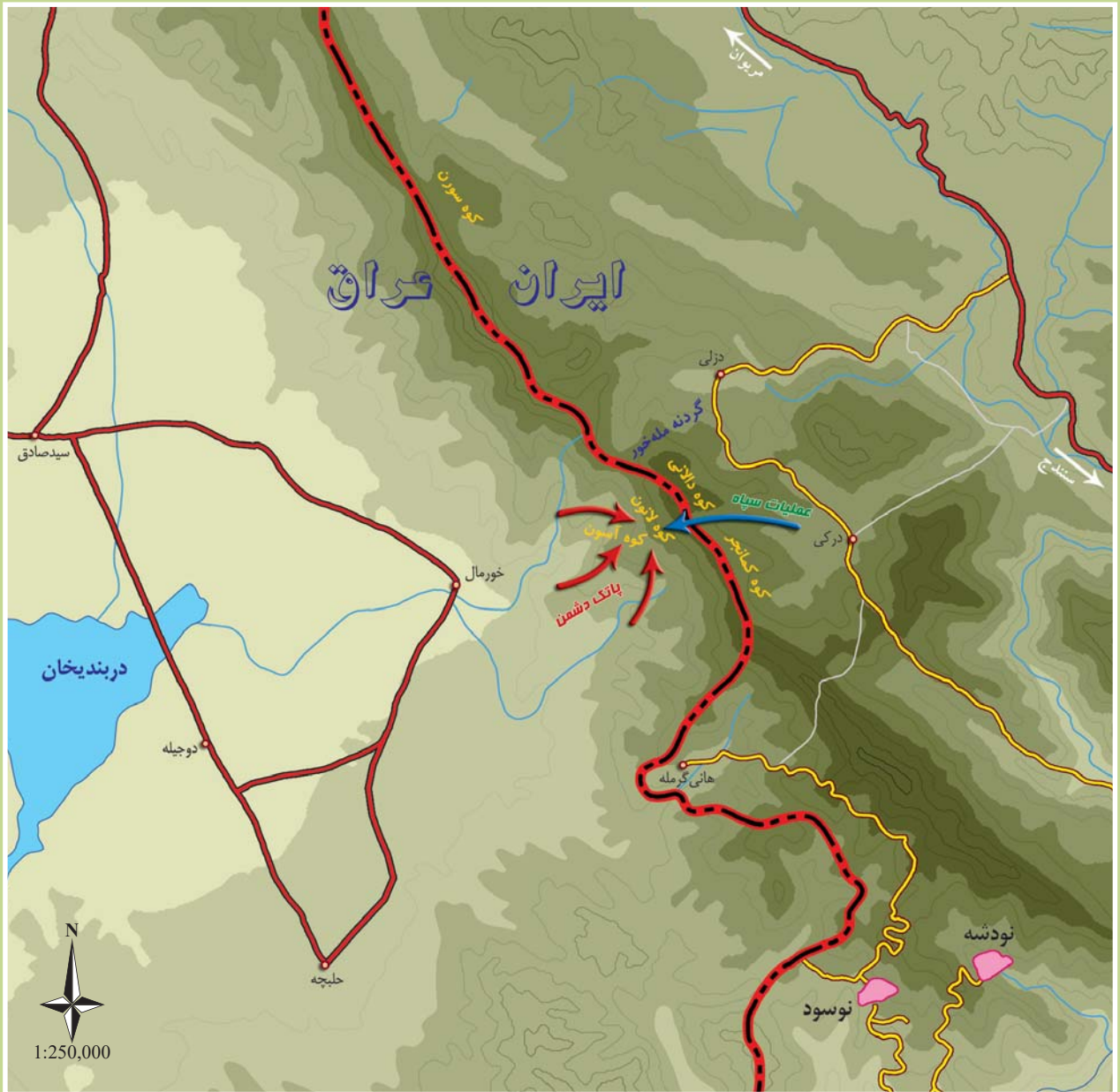
سنگر رزمندگان روی ارتفاعات پربرف کردستان

ارتفاعات تته و ژالانه از جمله مناطقی بودند که پس از تهاجم ارتش عراق به مرزهای ایران، به سرعت اشغال شدند. در پی آن (جاویدالآثر) احمد متوسلیان فرمانده سپاه مریوان، تصمیم گرفت با بهره‌گیری از نیروهای سپاه، پیش‌مرگان مسلمان کرد و بسیجیان و پشتیبانی بال‌گردهای هوانیروز ارتش، عملیات آزادسازی این دو ارتفاع را طراحی و اجرا کند. عملیات در ۴ فروردین ۱۳۶۰، در حالی که سراسر ارتفاعات مرزی پوشیده از برف بود و ارتفاع برف در برخی نقاط به بیش از ۱۰ متر می‌رسید، آغاز شد.

نیروهای سپاه در همان ساعات اول عملیات، ارتفاع تته را آزاد کردند، اما بال‌گردهای هوانیروز به دلیل مه‌آلود بودن هوا و وضعیت جوی نامناسب نتوانستند تدارکات لازم را به آنان برسانند. در چنین وضعیتی، نیروهای خودی با مشقت بسیار، به مقاومت در برابر ضد حملات عراق ادامه دادند و بدون مواد غذایی، چادر و کیسه‌ی خواب، ارتفاع تته را در برابر چند پاتک عراقی‌ها حفظ کردند. در این عملیات، ۱۱ نفر از رزمندگان بر اثر سُر خوردن و سقوط از کوه در میان برف‌ها جان سپردند. ۴ نفر دیگر نیز به دست نیروهای دشمن به شهادت رسیدند.

در ادامه‌ی عملیات، نیروهای سپاه در ۱۵ فروردین ۱۳۶۰، ارتفاع ژالانه و پاسگاه مرزی آن را آزاد کردند و به یاد شهیدان این عملیات، پاسگاه مرزی ژالانه را «پاسگاه شهیدان» نامیدند.

تصرف ارتفاعات لانون و آسون





تصرف ارتفاعات لانون و آسون

لانون و آسون از ارتفاعات مرزی عراق اند. این ارتفاعات در جنوب غربی مریوان و در غرب ارتفاعات مرزی دالانی و کمانجر واقع شده اند و مشرف به شهر خورمال عراق هستند. پس از آزادسازی ارتفاعات دالانی و کمانجر، فرمانده سپاه مریوان تصمیم گرفت دو ارتفاع لانون و آسون را نیز تصرف کند تا نیروهای خودی به شهر مرزی خورمال عراق مشرف شوند.

در پی این تصمیم، نیروهای سپاه مریوان و پیش مرگان مسلمان کرد با پشتیبانی توپخانه ی ارتش و اجرای عملیاتی غافل گیر کننده در ۲۲ فروردین ۱۳۶۰، ارتفاعات لانون و آسون را تصرف و تا ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، چندین پاتک عراق را دفع کردند. در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، نیروهای عراقی روی ارتفاعات مله خور، عملیات هلی برن اجرا کردند، اما هشیاری و اقدام به موقع رزمندگان تلاش آنان را بی ثمر کرد. شش روز بعد در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۰، نیروهای عراقی بار دیگر برای بازپس گیری ارتفاعات ضد حمله یی اجرا کردند که موفقیتی به دست نیاوردند. در پی این ناکامی، سپاه یکم ارتش عراق با به کارگیری یک تیپ تازه نفس که از جبهه ی جنوبی به جبهه ی شمالی منتقل شده بود، پاتک جدیدی را در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰، اجرا کرد. با آغاز ضد حمله ی عراق، رزمندگان سپاه و پیش مرگان مسلمان کرد در اوج هشیاری، مقاومت و رشادت کم نظیری از خود نشان دادند و تلفات سنگینی بر نیروهای عراقی وارد کردند. نیروهای عراقی نیز با به جا گذاشتن ۲۱۰ کشته یا زخمی عقب نشینی کردند و از ادامه ی تلاش برای بازپس گیری مناطق آزاد شده ناامید شدند. بدین ترتیب، موقعیت رزمندگان روی ارتفاعات لانون و آسون بعد از یک ماه تلاش بی وقفه تثبیت شد.



پشتیبانی بال گردهای هوانیروز از عملیات نیروهای پیاده



تصرف پادگان بانی بنوک عراق



تصرف پادگان بانی بنوک عراق



یکی از پایگاه‌های رزمندگان



رزمندگان در ارتفاعات مرزی

۱۳۴

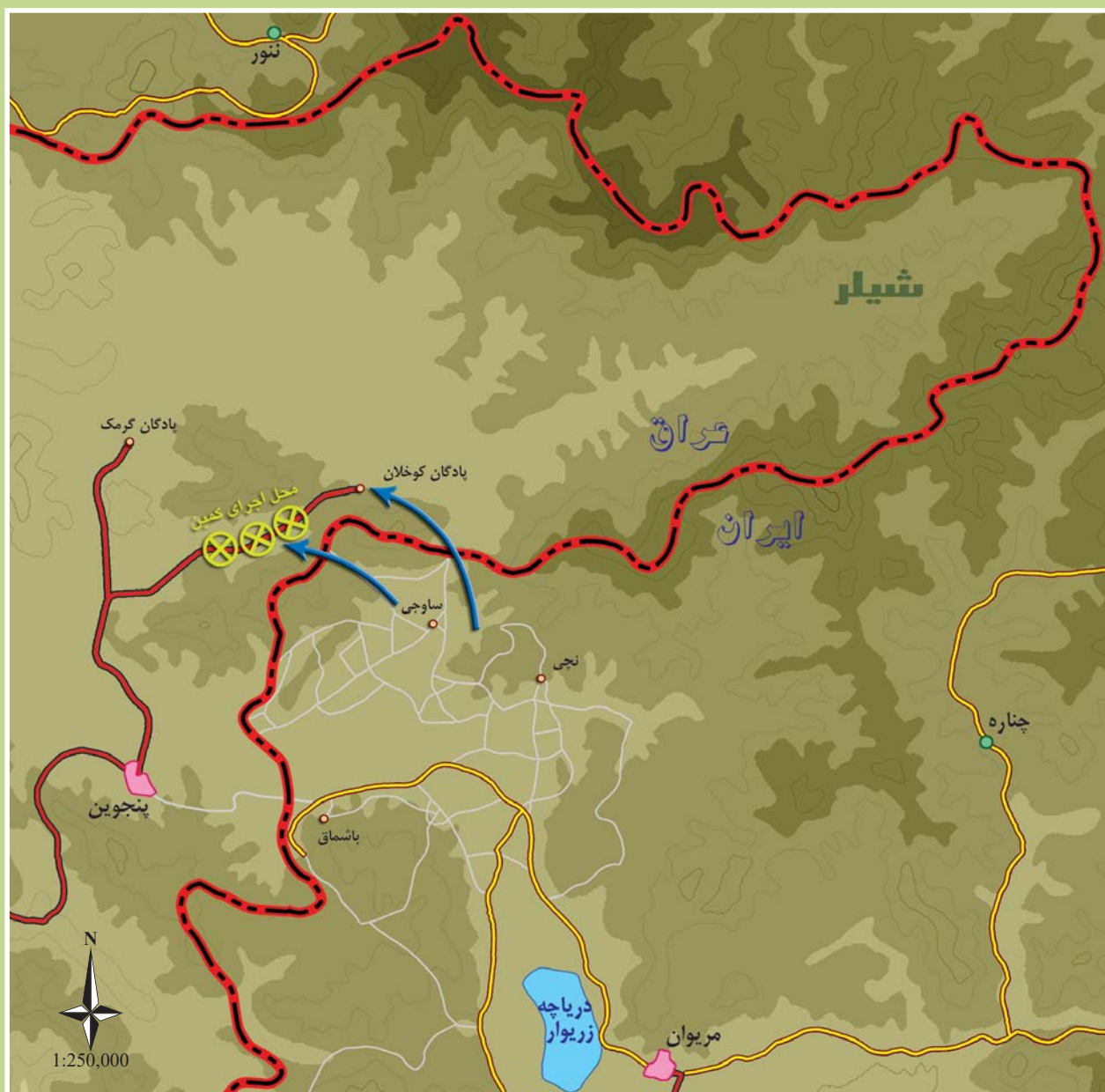
پادگان بانی بنوک در شمال شهر سیدصادق عراق و در عمق ۱۰ کیلومتری خاک عراق قرار دارد. نیروهای سپاه مریوان برای تصرف و انهدام نیروها و تجهیزات این پادگان، پس از شناسایی‌های لازم، در ۴ خرداد ۱۳۶۰، شبانه به خاک عراق نفوذ و با استقرار چند تیم کمین در راه‌های منتهی به پادگان، آن را محاصره کردند.

با آغاز حمله‌ی غافل‌گیرانه‌ی نیروهای سپاه پاسداران، نظامیان عراقی ابتدا درصدد برآمدند تا در برابر یورش رزمندگان مقاومت کنند، اما بعد از سه روز درگیری، پادگان به تصرف نیروهای سپاه مریوان درآمد. در این عملیات، ۳۱ نفر از نیروهای عراقی کشته و ۲۷ نفر مجروح شدند. باقی‌مانده‌ی آن‌ها نیز پس از سه روز درگیری گریختند.

در روز چهارم، یک گروهان تقویت شده از ارتش عراق با پشتیبانی دو هواپیما و چهار بال‌گرد به نیروهای ایرانی مستقر در بانی بنوک حمله کرد، اما پاتک نیروهای عراقی با ۵۰ نفر کشته، ۷۰ نفر مجروح و اسارت ۱۲ نفر و سقوط یک بال‌گرد ناکام ماند. در پایان این عملیات، رزمندگان که با انهدام تجهیزات پادگان و تحمیل تلفات به نیروهای دشمن، به اهداف خود دست یافته بودند، پس از پنج روز جنگ و درگیری به کشور بازگشتند.

عملیات سلمان

۱۳۷





رزمنده‌ی ایرانی در ارتفاعات مرزی

نیروهای خودی افتاد و با دادن تلفات و انهدام چند خودرو، مجبور به عقب نشینی شد. نیروهای خودی نیز پس از انهدام نیروها و تجهیزات دشمن، در ۴ دی ۱۳۶۰، به پایگاه‌های خود در مریوان بازگشتند.

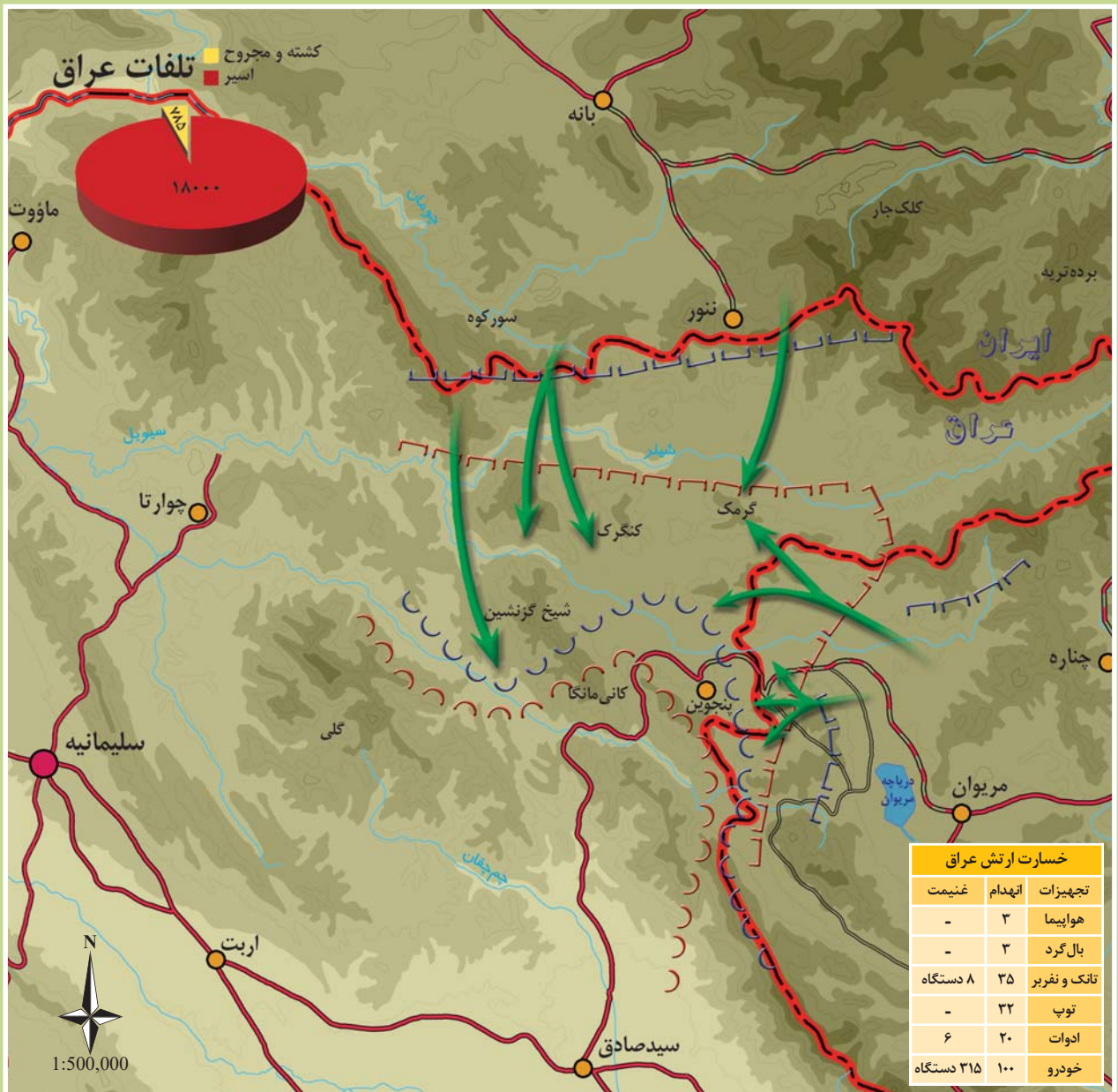
در پاییز ۱۳۶۰، فرماندهان سپاه و ارتش تصمیم گرفتند برای ناامن کردن پشت جبهه‌ی ارتش عراق و قطع کمک‌های حکومت عراق به گروه‌های تجزیه طلب، عملیات سلمان را در شمال پنجوین طراحی و اجرا کنند.

بدین منظور، پس از شناسایی‌های لازم و طراحی عملیات، در غروب ۲ دی ۱۳۶۰، نیرویی شامل ۸۰ پاسدار و ۷۰ نیروی ارتشی وارد خاک عراق شدند و در نقاط گوناگون جاده‌ی پنجوین - کوخلان چندین تیم کمین مستقر کردند. با فراهم شدن موقعیت مناسب، نیروهای پیاده‌ی خودی به پاسگاه کوخلان حمله و ضمن انهدام نیروهای دشمن، پاسگاه را تصرف کردند.

در ادامه‌ی عملیات، یک گردان از ارتش عراق که برای کمک به نیروهای پاسگاه کوخلان به منطقه‌ی درگیری اعزام شده بود، در جاده‌ی پنجوین - کوخلان به کمین



عملیات والفجر ۴





اهداف عملیات

رمز: یا الله

زمان: ۱۳۶۲/۷/۲۷ تا ۱۳۶۲/۸/۳۰

وجود بخشی از دشت شیلر در خاک ایران، موقعیت خاصی را از جنبه‌ی نظامی در منطقه ایجاد کرده بود. از یک سو، گروه‌های ضد انقلاب با استقرار در منطقه‌ی شیلر، به آسانی وارد خاک ایران در محدوده‌ی شهرهای بانه، سقز، دیواندره، سنندج و مریوان می‌شدند و از سوی دیگر، نیروهای نظامی ایران برای تشکیل خطوط دفاعی مجبور بودند، منطقه‌ی گسترده‌ی را تحت پوشش قرار دهند و در خطوط طولانی پدافندی مستقر شوند. این در حالی بود که با اجرای عملیاتی موفق در دره‌ی شیلر، بسیاری از مشکلات موجود برطرف می‌شد. به همین منظور عملیاتی طراحی و با نام «الفجر ۴» اجرا شد.

۱. آزادسازی مناطق اشغالی ایران.
۲. ترمیم و کوتاه کردن خطوط دفاعی ایران در برابر ارتش عراق.
۳. صرفه‌جویی در به‌کارگیری نیروهای پدافندی.
۴. انسداد مسیرهای تردد گروه‌های ضد انقلاب از دشت شیلر عراق به سرزمین ایران.
۵. تصرف شهر پنجوین و پادگان‌های پنجوین و گرمک.
۶. انهدام نیروها و تجهیزات دشمن.
۷. فراهم کردن مقدمات عملیات در استان سلیمانیه.

عملیات با شرکت یگان‌های رزمی سپاه و ارتش از دو محور بانه و مریوان آغاز شد و بعد از سه مرحله پایان یافت و ضمن آزادسازی ۳۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی ایران، ۷۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های عراق نیز تصرف شد. در این عملیات، پادگان گرمک عراق در کنترل رزمندگان اسلام درآمد و پادگان و شهر پنجوین نیز زیر دید و تیر مستقیم نیروهای ایران قرار گرفت. همچنین، ۱۸ هزار نفر از نیروهای عراق کشته یا مجروح و ۷۸۵ نفر اسیر شدند.

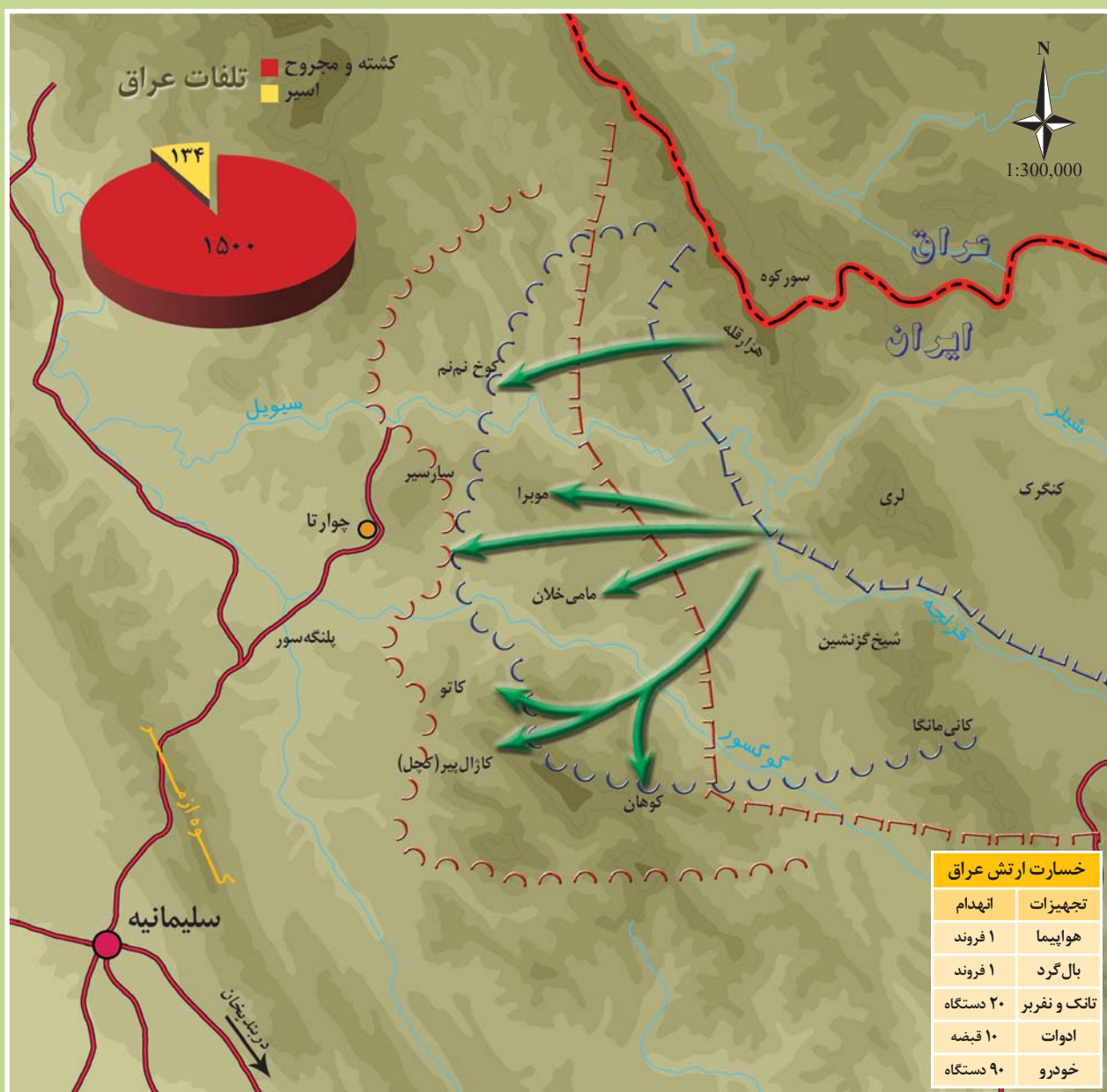
تندیس غنیمی ارتش عراق



نیروهای درگیر در عملیات والفجر ۴

کشور	رسته	
	ایران	عراق
پیاده	۶۵ گردان	۱۰۸ گردان
زرهی	۴ گردان	۷ گردان
مکانیزه	۲ گردان	۱ گردان
کماندو	-	۲۵ گردان
گارد جمهوری	-	۸ گردان
توپ‌خانه	۱۱ گردان	۷ گردان

عملیات والفجر ۹





رمز: یا الله

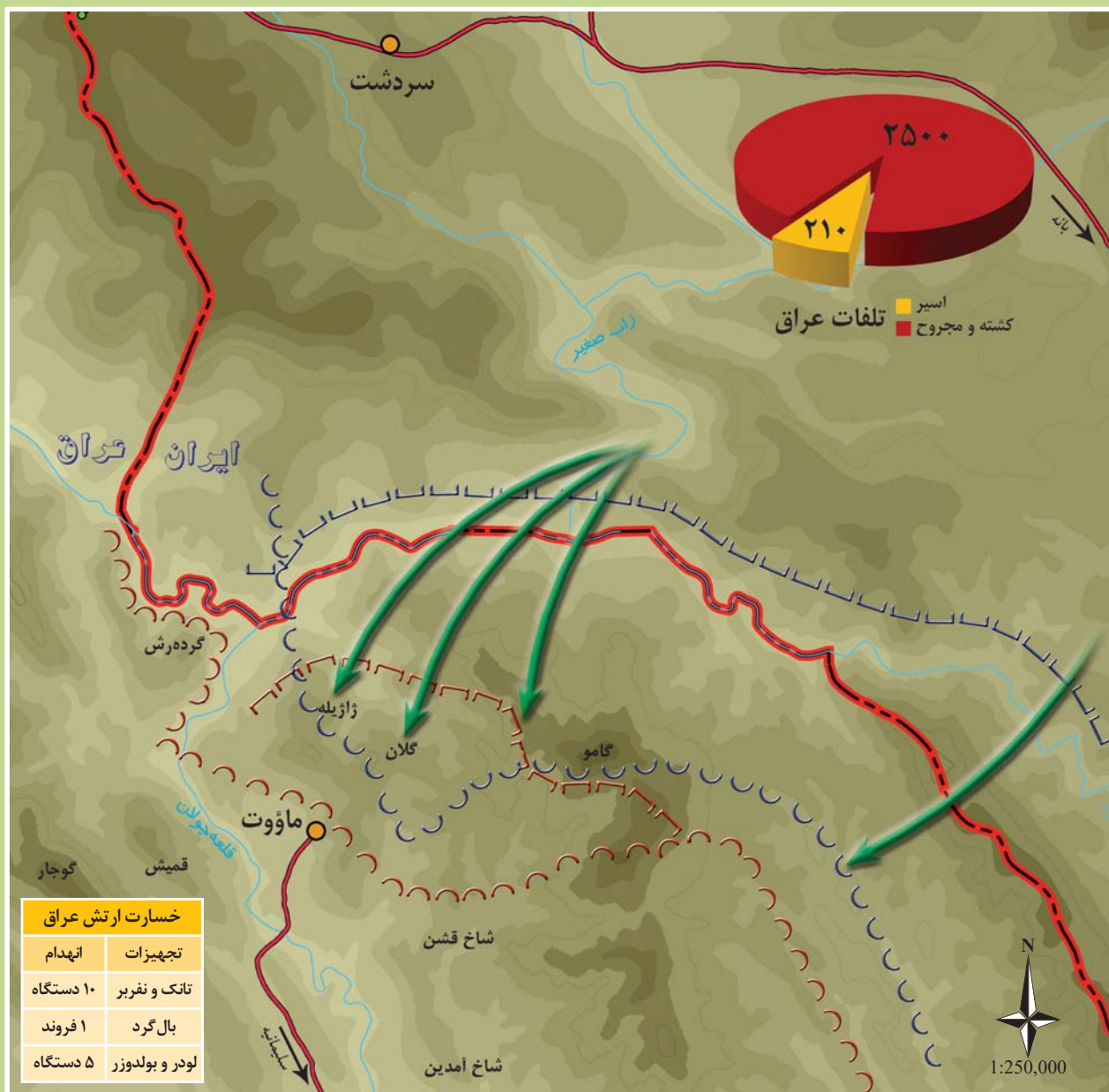
زمان: ۱۳۶۴/۱۲/۵ تا ۱۳۶۴/۱۲/۱۰

اجرای موفقیت آمیز عملیات والفجر ۴، وضعیت خطوط نبرد را در منطقه ی بانه و مریوان به گونه یی درآورد که مقدمات اجرای عملیات دیگری در این منطقه فراهم شد. یگان هایی از نیروی زمینی سپاه با هدایت قرارگاه نجف، به فرماندهی برادر مصطفی ایزدی، پس از شناسایی های لازم، در حالی که عملیات والفجر ۸ ادامه داشت، عملیات والفجر ۹ را در ۵ اسفند ۱۳۶۴ آغاز کردند تا ضمن کاستن از فشارهای بی وقفه ی ارتش عراق به نیروهای خودی در منطقه ی فاو، شهرهای چوارتا و سلیمانیه ی عراق را نیز در معرض تهدید قرار دهند.

برای تحقق اهداف مذکور رزمندگان از سه محور در خاک عراق پیشروی کردند و با تصرف ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق، روی ارتفاعات موبرا و مامی خلان مستقر شدند. با موفقیتی که به دست آمده بود، مانع بزرگی برای رسیدن به سلیمانیه و ارتفاع ازمر که مشرف به شهر سلیمانیه بود، وجود نداشت، اما یگان های عمل کننده در این منطقه به دلیل اهمیت فراوان منطقه ی آزاد شده ی فاو (در عملیات والفجر ۸) و ضرورت حفظ دستاوردهای آن عملیات، عازم جبهه ی فاو شدند. بنابراین، نیروی کافی برای پیشروی به سوی سلیمانیه وجود نداشت و نیروهای خودی پس از دو هفته جنگ و درگیری، بر اثر تشدید فشارهای دشمن به مواضع قبلی خود عقب نشینی کردند. در این عملیات، ۱۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۱۳۴ نفر اسیر شدند.

نیروهای درگیر در عملیات والفجر ۹		
کشور	ایران	عراق
رسته		
پیاده	۲۵ گردان	۸ گردان
زرهی	۱ گردان	۱ گردان
کماندو	-	۱ گردان
توپخانه	۴ گردان	۲ گردان

عملیات کربلای ۱۰





رمز: یا صاحب الزمان (عج) ادرکنی

زمان: ۱۳۶۶/۱/۲۵ تا ۱۳۶۶/۲/۵

پس از تأمین مرز مریوان، عملیات های والفجر ۴ و والفجر ۹ طرح ریزی و اجرا شد و در پی تأمین مرز بانه، عملیات کربلای ۱۰ و سپس عملیات نصر ۴ طراحی شد. عملیات کربلای ۱۰ برای جنوب غربی بانه طراحی و در ۲۵ فروردین ۱۳۶۶، در چهار محور اجرا شد.

از آن جا که منطقه ی عملیات کربلای ۱۰، کوهستانی و پوشیده از جنگل بود، رزمندگان می بایست برای موفقیت در این عملیات، هم با نیروهای عراقی می جنگیدند و هم بر طبیعت دشوار منطقه فائق می آمدند. این عملیات با هدف تصرف شهر ماووت عراق انجام شد، اما رزمندگان نتوانستند این شهر را تصرف کنند. با این حال، در این عملیات ۲۵۰ کیلومتر مربع دیگر از سرزمین های عراق در تسلط نیروهای ایرانی درآمد.

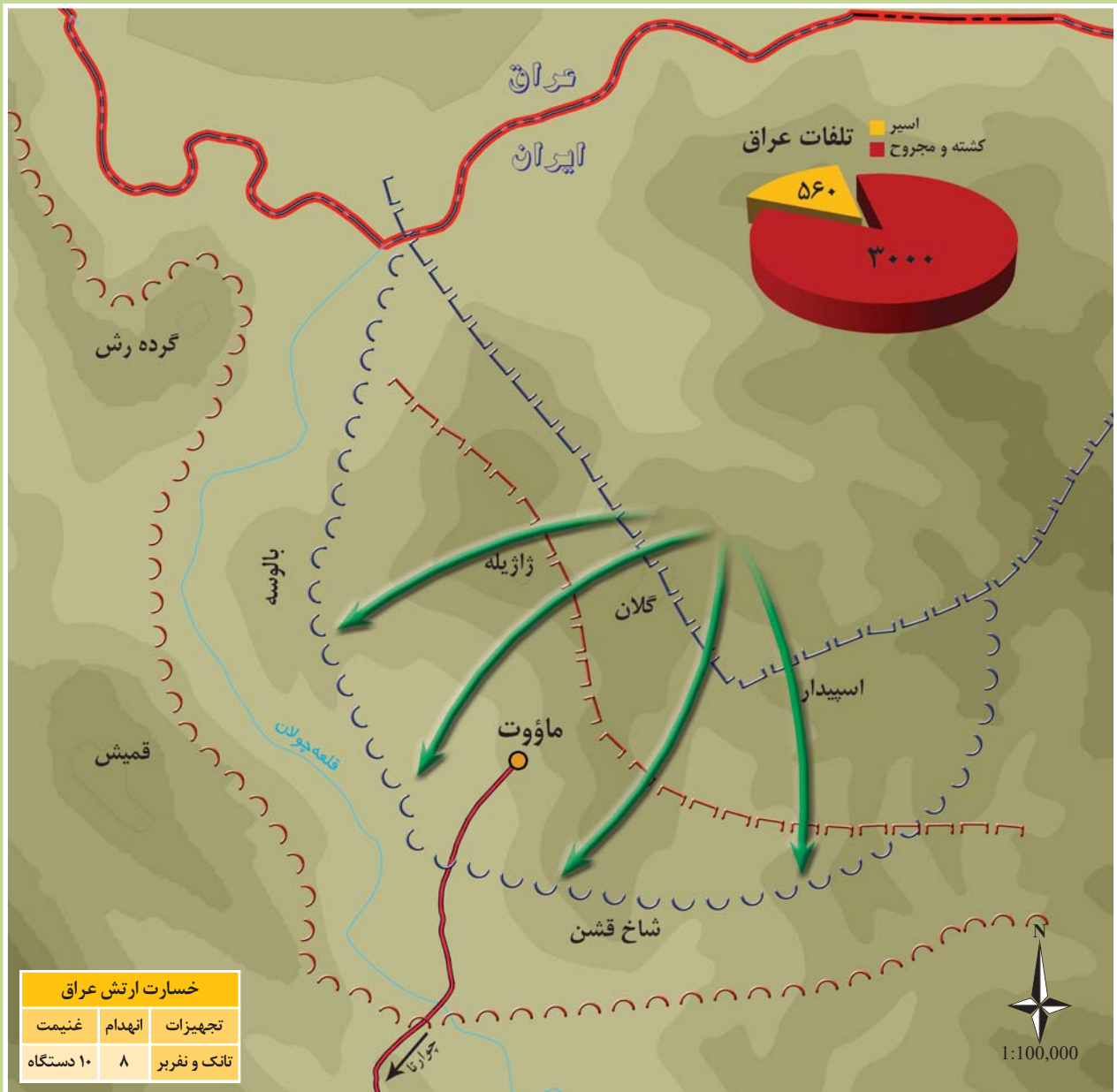
در عملیات کربلای ۱۰، حدود ۲۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۱۰ نفر از آنان به اسارت نیروهای سپاه درآمدند. همچنین، پس از این عملیات، از سختی تردد نیروهای عملیات های نامنظم قرارگاه رمضان به داخل خاک عراق - که قبل از این دشوار بود - کاسته شد.

انتقال نیروهای رزمده به منطقه ی عملیاتی



نیروهای درگیر در عملیات کربلای ۱۰		
کشور	ایران	عراق
رسته		
پیاپی	۵۰ گردان	۲۷ گردان
زرهی	-	۲ گردان
مکانیزه	-	۱ گردان
کماندو	-	۱۰ گردان
توپخانه	۶ گردان	؟

عملیات نصر ۴





رمز: یا امام جعفر صادق (ع)

زمان: ۲ بامداد (۳۱ خرداد ۱۳۶۶)

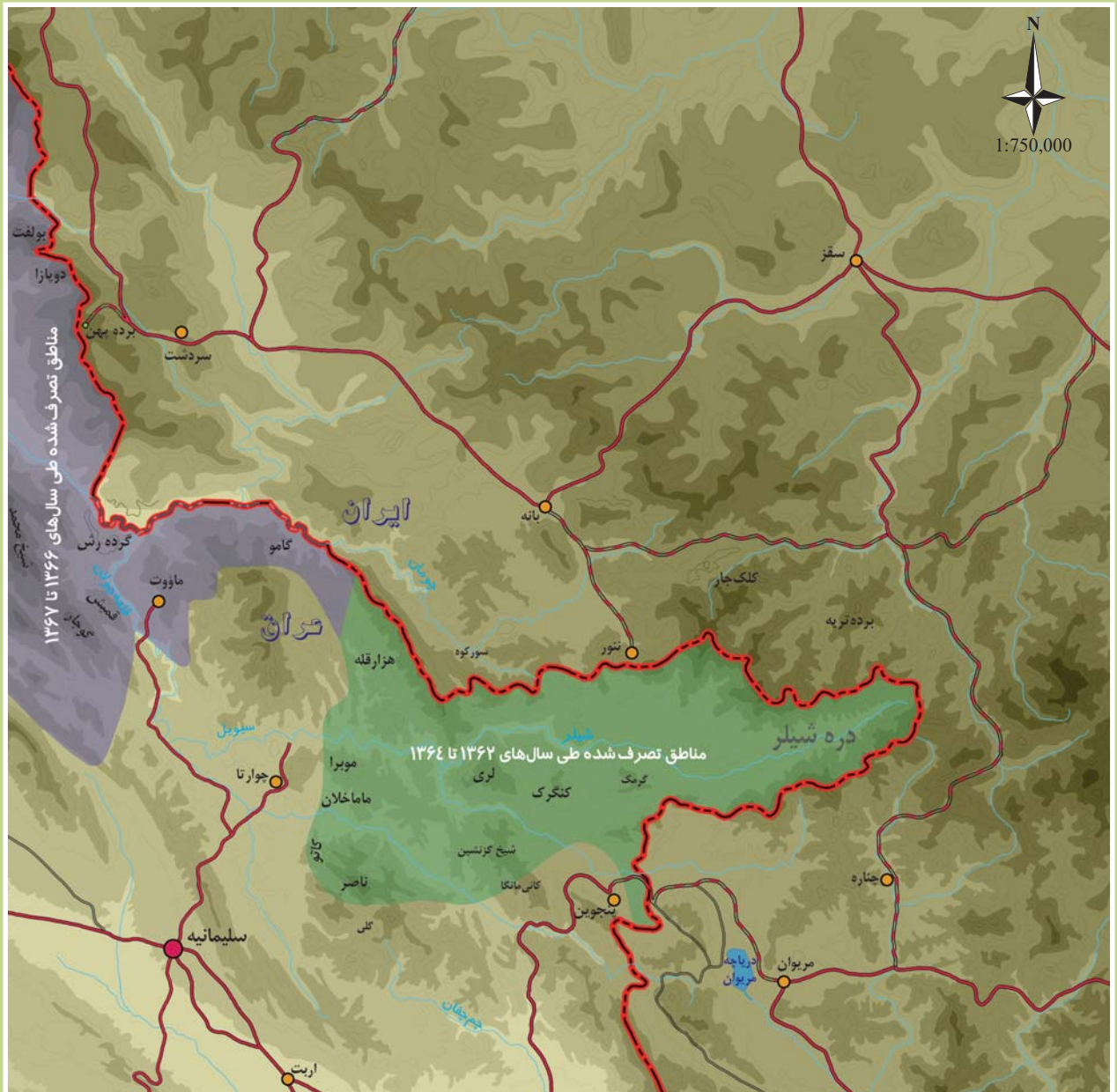
شهر ماووت عراق در جنوب غربی بانه و در ۲۰ کیلومتری مرز ایران واقع شده است و کوه‌های گولان و قشن آن را احاطه کرده‌اند. در پی ناکامی نیروهای خودی در تصرف شهر ماووت در عملیات کربلای ۱۰، دو ماه بعد (۳۱ خرداد ۱۳۶۶) عملیات نصر ۴ در منطقه‌ی جنوب غربی بانه برای تکمیل عملیات کربلای ۱۰، اجرا شد. در این عملیات که در مناطق کوهستانی و جنگلی شمال شهر سلیمانیه انجام شد، رزمندگان موفق شدند شهر ماووت و پادگان آن را تصرف کنند و بخش‌های وسیعی از منطقه‌ی کردنشین شمال عراق را به تسلط خود درآورند. در عملیات نصر ۴، حدود ۳ هزار تن از نیروهای عراقی کشته یا مجروح شدند و ۵۶۰ نفر به اسارت نیروهای خودی درآمدند.

جیب فرماندهی و خودروهای در حال انتقال نیرو به منطقه‌ی عملیاتی



نیروهای درگیر در عملیات نصر ۴		
کشور	ایران	عراق
رسته	۲۹ گردان	۲۹ گردان
پیاده	-	۱ گردان
زرهی	-	۴ گردان
مکانیزه	-	۱۱ گردان
کماندو	-	۸ گردان
گارد جمهوری	-	۵ گردان
توپخانه	۷ گردان	-

مناطق تصرف شده از خاک عراق ۱۳۶۲-۱۳۶۷





پس از تجاوز عراق به سرزمین ایران، در ۲۲ روستای منطقه‌ی کردستان با ۱۳۶۰ خانوار و ۶,۸۰۱ نفر جمعیت، دیگر امکان سکونت نبود، اما رزمندگان در سال‌های اول جنگ بسیاری از مناطق تحت اشغال را آزاد کردند و از سال چهارم جنگ به تعقیب دشمن پرداختند. نیروهای خودی ابتدا در عملیات والفجر ۴ در آبان ۱۳۶۲، ۳۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی ایران را آزاد و منطقه‌ی به وسعت ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را تصرف کردند و دو سال بعد، در اسفند ۱۳۶۴، با اجرای عملیات والفجر ۹ منطقه‌ی دیگری به وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را به تصرف خود درآوردند. در ابتدای سال ۱۳۶۵، هنگامی که ارتش عراق سلسله عملیات‌هایی موسوم به "دفاع متحرک" را آغاز کرد، ۴۰۰ کیلومتر مربع از مناطق تصرف شده، تخلیه شد و بخشی دیگر، همچنان در تصرف نیروهای ایران باقی ماند.

در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷، ۵۳۰ کیلومتر مربع دیگر از خاک عراق تصرف شد، طوری که در روزهای پایانی جنگ ۱۳۳۰ کیلومتر مربع از خاک عراق (۸۰۰ کیلومتر مربع در منطقه‌ی شیلر و ۵۳۰ کیلومتر مربع در منطقه‌ی ماوت) در تصرف ایران قرار داشت. پس از آمادگی ایران برای قبول قطع‌نامه‌ی ۵۹۸، مناطقی که در تصرف ایران بودند، تخلیه شدند و نیروهای ایران به مرزهای بین‌المللی بازگشتند.



بنای یادبود در شهر سنندج

روستاهای غیرقابل سکونت بر اثر تهاجم عراق

ردیف	روستا	خانوار	نفر	ردیف	روستا	خانوار	نفر
۱	چمپارو	۱۰۱	۸۱۱	۱۲	پیرانشاه	۲۲	۱۱۱
۲	سیران‌بند	۱۱۸	۵۸۹	۱۳	دره‌مر	۲۸	۱۳۹
۳	حلاله ابراهیم	۱۵	۷۷	۱۴	اسکول بالا	۹۲	۴۶۲
۴	خالوزه	۷۶	۳۸۰	۱۵	دولابی	۱۱۳	۵۶۵
۵	کهریزه	۷۴	۳۷۱	۱۶	مرانه	۱۲۹	۶۴۸
۶	خانم شیخان	۷۶	۳۸۰	۱۷	لیو سفلی	۸۳	۴۱۷
۷	بایوه	۱۳	۶۵	۱۸	لیو علیا	۵۵	۲۷۶
۸	باشماق	۹۶	۴۸۲	۱۹	قلنجان	۱۲	۵۹
۹	حسن‌آباد	۱۹	۹۳	۲۰	پیران کهنه	۵۵	۲۷۶
۱۰	کانی چناره	۳۳	۱۶۵	۲۱	رسول‌آباد	۹	۴۶
۱۱	کانی کبود	۷۸	۳۸۹	۲۲	دوله‌نار	-	-

۱. صحیفه‌ی نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۵ و ۸.
۲. روزنامه‌ی اطلاعات سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰.
۳. روزنامه‌ی کیهان سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰.
۴. سال‌نامه‌ی آماری استان کردستان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، زمستان ۱۳۸۵.
۵. سایت سازمان آمار ایران به آدرس: www.Amar.org.ir
۶. سایت استانداری کردستان به آدرس: www.Ostan-kd.ir
۷. کتاب کردستان، مصطفی چمران، بنیاد شهید چمران، ۱۳۶۴.
۸. اسناد شهرستان سنندج در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۹. اسناد شهرستان سقز در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۰. اسناد شهرستان بانه در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۱. اسناد شهرستان مریوان در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۲. اسناد شهرستان کامیاران در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۳. اسناد شهرستان دیواندره در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۴. اسناد عملیات‌های آزادسازی محورهای مواصلاتی در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۵. اسناد عملیات‌های آزادسازی مناطق بینابینی در پروژه‌ی شهید بروجردی.
۱۶. اسناد عملیات‌های آزادسازی مناطق مرزی در پروژه‌ی شهید بروجردی.